



## سر مقاله ضرورت به کار گرفتن خرد خویشتن

با اینکه مفهوم «خرد» و ضرورت به کار گرفتن آن در فرهنگ ایرانی، بسیار کهن تر از عبارت معروف امانوئل کانت فیلسوف قرن هجدهم آلمان است، اما به نظر می‌رسد نفوذ انواع تفکرات دینی و ایدئولوژیک که بر ایمان و تقلید و پیروی و فرمانبرداری استوارند، راه را بر خرد و خردمندی بسته است. در جهان امروز که کمتر کسی کتاب می‌خواند، نقش آموزش و پرورش از مهد کودک تا پایان دبیرستان بسیار مهم‌تر و حیاتی‌تر از گذشته می‌شود: آموزش کودکان به پرسش و پرسیدن و پرورش آنها برای آندیشیدن و خردورزی مستقل. اینگونه می‌توان جرات استفاده از خرد خویشتن را از کودکی به انسان آموخت تا شهروندان چه به عنوان مدیران و اعضای جامعه و چه به عنوان کاربران و مخاطبان رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی، همزمان با گفتن و شنیدن، بر عقل و خرد خود برای تشخیص منافع فردی و همگانی متکی باشند.

چرا استفاده از خرد خویشتن در عصر فضای مجازی اهمیتی صدچندان می‌یابد؟ به دلیل بمباران شدن با خبر و نظر اعم از شایعه و خبر و مطالب جعلی؛ و از همه مهمتر به دلیل جوگیر شدن و فضا سازی‌های هدفمند! برای نمونه، اگر سال‌ها مرتب تکرار می‌شد که جمهوری اسلامی بنا بر سرشت و ساختار خود نمی‌تواند در سیاست داخلی و خارجی چنین و چنان کند، اما در چند دوره، فضا سازی و جوگیر شدن عمومی، خرد فردی و جمعی را چنان از میدان به در کرد که گویی می‌توان این رژیم را به اصلاحاتی واداشت و یا اینکه با مذاکرات اتمی موسوم به «برجام» می‌شود مشکلات کشور را حل کرد!

در عمل اما دیدیم که چنین نشد! با اینهمه عده‌ای همچنان در پی فریب عقل و خرد دیگران هستند تا علت این ناکامی را نه در سرشت و ساختار نظام بلکه در عوامل بیرونی معرفی کنند. مثلاً عدم موفقیت «برجام» را به خروج آمریکا و سیاست‌های ترامپ نسبت می‌دهند! اما اگر هم آمریکا از برجام خارج نمی‌شد، امکان نداشت چرخه‌ی ورشکستگی اقتصادی کشور به مسیر درست هدایت شود زیرا منابع قدرت چنین امکانی را از این چرخه سلب کرده‌اند.

البته اگر آمریکا از برجام بیرون نمی‌رفت: سود حاصله از آن به جیب صدفامیل مافیایی رژیم می‌رفت؛ یاگیری و تجهیز شبه نظامیان وابسته به رژیم ایران گسترش می‌یافت؛ سوریه و یمن و عراق بیش از امروز در مرداب درگیری‌های داخلی فرو می‌رفتند؛ سرکوب جنبش‌های مدنی در ایران سازمان یافته‌تر پیش می‌رفت؛ و در یک کلام، رژیم باثبات‌تر می‌ماند تا دوباره به بحرانی بزرگتر دچار شود و در شرایطی قرار بگیرد که امروز قرار گرفته است! ولی هرگز فراموش نکنیم که تظاهرات و اعتراضات سراسری ۹۶ علیه نظام یک سال و نیم پس از برجام و ماه‌ها پیش از آنکه آمریکا از آن خارج شود، آغاز شد!

خرد که چیزی جز به کار گرفتن آموخته‌ها و تجربه‌ها خارج از منافع و تمایلات شخصی نیست می‌گوید: جمهوری اسلامی با برجام یا بی‌برجام پاسخگوی نیازهای جامعه ایران نیست! آیا کسانی در خود رژیم از این خرد بهره‌ای برده‌اند؟!

# مذاکره یا مقاومت؟! مسئله اما این نیست!

● محمد جواد حجتی کرمانی: در شرایط حاد کنونی مذاکره با ترامپ چون خوردن گوشت مردار «هزار سگ» به حکم اضطراب مجاز است.



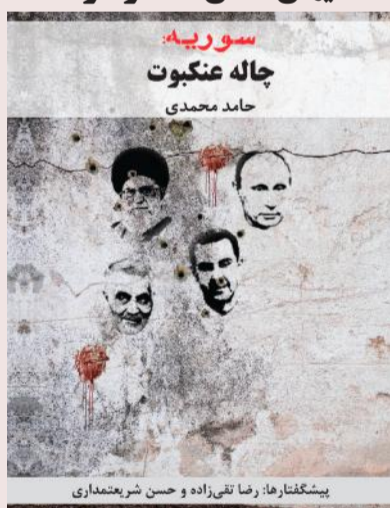
تفسیر سیاسی هفته را در صفحه ۲ بخوانید

## چرا مخالفان تحریم اقتصادی جمهوری اسلامی در قبال تشدید نقض حقوق بشر در ایران سکوت می‌کنند؟



در انتخابات ریاست جمهوری و اصولگرایان همچنان پر غلط ادامه سرانگشت‌های عده‌ای به خیال اینکه یافته، همانا که به دنبال دموکراسی و عدالت بودند، انگشت جوهری خود را جلوی دهان گرفته و جامعه را دعوت به سکوت در قبال سیاه‌روزی‌ها و بی‌عدالتی‌ها می‌کنند. در صفحه ۲

### کیهان لندن منتشر کرد:



کتاب «سوریه: چاله عنكبوت» به قلم حامد محمدی (افسر خلبان) برای نخستین بار ابعاد گسترده حضور نظامی و ناگفته‌های دخالت رژیم جمهوری اسلامی در جنگ داخلی سوریه را به صورت مستند از آغاز این جنگ تا به امروز به تصویر می‌کشد. بلافاصله می‌توانید این کتاب را مستقیماً از طریق ایمیل یا کیهان لندن [ads@kayhan.london](mailto:ads@kayhan.london) و یا انتشارات ساتراپ و سوپر هرمز در لندن و کتابفروشی‌های معتبر ایران در اروپا و آمریکا به نشانی‌های زیر به مبلغ معادل ۲۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنید.  
 Satrap Publishing: Email: [satrap@btconnect.com](mailto:satrap@btconnect.com) [www.satrap.co.uk](http://www.satrap.co.uk)  
 Super Hormuz, Finchley Road, Golders Green, NW11 0AD  
 Ibox Publishers Bookshop, Inc. PO Box 30087, Bethesda, MD 20824-0087, USA  
 Ferdosi Bookshop, Box 45095, SE-104 30 Stockholm, SWEDEN  
 UTOPIRAN, 89 Rue du Ruisseau, 75018 Paris, FRANCE  
 Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24, 50676 Köln, GERMANY

## گذار از جمهوری اسلامی از توهم تا واقعیت!

«اکثریت خاموش» چه می‌خواهند؟! در صفحه ۱۸

ماجرای تکراری «باید ببازی!» سعید ملایی باخت تا در برابر حریف اسرائیلی قرار نگیرد  
 گراندا اسلم تنیس آمریکا؛ #LetIranianWomenIn  
 فدرر، جاکوویچ، سرینا و ونوس در دور دوم فدراسیون فوتبال جمهوری اسلامی هشدارهای فیفا را نادیده می‌گیرد؛  
 کمپین اعتراض به بازداشت «دختران آزادی»  
 حسن روشن: در امجدیه شلاقم بزنند!  
 در صفحه ۱۰

### کیهان منتشر کرد:

## سقوط بهشت

خاندان پهلوی و روزهای پایانی ایران پادشاهی

اندر و اسکات کوپر ترجمه رضا تقی زاده

کتاب سقوط بهشت را از تاریخ ۲۳ فوریه تنها از کیهان لندن می‌توان خریداری کرد

قیمت: ۲۵ پوند + هزینه بسته بندی و پست



## مذاکره یا مقاومت؟! مسئله اما این نیست!

- محمدجواد حتجی کرمانی: در شرایط حاد کنونی مذاکره با ترامپ چون خوردن گوشت مردار «هزار سگ» به حکم اضطرار مجاز است.**
- شکست توافق اتمی سر آغاز بیرون آمدن جریانی شده که با پشتیبانی مجتبی خامنه‌ای و ابراهیم رئیسی هدفی جز قبضه کردن رهبری ندارد.**
- جامعه از این اوضاع خسته شده و جز امنیت اقتصادی و اجتماعی نمی‌خواهد! خواسته‌ای که جمهوری اسلامی هرگز قادر به تأمین آن نیست.**

امینوئل ماکرون در حاشیه نشست «گروه

هفت» می‌توان دید که در نهایت با نتیجه‌ی «صفر» دست از پا درازتر به تهران بازگشت. دونالد ترامپ نه حاضر به دیدار با او شد و نه حاضر شد از شروط خود عقب‌نشینی کند. ظریف با چراغ سبز خامنه‌ای و تحت فشار حامیان مذاکره با آمریکا با هواپیمای دولتی و نامنتظره با تلاش ماکرون خیالباف به امید باز شدن روزه‌هایی در مذاکره به فرانسه رفت. اما وقتی دست خالی بازگشت، برخلاف تبلیغات خوش‌بینانه و خیالپردازانه‌ی برخی افراد و رسانه‌ها، نظام و رهبرش علی‌خامنه‌ای احتمالا باید دریافته باشند که این بار شرایط بسیار متفاوت از گذشته است.

تردیدی نیست که یک بخش مهم از هویت جمهوری اسلامی را آمریکاستیزی تشکیل می‌دهد. سیاستی که چهل سال است برای مردم ایران هزینه به بار آورده. اما هرجا شرایط نظام وخیم می‌شود عقب‌نشینی می‌کند تا با اخاذی یا باج‌دهی خود را جمع و جور کرده و با جمع‌آوری امکانات به حیات و خرابکاری‌های خود ادامه دهد. این عقب‌نشینی را خمینی با «جام زهر» قطعنامه ۵۹۸انجام داد و نظام پس از مرگش برنامه اتمی مخفی را پیش برد؛ خامنه‌ای با «ترمش قهرمانانه» انجام داد و با منابع به دست آمده مداخله در سوریه و عراق و تقویت شبه‌نظامیان را پیش برد. و حالا کمتر از چهار سال این‌بار اما با یک عقب‌نشینی تاریخی روبروست.

#### مذاکره و توافق با آمریکا: استخراج قدرت

تجربه نشان داده جمهوری اسلامی در هر مقطعی که با اجبار روبرو شده برای حفظ خود تن به مذاکره با آمریکا داده اما پوشیده نیست مذاکره و رسیدن به هرگونه توافق با آمریکا برای جریان‌های سیاسی داخلی که مامور این مذاکرات هستند هم تولید قدرت کرده و هم امتیازات فوق‌العاده‌ای به همراه داشته است.

اکنون دو سال دیگر از عمر دولت ترامپ باقی است و پیش‌بینی‌ها حاکیست او تا شش سال آینده قدرت را در دست خواهد داشت. هر دو جناح رژیم کاملا واقفند که ادامه وضعیت فعلی با تحریم‌های شدید به ویژه در بخش نفت و بانک ممکن نیست و راه و چاره فقط



کنار آمدن با آمریکاست. اما چگونه؟!

اگر بناست برای حفظ موجودیت نظام و جلوگیری از فروپاشی مذاکره شود طبیعی است بین دستجات و باندهای درون رژیم بر سر نشستن پای میز مذاکره با آمریکا رقابت سختی درگیرد. آنهم در شرایطی که رهبر جمهوری اسلامی در ۸۰ سالگی قرار دارد و جناحی که در قدرت باشد دست بازتری برای اثرگذاری در معادلات و نهایتاً تعیین جانشین وی دارد.

#### مذاکره و ضرورت مُردار خوری

در داخل ایران برای پیشبرد سیاست‌های نظام و خروج از بحران دو دیدگاه عمده وجود دارد. گروه نخست آنهایی‌اند که باور دارند راه نجات از بحران، مذاکره با آمریکاست و سرآمد آنها حسن روحانی و تیم ظریف و اصلاح‌طلبان‌اند که بر خلاف ادعای گذشته خود که مدعی بود برای همه‌قفل‌ها کلید وجود دارد حالا می‌بندد که کلید بی‌دندانه‌ی نذار تانچی کارساز نیست. صدایی که از این جریان شنیده می‌شود گاهی خفیف است؛ مذاکره را لازم اما مشروط به تایید و اراده رهبر نظام می‌داند. گاهی هم شدت می‌گیرد که بیانگر واقعیت بحران‌های

در انتخابات ریاست‌جمهوری سرانگشت‌های عده‌ای به خیال اینکه حسن روحانی مرد شعارهای افراطی نیست و به جهان دموکراتیک احترام می‌گذارد، جوهری شدند اما حالا که مشق‌های چندین‌باره اصلاح‌طلبان و اصولگرایان همچنان پرغلط ادامه یافته، همانها که به دنبال دموکراسی و عدالت بودند، انگشت جوهری خود را جلوی دهان گرفته و جامعه را دعوت به سکوت در قبال سیاه‌روزی‌ها و بی‌عدالتی‌ها می‌کنند.

#### سبز و بنفش‌های خاموش

اینکه چهل سال زندان‌ها در ایران توسعه‌یافته و جا برای قشرهای مختلف جامعه، از شهروندان عادی تا فعالان سیاسی و مدنی باز کرده، قصه تکراری و پر آب چشم است اما در دو سال اخیر، از وقتی در خیابان‌ها، پژواک شعارهای براندازی و مخالفت با اساس حکومت پپچیده، این زندانبانان بودند که عوض شدند و کلیدداران زندان این‌بار به سبزپوشان و بنفش‌پوشان نیز گسترش یافتند. به اعتبار ارشیهوهای برجای مانده از کوران اعتراضات زمستان ۹۶ در فضای مجازی، موج گسترده‌ای از رأی‌دهندگان به حسن روحانی زیر پتوی بی‌اعتنایی پنهان شدند و واکنشی به بازداشت، ضرب و جرح، زندان و احکام سنگین برای دستگیرشدگان نشان ندادند و تا کنون نیز سکوت اختیار کرده‌اند، مبادا بر نظام به عبای یکی از رأی‌دهندگان دیروز گیر کند که چرا دم از آزادی و حقوق بشر می‌زند!

سر بزنگاه‌ها در جنبش‌های مردمی است که شعارهای توخالی نمایان شده و پایان ادعاهای

عدالت‌طلبی، دموکراسی‌خواهی و همچنین حمایت از حقوق بشر آغاز می‌شود. ادعاهایی که سال‌ها به اعتبارش صندوق‌های رأی را پر می‌کردند. امروز میدان گسترده‌ای از فعالان حقوق بشری، فعالان مدنی و سیاسی بر بستر جامعه شکل گرفته که از جنس مردم هستند و تجربه‌ای از جنس خود مردم از مشکلات و مخاطرات دارند. فعالان کارگری و سندیکاهای کارگری، فعالان حقوق مدنی و اجتماعی و معترضان به حجاب اجباری از همین بستر می‌آیند و برای تغییرات بنیادین تلاش می‌کنند.

جامعه‌دیگر مطالبات خود را زیر پرچم این جناح و آن جناح بیان نمی‌کند بلکه به صورت خودجوش دست به اعتراض می‌زند. در این بین، مبارزات زنان در ایران برای کسب حقوق شهروندی، ابعاد متفاوتی پیدا کرده و از بطن جامعه زنان با هدف آزادی انتخاب پوشش پس از برداشتن قدم‌های ابتدایی در خفا اکنون به مطالبه‌های آشکار در کوچه و خیابان تبدیل شده است. ولی این مبارزات زنان، با برخورد‌های منفی حتی از سوی جامعه به اصطلاح فعالان زن مواجه شده که از جمله به دلیل خصومت‌های فردی با کسانی چون مسیح علی‌نژاد یا داشتن ادعای پیشکسوتی در این عرصه، نادیده و حتی به سخره گرفته می‌شوند.

کش‌های مهمی چون اعتراض به حجاب اجباری، خصوصا از زاویه‌ای که موجودیت و اصول بنیادین حکومت را هدف گرفته، بسیاری را تلخکام کرده و به مخالفت با آن واداشته است.

در خلاء بازوی از کار افتاده‌ی فعالان حقوق بشری حامی حکومت اما شبکه‌های اجتماعی نقش بسزایی در گسترش موج اعتراضات بازی می‌کنند و کمپین‌ها و گروه‌های مختلف صنفی و مدنی را شکل داده و به جلو سوق می‌دهند. طیف گسترده‌ای از مردم در شهرهای مختلف ایران مطالبات تازه و خارج از چارچوب حکومت را بیان می‌کنند. در شرایطی که ورود سازمان‌های حقوق بشری به داخل ایران امکان‌پذیر نیست و دسترسی به آمار واقعی بازداشت‌ها، درگیری‌ها، فشارها و حتی اعدام‌ها بیش از پیش سخت شده، فعالیت در فضای مجازی نیز به جرم تبدیل شده و حتی فیلمبرداری با گوشی موبایل از وضعیت موجود جامعه تا ۱۰ سال زندان در پی خواهد داشت.

#### سرکوب یعنی تکثیر معترضان و مخالفان

طرح مطالبات مردم از سوی فعالان سیاسی و مدنی شامل مدافعان حقوق زنان، اقوام، دگردانشان و دگرپاشان، کارگران، دانشجویان و حتی دفاع از حقوق حیوانات، با اعمال فشار، خشونت، بازداشت و صدور احکام سنگین از سوی حکومت پاسخ داده می‌شود.

یاسمین آریانی، منبژه عربشاهی و مژگان کشاورز سه معترض به حجاب اجباری به جرم گل دادن به زنان محجبه در مترو تهران مجموعا به ۵۵ سال و شش ماه زندان محکوم شده‌اند! مجازاتی بس سنگین که نشانگر بالا بردن هزینه‌ی جامعه برای به دست آوردن پیش پا افتاده‌ترین حقوق اولیه‌ی اعضای آن است.

از سوی دیگر، اعتراض کارگران برای دریافت حقوق معوقه خود و حفظ اشتغال و دریافت بیمه و مزایایی که طبق همین قانون کار الکن موجود به آنها تعلق دارد، با ضرب و جرح و بازداشت و زندان پاسخ داده می‌شود. در جریان اعتراضات کارگران هفت‌تپه اسماعیل بخشی فعال کارگری بازداشت، شکنجه و زندانی گشت و اعترافات

## کیمیان

## چرا مخالفان تحریم اقتصادی جمهوری اسلامی در قبال تشدید نقض حقوق بشر در ایران سکوت می‌کنند؟

اجباری وی نیز از تلویزیون حکومتی جمهوری اسلامی پخش شد. بازداشت فعالان کارگری و صدور احکام حبس طولانی برای کارگران نیز ادامه دارد.

حکومت در سال‌های اخیر فهرست زندانبانان سیاسی و دگردانش را بیش از پیش بلندتر کرده و دستگاه قضا چنان گشاده‌دست احکام مجازات صادر می‌کند که یک سال و دو سال زندان حداقل است. امیرسالار داوودی وکیل دادگستری و فعال حقوق بشر به ۳۰ سال حبس و صبا کرد افشاری دختر بیست ساله‌ی معترض به حجاب اجباری به ۲۴ سال زندان محکوم شده‌اند.

#### مخالفان تحریم‌ها کجايند تا از فشارهای خود حکومت بر جامعه بگویند!؟

در چنین اوضاعی، نگاه جامعه جهانی معطوف به تحقق کدام حقوق بشر در جمهوری اسلامی است؟ اگرچه سازمان‌های مستقل، غیرحزبی و مردم‌نهاد حقوق بشری به دلیل کارکرد محدود و غیراجرایی عمدتا با انتقاد روبرو هستند ولی با افزایش فشارهای سنگین بر جامعه‌ی مدنی ایران، شاهد واکنش و عملکردی متفاوت و شایسته از سوی آنان نیستیم. به ویژه آنکه در رویکرد جهان آزاد در قبال جمهوری اسلامی همچنان با مامشات به عنوان اهرم مهار روبرو هستیم!

در عین حال، در حالی که مخالفان تحریم‌های آمریکا و اروپا علیه جمهوری اسلامی، زُست حقوق بشری می‌گیرند و دل برای مردم می‌سوزانند که به دلیل این تحریم‌ها تحت فشار قرار می‌گیرند، ولی همگی در قبال بازداشت گسترده کنشگران مدنی و سیاسی و فشارهایی که خود جمهوری اسلامی بر جامعه وارد می‌آورد، سکوت کرده‌اند. منتقدان تحریم جمهوری اسلامی در حقیقت از دل سوزاندن برای فشار اقتصادی ناشی از تحریم‌ها به نفع حکومت بهره می‌جویند، حال آنکه بخشی از تحریم‌ها از جمله در زمینه‌ی معاملات مس، فولاد، آهن و آلومینیوم مربوط به نقض حقوق بشر است و حکومت می‌تواند با کاهش فشارها علیه جامعه و اجرای قوانین حقوق بشری، راه را برای لغو این تحریم‌ها باز کند!

جالب اینجاست که حتی اعتراض آمریکا به نقض آشکار حقوق بشر در ایران و اشاره به زندانی بودن ۸۰۰ فعال حقوق بشری در کشور، از سوی «فعالان حقوق بشر» حامی حکومت به دخالت در امور داخلی ایران تعبیر می‌شود!

در این بین، ماموریت گزارشگر ویژه حقوق بشر در ایران در حالی تمدید شده که ۱۸ کشور به آن رأی ممتنع داده‌اند و این ماموریت با ۲۲ رأی موافق و ۷ رأی مخالف تمدید شد که به خودی خود می‌توان آن را به حساب نمره رفوزگی شورای حقوق بشر سازمان ملل گذاشت.

اتحادیه اروپا نیز بجز تمدید تحریم‌های حقوق بشری علیه جمهوری اسلامی که صرفا شامل مسدود کردن دارایی‌های ۸۲ نفر از قسات دادگاه‌های انقلاب اسلامی، اعضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، نیروی انتظامی و یک نهاد سایبری است، تا کنون واکنش موثری در قبال دستگیری گسترده فعالان مدنی و سیاسی و گسترش خطوط قرمز حکومت نداشته است. به نظر می‌رسد حفاظت اروپا از برجام ناکام بسیار مهمتر از حقوق مردمی است که می‌بایست از موهبت‌های این «برجام» بهره‌مند شوند! در چنین تناقضی است که پز حقوق بشری اروپا چون حباب می‌ترکد.

در کمتر از شش ماه، صدها فعال حقوق زنان، روزنامه‌نگار، فعالان سیاسی و کارگری، حامیان حقوق حیوانات، دراویش و اقلیت‌های دینی بازداشت شده‌اند اما واکنش جامعه جهانی و نهادهای حقوق بشری از صدور بیانیه فراتر نرفته است! هم‌زمان با گسترش دامنه‌ی سرکوب در ایران که توسط دستگاه قضائی و همکاری نهادهای اطلاعاتی از جمه وزارت اطلاعات و اطلاعات سپاه پاسداران صورت می‌گیرد، قوه قضائیه به ریاست سیدابراهیم رئیسی، یکی پس از دیگری پرونده‌های فساد واپس‌نگان رژیم را می‌گشاید! آنهم در حالی که خود قوه قضائیه یکی از مفسده‌های مرکزی نظام جمهوری اسلامی است که با زیرکی سرکوب فعالان سیاسی و مدنی را در سایه‌ی این به اصطلاح «مبارزه با فساد» پیش می‌برد تا «مبارزه با فساد» به هم‌زمان با «رشد جامعه مدنی» و تکثیر معترضان و مخالفان، نظام را دچار عدم توازن نکند!

در چنین شرایطی است که کنشگران سیاسی و مدنی در ایران قربانی سودجویی و فرصت‌طلبی اصلاح‌طلبان و اصولگرایان و همچنین مامشات کشورهای غربی با حکومت ایران می‌شوند. همان کشورهایی که که داعیه‌ی «مذاکرات دموکراتیک» با جمهوری اسلامی را دارند!

از این رو، جامعه مدنی که از دی‌ماه ۹۶ به اینسو بندهایش از این جناح و آن جناح نظام رسته می‌شود، می‌بایست دست به زانو زده و برای کسب حقوق از دست رفته‌ی همه‌ی شهروندانش، تمام‌قد بر پاهای مستقل خود بایستد.

**آزاده کریمی**

## پیشنهاد ۱۵ میلیارد دلاری ماکرون برای توقف یاغی گری های نظام مقدس



حسنت‌الله فلاحت‌پیشه در صحن علی مجلس شورای اسلامی؛ یکشنبه سوم شهریور ۱۳۹۸

فلاحت‌پیشه گفت «تنش هسته‌ای هنوز حل نشده» اما ادعا کرد «راهبرد جمهوری اسلامی در تغییر ماهیت تنش منجر به سردرگمی دشمنان کشورمان شده است.»

به گفته او «تکیه بر مقاومت داخلی، مدیریت دیپلماسی عمومی جهانی، عدم نقض مقررات بین‌المللی و پرهیز از ورود به کمینگاه‌های دشمنان از جمله ابعاد مهم این راهبرد است.»

فلاحت‌پیشه گفت «تنش هسته‌ای هنوز حل نشده» اما ادعا کرد «راهبرد جمهوری اسلامی در تغییر ماهیت تنش منجر به سردرگمی دشمنان کشورمان شده است.»

به گفته او «تکیه بر مقاومت داخلی، مدیریت دیپلماسی عمومی جهانی، عدم نقض مقررات بین‌المللی و پرهیز از ورود به کمینگاه‌های دشمنان از جمله ابعاد مهم این راهبرد است.»

این نماینده در ادامه گفت، «ضمن احترام به دکتر ظریف، معتقدم اکنون گروه B دچار فروپاشی و چالش درونی شده است لذا روابط متفاوتی را باید با امارات و حتی عربستان تعریف کرد و در آن ایفای نقش افرادی امثال بنیامین نتانیاهو و جان بولتون را دشوار نمود.»

پیدا شد و مذاکرات ظریف و فرانسوی‌ها چیزی عاید رژیم ایران نشده، چنانکه فلاحت‌پیشه در نطق خود تاکید کرده «گام سوم باید محکم‌تر از گذشته برداشته شود؛ انتظار می‌رفت بخشی از مختصات این گام از طریق ماکرون به اطلاع سران گروه هفت می‌رسید، بیش از این نیروها زمان به ضرر ایران کشته شود، بیش از یک سال نقض عهد آمریکا و خویشتن داری ایران زمینه‌های حقوقی و عرفی لازم برای اقدام موثر جمهوری اسلامی ایران را فراهم کرده است.»

فلاحت‌پیشه گفت، طبق مفاد NPT هیچ منعی وجود ندارد که ایران به قابلیت‌های هسته‌ای پیش از موافقتنامه ژنو ۹۳ بازگردد و بیش از این خود را گرفتار بازی بازیگرانی همچون روسیه و چین و دیگر کشورها نکند.

به اعتقاد شمار زیادی از تحلیلگران برخوردی که در پاریس با ظریف شد این حال در ادامه این گزارش به نقل از ظریف آمده «ناگفته پیداست بسته به پیشنهادی ایران که بی‌تردید با رد گزینه‌های پیشنهادی پاریس همراه بوده است، به پایهای برای تداوم نتیجه‌بخش مذاکراتی سازنده تبدیل شده است.»

واقع روزنامه ایران خبر رد پیشنهادات جمهوری اسلامی توسط فرانسوی‌ها را در بازی با کلمات و عبارات به خواننده ارائه می‌دهد تا زهر شکست آن کمتر شود.

ظریف بعد از دیدار با ماکرون به رسانه‌ها گفته بود، «پیشنهادات رئیس‌جمهور فرانسه درباره کاهش تنش‌ها درباره توافق هسته‌ای ایران در مسیر صحیحی به پیش می‌رود.»

به مصاحبه ظریف با شبکه یورونیوز

● فلاحیت پیشه از راهبرد جمهوری اسلامی در برابر دشمنان رونمایی کرد: «تغییر ماهیت تنش» برای سردرگم کردن دشمنان!

● به گفته فلاحت‌پیشه «تکیه بر مقاومت داخلی، مدیریت دیپلماسی عمومی جهانی، عدم نقض مقررات بین‌المللی و پرهیز از ورود به کمینگاه‌های دشمنان از جمله ابعاد مهم این راهبرد است.»

● ظریف پیشنهاد فرانسه در مسیر درستی قرار دارد؛ سرداران سپاه می‌گویند موشک‌ها و قدرت منطقه‌ای ایران قابل مذاکره نیست.

● روزنامه ایران به نقل از منابع آگاه مدعی شد فرانسه از شرط موشکی خود عقب‌نشینی کرده اما کیهان تهران می‌گوید بسته فرانسوی‌ها هدفشان نشانه رفتن توان موشکی جمهوری اسلامی است.

گفتگو میان محمدجواد ظریف و امانوئل ماکرون رئیس‌جمهوری فرانسه، از مسائلی است که روز یکشنبه سوم شهریور در جلسه علنی مجلس به آن پرداخته شد.

حسنت‌الله فلاحت‌پیشه از اعضای کمیسیون امنیت ملی و از موافقان مذاکره مشروط با آمریکا در نطق میان دستور توضیح داد، پیشنهاد ماکرون به جمهوری اسلامی دو بخش اصلی دارد، «شارژ مالی اینستکس» و «تجدید معافیت‌های ایران در زمینه فروش نفت» که به گفته او «این پیشنهادها در آن حد ارزش ندارد که مانع گام سوم جمهوری اسلامی ایران شود اما موضوع ایران در نشست گروه ۷ در دستور حفظ خواهد کرد به نوعی که ترامپ نتواند نقش دیگر و تنش‌ی تازه را در این رابطه ایجاد نماید.»

## استقرار ناوشکن «سهند» در عدن با ادعای اسکورت کشتی‌ها؛ «آدریان دریا» در مسیر کانال سوئز



ناوشکن سهند از آذرماه سال ۱۳۹۷ با ناوگان نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ملحق شد

نیروهای ائتلاف به رهبری آمریکا دستشان برای اقدامات جدی باز است و حتی اگر برخورد نظامی با این کشتی صورت نگیرد، توقیف آن برای افزایش فشارهای سیاسی به تهران از گزینه‌های محتمل است.

در این مجموعه از رویدادها، اعزام ناو سهند به خلیج عدن برای اسکورت کشتی‌ها چیزی جز یک اقدام نمایشی با هدف تبلیغاتی داخلی نیست زیرا جمهوری اسلامی تحت تحریم است

و عملاً از مسیر دریای سرخ صادراتی به اروپا ندارد که نفتکش‌ها نیاز به اسکورت داشته باشند! بنابراین هدفش صرفاً نمایش برای اسکورت «آدریان دریا» در مقابله با رویدادهای احتمالی است. اما از آنجا که ناو سهند در خلیج عدن (خروجی دریای سرخ) بعد از تنگه باب‌المندب مستقر شده، پس که حتی «آدریان دریا» وارد دریای سرخ هم شود، ناو سهند بیش از دوهزار کیلومتر را باید طی کند تا به خلیج عدن برسد!

اینهمه در حالیکه تهدید آمریکا و متحدانش علیه جمهوری اسلامی همچنان ادامه دارد. علیرضا تنگسیری فرمانده نیروی دریایی سپاه، سوم شهریور، در مراسم قدرانی از فرماندهان و رزمندگان عملیات توقیف نفتکش انگلیسی در بندرعباس گفت، «در دریا به مهارت و توانمندی لازم و کافی برای مهار اهداف دشمن دست پیدا کرده‌ایم.»

وی تاکید کرد نیروهای ارتش و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در تمامی آب‌های متعلق به جمهوری اسلامی در خلیج فارس و در دریای عمان و اقیانوس هند حضور دارند و دشمن تردید نکند حوضچه‌ها و اسکله‌ها نیز رصد خواهد شد.

مقام‌های نظامی جمهوری اسلامی ادعا می‌کنند ناوشکن سهند «پیشرفته‌ترین ناوشکن غرب آسیا» است و قادر به ۱۵۰ روز دریانوردی به همراه شناور پشتیبان در اقیانوس‌های دوردست و آب‌های متلاطم است و امکاناتی از قبیل پرتابگر اژدر، انواع توپ‌های ضدهوایی و ضدسطحی و سیستم‌های موشکی سطح به سطح و سطح به هوا دارد.

اعزام ناو سهند به عدن با احتمال حرکت نفتکش «آدریان دریا» (گریس ۱) به سمت کانال سوئز همزمان شده است.

نفتکش «آدریان دریا» با ۲۰۱ میلیون بشکه نفت خام و حدود یک میلیون دلار پول نقد با سرعت ۸۰۱ نات (۱۵ کیلومتر) در ساعت به گندی به سمت کانال سوئز در جنوب غربی مدیترانه (دهانه دریای سرخ) در حرکت است و این احتمال وجود دارد که در ماموریتی که ناکام مانده، قصد بازگشت به ایران را داشته باشد. مقام‌های جمهوری اسلامی ادعا می‌کردند این محموله به سوریه منتقل نمی‌شد اما مقصد نهایی آن را هم نگفتند و هیچ کشوری هم قبول نکرد که این کشتی در سواحل آنها پهلو بگیرد. انگلیس و آمریکا بر اساس شواهد اعلام کردند که مقصد این نفتکش ایرانی بندر بانیاس در سوریه بوده است.

نه تنها کشورهای اروپایی از جمله ایتالیا و یونان حاضر نشدند با این نفتکش همکاری کنند بلکه روسیه و ترکیه نیز تا کنون برای پناه دادن به این نفتکش با رژیم همکاری نکرده‌اند و حالا «گریس ۱» دست از پا درازتر راهی ندارد جز اینکه پس از هفته‌ها توقیف و سرگردانی به دریای سرخ وارد شود؛ جایی که

● حبیب‌الله ناوشکن سهند به همراه ناو پشتیبانی و هلی‌کوپتربر خارگ با هدف اسکورت کشتی‌ها در دریای عمان و خلیج عدن به این ماموریت اعزام شدند.

● مقصد نفتکش آدریان دریا که از یونان به ترکیه تغییر کرده بود بار دیگر تغییر کرده و اکنون به سمت سوئز در حرکت است.

● فرمانده نیروی دریایی سپاه می‌گوید، در دریا به مهارت و توانمندی لازم و کافی برای مهار اهداف دشمن دست پیدا کرده‌ایم! ● اعزام ناو سهند نمایشی است و اگر هم بخواهد «آدریان دریا» را اسکورت کند، دو هزار کیلومتر باید طی کند تا به این نفتکش در خلیج عدن برسد!

● جمهوری اسلامی ایران ناو «سهند» متعلق به نیروی دریایی ارتش را در خلیج عدن مستقر کرده است. ● خبرگزاری ایرنا، دوشنبه چهارم شهریور با اعلام این خبر به نقل از حبیب‌الله سیاری رییس ستاد ارتش جمهوری اسلامی ایران نوشت این ناوشکن به همراه ناو پشتیبانی و هلی‌کوپتربر خارگ با هدف اسکورت کشتی‌ها در دریای عمان و خلیج عدن به این ماموریت اعزام شدند.

● جمهوری اسلامی ایران ناو «سهند» متعلق به نیروی دریایی ارتش را در خلیج عدن مستقر کرده است.

● خبرگزاری ایرنا، دوشنبه چهارم شهریور با اعلام این خبر به نقل از حبیب‌الله سیاری رییس ستاد ارتش جمهوری اسلامی ایران نوشت این ناوشکن به همراه ناو پشتیبانی و هلی‌کوپتربر خارگ با هدف اسکورت کشتی‌ها در دریای عمان و خلیج عدن به این ماموریت اعزام شدند.

## وزارت خزانهداری آمریکا دو شبکه مرتبط با برنامه موشکی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و وزارت دفاع را تحریم کرد



آزمایش‌های موشکی سپاه در سایت سمنان

این شبکه‌ها با حامد دهقان است که از طریق یک شرکت پوششی مستقر در هنگ‌کنگ برای دور زدن تحریم‌های آمریکا و تحریم‌های بین‌المللی استفاده می‌کرده است. این شرکت در معاملاتی به ارزش ده‌ها میلیون دلار تکنولوژی آمریکایی را برای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و برنامه موشکی رژیم ایران فراهم می‌کرده.

شبکه دوم به ریاست سید حسین شریعت محصولات متعدد آلیاژ آلومینیوم را برای نهادهای تحت کنترل وزارت دفاع و لجستیک وزارت دفاع تهیه و خریداری می‌کرده است. سیگال مندلکر معاون وزیر خزانهداری آمریکا در امور تروریسم و اطلاعات

● آمریکا پنج شرکت و پنج فرد را به اتهام همکاری با صنایع موشکی رژیم ایران تحریم کرد.

● این دو شبکه از طریق یک شرکت صوری در هنگ‌کنگ برای برای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و وزارت دفاع قطعات ساخت موشک و امکان معامله فراهم می‌کردند.

● حامد دهقان، هادی دهقان، شقایق اخایی، سیدحسین شریعت و مهدی ابراهیم‌زاده در فهرست تحریم‌های آمریکا قرار گرفته‌اند.

وزارت خزانهداری آمریکا، چهارشنبه ۲۰ اوت (ششم شهریور)، دو شبکه مرتبط با برنامه موشکی ایران وابسته به سپاه پاسداران و دولت جمهوری اسلامی را تحریم کرد. به گزارش دفتر کنترل دارایی‌های خارجی وزارت خزانهداری آمریکا (OFAC)، این دو شبکه متهم به اقدام جهت تهیه و تجهیز مخفیانه تجهیزات موشکی برای چندین ارگان نظامی در ایران هستند. در بیانیه‌ای که از سوی این وزارتخانه منتشر شده آمده است ریاست یکی از

### دارالترجمه بین‌المللی فریس

زیر نظر و با مسئولیت دکتر ناصر رحیمی (استاد دانشگاه)

ترجمه رسمی شناسنامه، قبالة ازدواج و طلاق، مدارک حقوقی، تجاری، طبی، تحصیلی و مدارک مربوط به تقاضای پناهندگی  
تلفن: 020-8222 8884 / 020-8222 6500 / 020-8735 6500  
فکس: 020-7760 7160  
www.assot.co.uk  
Email: assot@aol.com

Suite 611, Britannia House, 11 Glenthorne Road Hammersmith, London W6 0LH

دوشنبه تا جمعه ۱۰ صبح تا ۵ بعداز ظهر

فرمانده نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی:

## توقیف نفتکش انگلیس «نسخه آقا» بود



امیرعلی حاجی زاده

هدف قرار می‌دادیم. فرمانده نیروی هوافضای سپاه در ادامه افزود، «آنها می‌دانستند اگر اقدامی بکنند یا پاسخ ما روبرو می‌شوند و باید پا به پای ما جلو بیایند. برای اولین مرتبه برای مردم دنیا این یقین حاصل شد که قدرت آمریکا پوشالی است. همه این موفقیت‌ها با عمل به تدابیر حضرت آقا به دست آمده و برگرفته از اسلام ناب است. این روش نشان داده است که همه مشکلات قابل حل است.»

اظهارات این فرمانده مهر تأیید دوباره‌ای است بر این موضوع که تصمیم‌هایی که هر کدام نتیجه‌ای جز افزایش بحران و به خطر انداختن کشور و منافع آن نداشته از کجا آب می‌خورد.

را به عنوان چاشنی این موضوع مطرح کردند» به گفته این مقام نظامی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، «دشمن عملیات روانی گسترده‌ای به راه انداخت که قرار است جنگ علیه ما به راه بیفتد حتی سرویس‌های اطلاعاتی دوست هم به ما می‌گفتند قرار است به شما حمله شود اما ما می‌دانستیم که این اتفاق نمی‌افتد. این حربه‌ای بود تا ما پای میز مذاکره برگردیم.»

وی حتی مدعی شد، «زمانی سایه جنگ برطرف شد که پهباد آمریکایی سرنگون شده» حاجی‌زاده در ادامه‌ی ادعاهای خود گفت، «اطمینان داشتیم اگر اولین خطا از آنها سربرزد مقررها و پایگاه‌هایشان در پیرامون خود را مورد

● حاجی‌زاده: هنوز باور نکردند که اروپایی‌ها هم بخشی از نقشه شیطانی آمریکایی هستند. ● «سرویس‌های اطلاعاتی دوست به ما می‌گفتند قرار است به شما حمله شود اما ما می‌دانستیم که این اتفاق نمی‌افتد.»

فرمانده نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در یک سخنرانی گفته «زمانی که آقا گفت ما به دشمن سبلی می‌زنیم چهار ساعت بعد نیروهای موشکی مقرهای داعش را از بین می‌برند. زمانی که ایشان می‌گویند اقدام انگلیس بی‌جواب نمی‌ماند تنها ۴۸ ساعت بعد کشتی انگلیس توقیف می‌شود!»

به گزارش خبرگزاری فارس، امیرعلی حاجی‌زاده روز پنجشنبه هفتم شهریور در یک سخنرانی گفته، «اینها نسخه‌هایی است که رهبر انقلاب صادر کردند و دقیق اجرا شد. همین نسخه‌ها در رابطه با سایر بخش‌ها هم صادر شده است.»

او عنوان کرد، «اینها موافقان داخلی مذاکره‌ها هنوز باور نکردند که اروپایی‌ها هم بخشی از نقشه شیطانی آمریکایی هستند و بنا دارند تا ما را از خارج ساختار برجام بترسانند و سایه جنگ

## آتش شعار «اصلاح‌طلب، اصولگرا دیگه تمومه ماجرا» به جان نظام؛ عباس آخوندی: این شعار بی‌بته است!



از نقاط سیاه پرونده آخوندی برخورد تند و توهین آمیز او با خبرنگاران است

آخوندی که نتوانسته وجود ایرادات اساسی در کشور را تکذیب کند گفته است: «اینکه سرمایه‌اجتماعی فروکاسته یا جامعه دچار زوال اخلاقی شده، تردیدی ندارم. اینکه عده‌ای حس می‌کنند اگر الان از فرصتی استفاده نکنند بعدا ممکن است هیچوقت این فرصت دست ندهد و نوعی حرص و ولع در میان برخی دیده می‌شود، تردیدی وجود ندارد؛ اما قبول ندارم که «دیگه تمومه ماجرا!» معتقدم اگر اراده‌ای برای اصلاح‌های بنیادین وجود داشته باشد، هنوز می‌توان ثروت انقلاب را که همان سرمایه‌اجتماعی نظام است، حفظ کرد.»

او نسخه‌های هم برای راهی نظام متبوع‌اش از ریزش پایگاه اجتماعی پیچیده و نوشته است: «باید توجه داشت که تورم خانمانسوزترین اتفاق است. تورم به شدت به زیان طبقه کم درآمد و متوسط و به نفع طبقه پردرآمد است و همچون یک جاروبرقی پول را در جامعه به نفع طبقات بالا می‌مکد. بنابراین شاید بتوان گفت یکی از عوامل مهم در فروریختن سرمایه‌اجتماعی همین تورم است. اما آنچه امروز در مورد تورم ایران نباید نادیده گرفته شود، این است که نحوه طرح موضوع تورم در ایران بیشتر یک بازی سیاسی است. اگر بخواهند تورم را کنترل کنند باید به ریشه‌ها بپردازند. وقتی سراغ ریشه‌ها می‌روند باید دینفعان را شناسایی کنند؛ گروه‌ها و کسانی که در عدم پرداخت دیون به بانک‌ها ذی‌نفع هستند، گروه‌ها یا افرادی که در افزایش بدهی دولت به بانک مرکزی دینفعاند و... اما آنقدر مسئله را ساده‌سازی می‌کنند که هیچ مسئله‌ای

آخوندی که نتوانسته وجود ایرادات اساسی در کشور را تکذیب کند گفته است: «اینکه سرمایه‌اجتماعی فروکاسته یا جامعه دچار زوال اخلاقی شده، تردیدی ندارم. اینکه عده‌ای حس می‌کنند اگر الان از فرصتی استفاده نکنند بعدا ممکن است هیچوقت این فرصت دست ندهد و نوعی حرص و ولع در میان برخی دیده می‌شود، تردیدی وجود ندارد؛ اما قبول ندارم که «دیگه تمومه ماجرا!» معتقدم اگر اراده‌ای برای اصلاح‌های بنیادین وجود داشته باشد، هنوز می‌توان ثروت انقلاب را که همان سرمایه‌اجتماعی نظام است، حفظ کرد.»

او نسخه‌های هم برای راهی نظام متبوع‌اش از ریزش پایگاه اجتماعی پیچیده و نوشته است: «باید توجه داشت که تورم خانمانسوزترین اتفاق است. تورم به شدت به زیان طبقه کم درآمد و متوسط و به نفع طبقه پردرآمد است و همچون یک جاروبرقی پول را در جامعه به نفع طبقات بالا می‌مکد. بنابراین شاید بتوان گفت یکی از عوامل مهم در فروریختن سرمایه‌اجتماعی همین تورم است. اما آنچه امروز در مورد تورم ایران نباید نادیده گرفته شود، این است که نحوه طرح موضوع تورم در ایران بیشتر یک بازی سیاسی است. اگر بخواهند تورم را کنترل کنند باید به ریشه‌ها بپردازند. وقتی سراغ ریشه‌ها می‌روند باید دینفعان را شناسایی کنند؛ گروه‌ها و کسانی که در عدم پرداخت دیون به بانک‌ها ذی‌نفع هستند، گروه‌ها یا افرادی که در افزایش بدهی دولت به بانک مرکزی دینفعاند و... اما آنقدر مسئله را ساده‌سازی می‌کنند که هیچ مسئله‌ای

آخوندی که نتوانسته وجود ایرادات اساسی در کشور را تکذیب کند گفته است: «اینکه سرمایه‌اجتماعی فروکاسته یا جامعه دچار زوال اخلاقی شده، تردیدی ندارم. اینکه عده‌ای حس می‌کنند اگر الان از فرصتی استفاده نکنند بعدا ممکن است هیچوقت این فرصت دست ندهد و نوعی حرص و ولع در میان برخی دیده می‌شود، تردیدی وجود ندارد؛ اما قبول ندارم که «دیگه تمومه ماجرا!» معتقدم اگر اراده‌ای برای اصلاح‌های بنیادین وجود داشته باشد، هنوز می‌توان ثروت انقلاب را که همان سرمایه‌اجتماعی نظام است، حفظ کرد.»

● عباس آخوندی که از پس از انقلاب تا کنون پست‌های مهم اجرایی در دولت‌های مختلف داشته خودش را روشنفکری می‌داند که وارد کارهای اجرایی شده است!

● او با وجود انتقادات تندی که گاهی مطرح می‌کند و در طول پنج سال وزارت در دولت روحانی، ۴ بار استعفا داده اما از سربازان وفادار جمهوری اسلامی است و شعارهای مخالفان نظام را «بی‌ریشه» و «بی‌بته» می‌خواند.

● عباس آخوندی بدون آنکه حاضر باشد ذره‌ای جا برای جریان دیگری باز شود، در یک اعتراف ضمنی به تلاش‌هایی برای ساختن چنین جریانی درون نظام، مدعی شده که یکی از همین دو جناح اصلاح‌طلب یا اصولگرا «سرمایه ملی ایران» هستند؛ من اساسا با جریان سوم موافق نیستیم! اگر منظور این است که جریانی بتواند ایران را موقعیت‌یابی و منفعت ملی را در این مقطع زمانی تعریف کند، این اتفاق در صورت اصلاح و بازخوانی با وجود همین دو جناح موجود نیز قابل رخ دادن است و نیازی به جریان سوم نیست!

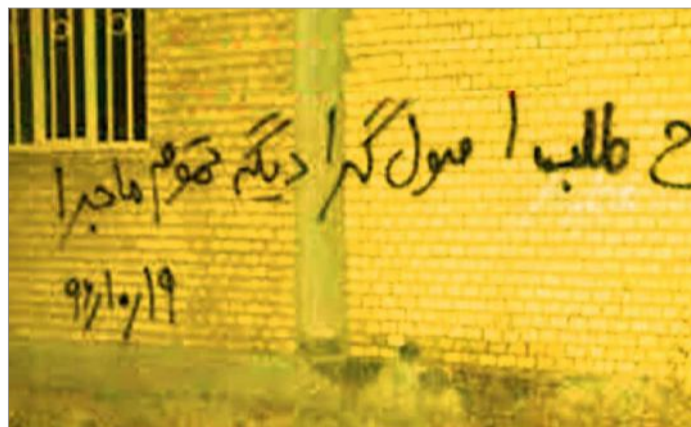
«اصلاح‌طلب، اصولگرا، دیگه تمومه ماجرا» شعاری بود که در اعتراضات سراسری دی‌ماه ۹۶ مطرح و به سرعت فراگیر شد و از آن پس چه در تظاهرات و اعتراضات پس از آن و چه توسط کاربران شبکه‌های اجتماعی که مخالف جمهوری اسلامی هستند، بطور مداوم به کار برده شده است.

این شعار کلیدی که نشان‌دهنده‌ی خواست تغییر بنیادی ساختار حکومت در ایران است و گویای این واقعیت است که اصلاح‌طلبان و اصولگرایان، با هم و در یک اعتقاد و آرمان مشترک، در قطار نظام سوار هستند، اصلاح‌طلبان را به شدت خشمگین کرده و واکنش آنها را بسیار بیش از اصولگرایان در بر داشته است.

عباس آخوندی، وزیر مستعفی راه و شهرسازی دولت حسن روحانی روز یکشنبه سوم شهریورماه در گفتگو با روزنامه اصلاح‌طلب «اعتقاد» با اصرار بر اینکه اصلاحات در جمهوری اسلامی هنوز کارکرد دارد، به این شعار تاخته است.

عباس آخوندی گفته که معتقدم شعار «اصلاح‌طلب، اصولگرا دیگه تمومه ماجرا» شعار و حرف بی‌ریشه‌ای است. عباس آخوندی که در این گفتگو خود را روشنفکری دانسته که وارد کارهای اجرایی شده، ضمن بیان انتقاداتی به عملکرد دولت گفته است که در طی پنج سالی که در دولت روحانی مشغول به کار بوده ۴ بار استعفا داده است! وی با وجود اعتراف به چنین موقعیتی که خودش در آن ۴ بار استعفا داده، همچنان به نظام دلبسته است و عقیده‌ی مخالفان نظام را «بی‌ریشه» و «بی‌بته» می‌خواند! او گفته «بر استعفا اصرار داشتیم. نه به دلایلی همچون کمبود بودجه و... که برخی دیگر از وزرا از آن گلابه داشتند، بلکه معتقد بودم من با این دولت سازگار نیستم!» وی در بخش دیگری از مصاحبه‌اش با اشاره به مهمترین حوزه وزارت راه و شهرسازی یعنی بحران مسکن افزود که «در ایران برخی قصد دارند فقط هو کنند و نمی‌خواهند چیزی را بسنوند و بفهمند یا بحث کنند.»

این وزیر «روشنفکر» که پس از استعفایش در یکی دو مصاحبه با روزنامه‌های حکومتی و همچنین در یادداشت‌هایی در کانال تلگرامی‌اش بارها با زبان تند از نظام انتقاد کرده و ژست ملی‌گرای گرفته، در مصاحبه با روزنامه اعتماد به روشنی نشان می‌دهد که مانند مشایهانش از سربازان وفادار جمهوری اسلامی است.



ریشه‌های حل نمی‌شود. عباس آخوندی با وجود اینکه خود را «روشنفکر» تصور می‌کند از ابتدای انقلاب تا کنون پست‌های اجرایی کلیدی داشته و در دولت میرحسین موسوی، اکبر هاشمی رفسنجانی و حسن روحانی در کابینه حضور داشته و بطور منطقی در به وجود آمدن شرایط فعلی نیز نقش داشته است. با اینهمه در ادامه گفتگوی خود با روزنامه اعتماد به دفاع از اصلاحات پرداخته و گفته است: «معتقدم آنچه در جامعه باقی می‌ماند، اصالت‌هاست. اگر جریانی اصالت داشته باشد از همه این فراز و نشیب‌ها عبور می‌کند. اگر اصلاحات اصالت داشته باشد به این معنا که دارای نظریه روشن و به این مردم حس تعلق داشته باشد و توسعه و آبادانی ایران را بخواهد از تمام این حواشی عبور می‌کند اما اگر جریانی فقط برای کسب قدرت تلاش کند، حتما «دیگه تمومه ماجرا». اما من فکر نمی‌کنم اینگونه باشد؛ هم در جریان اصلاح‌طلب و هم در جریان اصولگرا کسانی هستند که ریشه در این آب و خاک دارند و از این جار و جنجال‌ها عبور کرده و باقی می‌مانند. معتقدم شعار «اصلاح‌طلب، اصولگرا دیگه تمومه ماجرا» شعار و حرف بی‌ریشه‌ای است.»

ریشه‌های حل نمی‌شود. عباس آخوندی با وجود اینکه خود را «روشنفکر» تصور می‌کند از ابتدای انقلاب تا کنون پست‌های اجرایی کلیدی داشته و در دولت میرحسین موسوی، اکبر هاشمی رفسنجانی و حسن روحانی در کابینه حضور داشته و بطور منطقی در به وجود آمدن شرایط فعلی نیز نقش داشته است. با اینهمه در ادامه گفتگوی خود با روزنامه اعتماد به دفاع از اصلاحات پرداخته و گفته است: «معتقدم آنچه در جامعه باقی می‌ماند، اصالت‌هاست. اگر جریانی اصالت داشته باشد از همه این فراز و نشیب‌ها عبور می‌کند. اگر اصلاحات اصالت داشته باشد به این معنا که دارای نظریه روشن و به این مردم حس تعلق داشته باشد و توسعه و آبادانی ایران را بخواهد از تمام این حواشی عبور می‌کند اما اگر جریانی فقط برای کسب قدرت تلاش کند، حتما «دیگه تمومه ماجرا». اما من فکر نمی‌کنم اینگونه باشد؛ هم در جریان اصلاح‌طلب و هم در جریان اصولگرا کسانی هستند که ریشه در این آب و خاک دارند و از این جار و جنجال‌ها عبور کرده و باقی می‌مانند. معتقدم شعار «اصلاح‌طلب، اصولگرا دیگه تمومه ماجرا» شعار و حرف بی‌ریشه‌ای است.»

ریشه‌های حل نمی‌شود. عباس آخوندی با وجود اینکه خود را «روشنفکر» تصور می‌کند از ابتدای انقلاب تا کنون پست‌های اجرایی کلیدی داشته و در دولت میرحسین موسوی، اکبر هاشمی رفسنجانی و حسن روحانی در کابینه حضور داشته و بطور منطقی در به وجود آمدن شرایط فعلی نیز نقش داشته است. با اینهمه در ادامه گفتگوی خود با روزنامه اعتماد به دفاع از اصلاحات پرداخته و گفته است: «معتقدم آنچه در جامعه باقی می‌ماند، اصالت‌هاست. اگر جریانی اصالت داشته باشد از همه این فراز و نشیب‌ها عبور می‌کند. اگر اصلاحات اصالت داشته باشد به این معنا که دارای نظریه روشن و به این مردم حس تعلق داشته باشد و توسعه و آبادانی ایران را بخواهد از تمام این حواشی عبور می‌کند اما اگر جریانی فقط برای کسب قدرت تلاش کند، حتما «دیگه تمومه ماجرا». اما من فکر نمی‌کنم اینگونه باشد؛ هم در جریان اصلاح‌طلب و هم در جریان اصولگرا کسانی هستند که ریشه در این آب و خاک دارند و از این جار و جنجال‌ها عبور کرده و باقی می‌مانند. معتقدم شعار «اصلاح‌طلب، اصولگرا دیگه تمومه ماجرا» شعار و حرف بی‌ریشه‌ای است.»

## تأیید حساب‌های جنجالی قوه قضاییه هنگام ریاست شیخ صادق آملی لاریجانی



● یک مقام سابق قضایی: ۶۰ و خُرده‌ای حساب تک‌امضایی در قوه قضائیه وجود داشت که حالا به ۵ حساب و سه امضا محدود شده است.

● گفته می‌شود سودی که از سوی بانک‌ها به این حساب‌ها تعلق یافته مبلغی معادل سالانه ۲۵۰ میلیارد تومان بوده است.

پس از سه سال تأیید و انکار درباره حساب‌های جنجالی قوه قضاییه و واریز پول‌های قوه قضائیه در حساب‌های شخصی صادق آملی لاریجانی، اکنون یک مقام این نهاد جزئیات تازه‌ای را در این باره مطرح کرده است. در شرایطی که این روزها افشاگری‌ها و حملات درباره صادق آملی لاریجانی از سوی مقامات درون نظام بالا گرفته، مرتضی بختیاری رئیس کنونی «کمیته امداد» و از مسئولان قضائی سابق در برنامه «دست‌خط» شبکه پنج مسائلی را درباره قضیه‌ی ۶۳ حساب قوه قضائیه در دوران آملی‌لاریجانی مطرح کرده است.

مرتضی بختیاری گفته است که ۶۰ و خُرده‌ای حساب تک‌امضایی در قوه قضائیه وجود داشت که حالا به ۵ حساب و سه امضا محدود شده است. ماجرای واریز پول‌های قوه قضاییه به ده‌ها حساب شخصی صادق آملی لاریجانی رئیس وقت این نهاد، سال ۹۵ مطرح شد. در گزارش‌های غیررسمی اعلام شده بود «جوجه متعلق به قوه قضائیه به ۶۳ حساب شخصی صادق آملی‌لاریجانی واریز می‌شود و سودی که از سوی بانک‌ها به این حساب‌ها تعلق یافته مبلغی معادل سالانه ۲۵۰ میلیارد تومان است که رقمی در حدود ۲۰ میلیارد تومان ماهانه، به وی پرداخت شده است.»

عباس آخوندی نویسنده اساسنامه سازمان «جهاد کشاورزی» است و تا سال ۱۳۶۱ رئیس این سازمان بود، از سال ۱۳۶۱ تا ۱۳۶۶ معاون سیاسی وزارت کشور، از ۱۳۶۶ تا ۱۳۷۲ رئیس «بنیاد مسکن انقلاب اسلامی»، در دولت هاشمی رفسنجانی وزیر راه و شهرسازی، از ۱۳۷۶ تا ۱۳۷۷ قائم‌مقام مدیرعامل سازمان صداوسیما، در انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۸۸ مشاور و از رؤسای ستاد میرحسین موسوی بود و در دولت روحانی نیز به وزارت راه و شهرسازی راه یافت.

مال حرام ارتزاق می‌کند می‌تواند به عدالت حکم بدهد؟ چرا به موازین شرعی توجه نمی‌شود؟»

محمدجواد منتظری دادستان کل جمهوری اسلامی نیز پس از سخنان صادقی موضوع واریز پول‌های قوه قضاییه به حساب شخصی رییس قوه قضائیه، آن را «یک مساله درون خانوادگی» نامید و گفت: «مسائل خانوادگی را نباید علنی بگوییم و نباید ببریم در شبکه‌های اجتماعی و آب در آسیاب دشمن بریزیم. امروز دشمن در پشت سنگ‌های خود نشسته و لوله تانک، موشک و سلاح‌هایش را متوجه قلب قوه قضاییه کرده است.»

جالب اینجاست که صادق آملی لاریجانی نیز مدعی شد که نگهداری پول‌های قوه قضائیه در حساب‌های شخصی رئیس این قوه با مجوز رهبر جمهوری اسلامی صورت گرفته و از سال ۱۳۷۴ وجود داشته است، اما پس از آنکه ابراهیم رئیسی بجای صادق آملی لاریجانی بر کرسی ریاست قوه قضائیه نشست، اعلام کرد حساب‌های قوه قضائیه کاهش خواهد یافت. سیدابراهیم رئیسی تیرماه سال جاری در شبکه اول صداوسیما جمهوری اسلامی گفت حساب‌های قوه قضائیه به پنج حساب بانکی کاهش یافته است. وی همچنین مدعی شد که هر سال درباره حساب‌های قوه قضائیه گزارش خواهد داد. اکنون مرتضی بختیاری رئیس کنونی کمیته امداد و از مسئولان قضایی سابق وجود بیش از ۶۰ حساب تک‌امضایی با حق امضای صادق آملی لاریجانی در قوه قضائیه را تأیید کرده و گفته است که «حالا پنج حساب با سه امضا وجود دارد، در حالی که قبلا حساب‌ها تک‌امضایی بود. دقیقش را نمی‌دانم، ولی فکر می‌کنم، تک‌امضایی بود!»

اسلامی ایران مجموعه مبالغی با رعایت حدود قانونی و موازین شرعی برای قوه قضائیه به صورت سپرده در سیستم بانکی کشور قرار گرفته است. سود حاصله از مبالغ مذکور، صرفا برای برخی هزینه‌های معین در قوه قضائیه صرف شده است.»

محمود صادقی نماینده تهران در مجلس شورای اسلامی نیز در این و آذر ۱۳۹۵ دو بار موضوع حساب‌های قوه قضائیه را در صحن علنی مجلس شورای اسلامی مطرح و خواستار شفاف‌سازی در این باره شده بود. او همچنین از صادق آملی لاریجانی خواسته بود «گزارشی از عملکرد حساب‌هایش از طی پنج سال گذشته اعلام کند.» محمود صادقی گفته بود «بخش قابل توجهی از این وجوه واریزی متعلق به اشخاص حقیقی و اصحاب دعوا در محاکم حقوقی و کیفری و بعضا متهمان در دادسراها است که بابت قراردادهای وثیقه و تودیع احتمالی در صندوق دادگستری واریز می‌شوند.» محمود صادقی دوباره در تابستان سال گذشته و در حالی که مسعود کرباسیان وزیر امور اقتصادی و دارایی بود، این موضوع را مطرح کرد. او در توثیقی نوشت: «سوال اینجانب از وزیر اقتصاد درباره حساب‌های قوه قضائیه که پس از چندبار تعویق در دستور جلسه امروز قرار داشت برخلاف نص صریح قانون آیین نامه داخلی مجلس از دستور خارج شد.»

محمود صادقی در صحن علنی مجلس شورای اسلامی گفته بود: «به یاد دارم در مقطعی از زمان پرداخت سود به حساب‌های شخصی افراد حرام دانسته می‌شد اما حالا قوه قضائیه از اموال مردم سود می‌گیرد و این سود را صرف پرداخت حقوق به قضات دادگستری می‌کند. آیا قاضی که با

## پگاه آهنگرانی ممنوع‌الخروج شد؛ پرونده‌های قضایی سلبریتی‌ها به جریان افتاده؟!



خوش و بش پگاه آهنگرانی و عباس کدخدایی سخنگوی شورای نگهبان

● آهنگرانی جزو ۷۰ مستندساز معترض در سال ۹۶ به بازداشت و کتک‌زدن دختران مخالف حجاب اجباری بود که به سران سه‌قوه نامه نوشتند. آهنگرانی خردادماه امسال نیز با عباسعلی کدخدایی سخنگوی شورای نگهبان دیدار کرد که پوشش وی با حجاب اسلامی و چهره‌بشاش و خندانش با انتقادهایی روبرو شد.

● آهنگرانی پس از جریانات ۸۸ به مدت سه سال ممنوع‌الخروج بود.

پگاه آهنگرانی بازیگر سینما می‌گوید به دلیل حکم قضایی ۱۸ ماه حبس تعزیری مربوط به اعتراضات انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۸۸ ممنوع‌الخروج شده است. این اتفاق می‌تواند به معنای به جریان افتادن دوباره پرونده‌های قضایی سلبریتی‌های اصلاح‌طلب پس از تغییرات اخیر در قوه قضاییه باشد.

پگاه آهنگرانی بازیگر سینما و تئاتر به خبرگزاری ایسنا گفته که از سوی دستگاه قضایی کشور ممنوع‌الخروج شده است. وی که قرار بود به عنوان داور جشنواره فیلم «باتومی» به گرجستان سفر کند، در جریان ممنوعیت خروج خود از ایران قرار گرفته است. این بازیگر علت ممنوعیت خروج

معترض در سال ۹۶ به بازداشت و کتک‌زدن دختران مخالف حجاب اجباری بود که به سران سه‌قوه نامه نوشتند. آهنگرانی خردادماه امسال نیز با عباسعلی کدخدایی سخنگوی شورای نگهبان دیدار کرد که پوشش وی با حجاب اسلامی و چهره‌بشاش و خندانش با انتقادهایی روبرو شد.

کدخدایی سخنگوی شورای نگهبان دلیل حضور پگاه آهنگرانی در شورای نگهبان را تهیه مستندی به همراه سهیل کریمی مستندساز اصولگرا اعلام کرد و حتی گفت که به این بازیگر پیشنهاد داده تا ناظر بر انتخابات باشد!

آهنگرانی در بیانیه‌ای پیشنهاد سخنگوی شورای نگهبان را ناشی از «حسن نیت» دانست و آن را رد کرد و گفت که «بهتر است هر یک به کاری که بیشتر بلدیم، بپردازیم.»

خود را پرونده‌ای دانسته که بعد از حادثه ۸۸ در قوه قضاییه داشته که به موجب آن به ۱۸ ماه حبس تعزیری محکوم شده. به نظر می‌رسد با تغییرات اخیر در قوه قضاییه اکنون این حکم در مرحله اجرا قرار گرفته است. همچنین این اتفاق می‌تواند به معنای به جریان افتادن پرونده‌های قضایی سلبریتی‌های حامی اصلاحات پس از تغییرات اخیر در قوه قضاییه باشد.

آهنگرانی در سال ۱۳۹۲ در دادگاه انقلاب اسلامی با حکمی از قاضی مقیسه به یک سال و نیم حبس تعزیری محکوم شد. وی پس از جریانات اعتراض ۸۸ به مدت سه سال ممنوع‌الخروج بود و امکان شرکت در سفر کند، در جریان ممنوعیت خروج خود از ایران قرار گرفته است.

وی همچنین جزو ۷۰ مستندساز ممنوع‌الخروج بود و کتک‌زدن دختران مخالف حجاب اجباری بود که به سران سه‌قوه نامه نوشتند. آهنگرانی خردادماه امسال نیز با عباسعلی کدخدایی سخنگوی شورای نگهبان دیدار کرد که پوشش وی با حجاب اسلامی و چهره‌بشاش و خندانش با انتقادهایی روبرو شد.

## مجسمه‌دزدی به سردیس خودی نظام رسید! معاون زیباسازی تهران: این دزدی‌ها تمام شدنی نیست!



● اغلب این مجسمه‌هایی که در سال‌های اخیر به سرقت رفته‌اند آثاری شاخص از هنرمندان مطرح بوده‌اند با اینهمه سارقان به مجسمه گوساله دانشکده دامپزشکی دانشگاه تهران هم رحم نکرده‌اند!

● احتمالاً برخی از این سرقت‌ها به خاطر استفاده و فروش مصالح این مجسمه‌ها باشد. با گذشت نزدیک به یک دهه از سرقت سریالی مجسمه‌های پایتخت، حالا مجسمه قیصر امین‌پور شاعر مورد ستایش نظام از سرو شرقی سعادت‌آباد تهران به سرقت رفته است. پیشتر گم شدن مجسمه «ملک المتکلمین» پس از ۲۵ سال رسانه‌ای شده بود!

در حالی که نزدیک به یک دهه از سرقت سریالی مجسمه‌های شهر تهران می‌گذرد و حتی یک مجرم در این رابطه شناسایی و دستگیر نشده، حالا دزدی‌ها به حیطة مجسمه‌های شخصیت‌های فرهنگی ستایش شده از سوی نظام رسیده است. منابع خبری داخلی نوشتند، سردیس قیصر امین‌پور شاعر مورد تأیید و ستایش حکومت از میدان سرو شرقی در منطقه سعادت‌آباد تهران به سرقت رفته است.

پس از درگذشت این شاعر، میدان سرو شرقی سعادت‌آباد به نام قیصر امین‌پور تغییر نام داده و این سردیس هم در این میدان نصب شد ولی پس از تبدیل به چهارراه شدن این میدان، نام قیصر امین‌پور را هم از آن برداشتند. مجتبی موسوی معاون فرهنگی و هنری شهرداری سازمان زیباسازی شهر تهران درباره ناپدید شدن مجسمه قیصر امین‌پور توضیح داد: «روز گذشته ۳ شهروند همکاران ما در شهرداری منطقه ۲ از سرقت سردیس برنزی قیصر امین‌پور خبر دادند که اقدامات اداری را در این زمینه انجام داده‌اند و ما هم در بازدید از محل، مشاهده کردیم که این نیم تنه برنزی از پایه کنده و به سرقت رفته است.»

مجمعه‌های سرقت‌شده از اردیبهشت‌ماه سال ۸۹ که شروع روند سرقت‌ها بود، تا کنون به ۱۲ مورد رسیده است. با این حال، شمار واقعی این سرقت‌ها بطور کامل روشن نیست، چنانکه چندی پیش احمد مسجدجامعی عضو شورای شهر تهران، از گم شدن مجسمه «ملک المتکلمین» در پارک شهر تهران خبر داد که مربوط به ۲۵ سال پیش بوده و نه اعلام رسمی و نه پیگیری شده بود!

اغلب این مجسمه‌هایی که در سال‌های اخیر به سرقت رفته‌اند آثاری شاخص از هنرمندان مطرح بوده‌اند که شامل مجسمه‌های ستارخان، باقرخان، ابن‌سینا، پارک «استقلال»، مادر و فرزند، شهریار، شریعتی، صنایع خاتم، زندگی و خانه هنرمندان می‌شود. جالب اینکه سارقان به مجسمه گوساله دانشکده دامپزشکی دانشگاه تهران هم رحم نکرده‌اند! به نظر می‌رسد بخشی از این دزدی‌ها به خاطر استفاده و فروش مصالح این مجسمه‌ها باشد.

موسوی معاون فرهنگی و هنری شهرداری سازمان زیباسازی شهر تهران درباره ناپدید شدن مجسمه قیصر امین‌پور توضیح داد: «روز گذشته ۳ شهروند همکاران ما در شهرداری منطقه ۲ از سرقت سردیس برنزی قیصر امین‌پور خبر دادند که اقدامات اداری را در این زمینه انجام داده‌اند و ما هم در بازدید از محل، مشاهده کردیم که این نیم تنه برنزی از پایه کنده و به سرقت رفته است.»

موسوی سرقت مجسمه‌های شهری را نوعی «دله‌زدی» و به منظور «کسب سودجویی‌های ناچیز» دانست و گفت: «متأسفانه در فضای عمومی جامعه این اتفاقات رایج است و دزدی‌ها هیچوقت تمام‌شدنی نیستند و همانطور که ماشین مردم دزدیده می‌شود، مجسمه‌ها و دیگر المان‌های مبلغان شهری هم که از جنس‌های آهن و برنز و... است، همچنان به سرقت خواهد رفت.» گزارش‌ها حاکیست تعداد

## احضار فرزانه کابلی به دادسرا و گرفتن «امضا»!



● «تا همینجا هم بدانید خیلی از حرکات را با وجود زیبایی‌شان، به خاطر شائبه‌های احتمالی حذف و در واقع خودسانسوری کردم.»

● «درواقع تذکر دادند اما مسئله این است که من اجازه معتبر داشته‌ام. فکر می‌کنید من متوجه نمی‌شوم و در این شرایط کشورم روی صحنه رقصیده‌ام؟ نمی‌دانم چطور جواب بدهم.»

سالار عقیلی هم «حرکات موزون» کابلی در کنسرتش را تکذیب کرد و نوشت: «اگرچه خانم کابلی در جمع میهمانان سالن حضور داشتند، اما همه‌ی چنددهه‌ها نقری که در سالن بودند، شهادت خواهند داد که کنسرت از چهارچوب قانون خارج نشده و شایعه حرکات موزون خانم فرزانه کابلی در کنسرت سالار عقیلی کذب محض است.»

فرزانه کابلی هنرمند و استاد رقص درباره حضورش در این کنسرت گفته که «معتبرترین نهادهای نظارتی یعنی مرکز هنرهای نمایشی و شورای نظارت بر نمایش وزارت ارشاد این کار را دو بار بازبینی و هر دو بار هم اجرا را قبول کرده‌اند و به آن مجوز داده‌اند.» این بازیگر تئاتر درباره جزئیات ایرادهایی که در دادسرا به اجرای «گروه حرکت» گرفته شده، گفته است: «مثلاً به چرخش اشاره می‌کردند، در حالی که شما وقتی می‌خواهید روی صحنه حرکت کنید، می‌توانید از چرخش استفاده کنید و این کاری است که در اغلب اجراها مرسوم است. می‌گویند چرا انگشت هنرمندان در این کار حرکت می‌کند، در حالی که همه می‌دانیم این تئاتر است و در تئاتر بدن حرکت دارد. تا همینجا هم بدانید خیلی از حرکات را با وجود زیبایی‌شان، به خاطر شائبه‌های احتمالی حذف و در واقع خودسانسوری کردم.»

پس از انتشار ویدیوی از اجرای رقصی منتسب به فرزانه کابلی در کنسرت سالار عقیلی، این استاد رقصنده به دادسرا احضار شده و «امضا» داده است! به گفته کابلی، «چرخش» و حرکت انگشت هنرمندان مورد پرسش قرار گرفته بود!

در پی انتشار ویدیویی از اجرای رقص «گروه حرکت» در کنسرت سالار عقیلی، فرزانه کابلی طراح و کارگردان این گروه، روز دوشنبه ۴ شهریور به صفحه اینستاگرامش از احضارش به دادسرا و «رفع سوء تفاهم» خبر داد. کابلی همچنین اعلام کرد که گروهش در کنسرت آتی سالار عقیلی دیگر حضور نخواهد داشت. این رقصنده قدیمی که سال‌ها ممنوع‌الکار بوده، به روزنامه شهروند گفته که در دادسرا «امضا» داده است.

انتشار ویدیوی از اجرای گروه «حرکت» در کنسرت پنجم شهریورماه سالار عقیلی در برج میلاد، ابتدا تحت عنوان اجرای فرزانه کابلی در فضای مجازی منتشر شد که با تکذیب سالار عقیلی و کابلی مواجه شد. این اجرا واکنش منفی روزنامه کیهان تهران و حزب‌اللهی‌ها را در فضای مجازی و در نهایت احضار کابلی را در پی داشت. کابلی گفته بود که به عنوان تماشاچی در سالن حضور داشته و اجرای «گروه حرکت» در آن کنسرت با مجوز وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بوده است.

## بزرگداشت فرهاد با اعتراض همسرش، اسفندیار منفردزاده و شهیار قنبری لغو شد



● شهیار قنبری ترانه‌سرا در استوری اینستاگرامش، ماجرای جلوگیری از برگزاری این مراسم را «در مسیر کوتاه کردن دست ترانه دزدان» معرفی کرده است. حسین عصاران: کلیت جامعه هنری ما مقوله‌ی احترام‌گذاری به حقوق هنرمندان و پدیدآورندگان آثار و کسب اجازه و تأمین نظر آنها را کمتر تمرین کرده است. اما به گمان ما در این زمینه هرچند که بسیار دیر، اما بالاخره باید از جایی شروع کرد.

مراسم بزرگداشت فرهاد مهرداد که در موسیقی مدرن ایران با نام «فرهاد» معروف شد، با پیگیری وکلای همسر وی، اسفندیار منفردزاده و شهیار قنبری در «گالری محسن» لغو شد.

قرار بود روز هشتم شهریورماه هفدهمین سالگرد درگذشت فرهاد توسط مجله فرهنگی «اورسی» و «پلاتفرم داربست» در «گالری محسن» برگزار شود و هنرمندانی نیز چند قطعه از آثار وی را بازخوانی کنند. اما وکیل پوران گلفام همسر فرهاد مهرداد، به این برنامه واکنش نشان داد و با اجرای قطعات متعلق به فرهاد مهرداد مخالفت کرد. در ادامه وکلای شهیار قنبری ترانه‌سرا و اسفندیار منفردزاده آهنگساز نیز مخالفت موکلین خود با اجرای قطعات فرهاد را اعلام کردند.

به گفته سامان کرمپور که از اعضای مجله فرهنگی «اورسی» است، «با توجه به اینکه اجازه‌ی اجرای آثار پس از انقلاب فرهاد از طرف خانواده‌اش داده نشد و شهیار قنبری و اسفندیار منفردزاده هم با اجرای آثار پیش از انقلاب موافقت نکردند با همفکری

اسفندیار منفردزاده و شهیار قنبری لغو شد

اسفندیار منفردزاده و شهیار قنبری لغو شد

اسفندیار منفردزاده و شهیار قنبری لغو شد

اسفندیار منفردزاده و شهیار قنبری لغو شد

## پهپادهای حوثی و سیاست‌های جمهوری اسلامی



حوثی‌ها؛ برای این شبه‌نظامیان نیز از دست دادن هزاران تن از اعضایشان اهمیت و ارزشی ندارد

نفتکش بیش از ۶ هفته در جبل الطارق متوقف شد تا اینکه در نهایت حکومت جبل الطارق پس از روبرو شدن تانکر نفتی بریتانیا در دریای عمان توسط سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مجبور شد «گریس ۱» را آزاد کند.

این کشتی پس از رفع توقیف، اغلب خدمه‌اش از ترس قرار گرفتن در لیست تروریستی از سوی آمریکا آن را ترک کردند و پس از گذشت تقریباً دو هفته از آزادی آن هنوز در اقیانوس‌ها سرگردان است و جایی برای لنگر نداشتن ندارد. وقتی داستان این نفتکش کاملاً برملا شد رژیم ایران نام نفتکش را تغییر داد و ناچار پرچم جمهوری اسلامی را بر آن برافراشت اما همه این تلاش‌ها تهران را به هدف اصلی نرساند.

هدف رژیم و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی فروش ۲ میلیون بشکه نفت بود که تحقق نیافت. ایران با حمل و نقل نفت و فروش آن با مشکلات بیشتری روبرو خواهد شد. شرکت‌های بیمه و خدمات دریایی حاضر نیستند با تهران معامله کنند، آخرین آنها شرکت بیمه پاناما بود که پس از جریان توقیف کشتی ایران در جبل الطارق حاضر نشد بیمه کشتی گریس ۱ را به نام خود ثبت کند و پرچم خود را از این کشتی پایین آورد. با همه این تفاسیل، رژیم ایران به این راحتی‌ها تسلیم نمی‌شود، اما از جنگ و تعقیب دائم نیز خسته خواهد شد.

ما شاهد تلاش‌های بیشتر این کشور برای ارباب و آزار و اذیت کشورهای جهان خواهیم بود، همانطور که با بریتانیا برخورد کرد. سیاست رژیم ایران در چهار دهه گذشته بر این اساس بوده که فعالیت‌های نظامی در خارج را به عنوان ستون اصلی سیاست‌های خود گسترش دهد و آن را بر همه فعالیت‌های داخلی مردم ایران و جامعه بین‌المللی ترجیح بدهد. از سوی دیگر ضعف جامعه بین‌الملل در برخورد با زورگویی‌ها و تمرد و قانون‌شکنی رژیم ایران طی چند دهه گذشته باعث تشدید یاغی‌گری، گسترش فعالیت‌های نظامی، تهدید منطقه و جهان، تلاش برای ساخت تسلیحات هسته‌ای، باز کردن خطوط دریایی غیرقانونی، اقدام به عملیات تروریستی و ترویج و ادامه جنگ‌های نیابتی بیشتر و بیشتر این رژیم افراطی شد.

تا این لحظه واشنگتن مصمم است همچنان فشارهای قابل توجهی بر رژیم تهران وارد کند، سیاستی که از نظر حجم و محتوا بی‌نظیر است. اگر سیاست آمریکا به همین منوال ادامه یابد در آن صورت خواهیم دید که رژیم ایران به رهبری آیت‌الله خامنه‌ای رفتار خود را به ناچار تغییر خواهد داد. البته تا آنموقع باید شاهد موشک‌پرانی، هدایت انواع و اقسام پهپادها از سوی حوثی‌ها و دیگر شبه نظامیان وابسته به رژیم جمهوری اسلامی و همچنین کشتی‌ربایی، حمله به نفتکش‌ها و فراتر از آن شاهد درگیری در همه کشورهای منطقه به ویژه کشورهای خلیج فارس، یمن، عراق، سوریه، لبنان و اسرائیل باشیم. \*منبع: شرق الاوسط

\*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

اقتصادی نوشته شد. هر دو منبع بر این واقعیت تاکید کردند که این نوع حملات بر صنعت نفت یا ظرفیت صادرات عربستان سعودی تأثیری نخواهد گذاشت. این به معنای آن است که همه حملات پراکنده پهپادی شبه‌نظامیان تابع ایران چه در عراق یا یمن هیچگونه تأثیری بر قیمت نفت یا بازار نفت نخواهد داشت. بنابراین تأثیر آن بر قابلیت‌های تولیدی و صادراتی نفت سعودی ناکارآمد است. حال اگر با هدف ایجاد فشار سیاسی به طرف‌های سعودی یا آمریکایی برای تغییر سیاست این دو در قبال رژیم ایران اتخاذ شده باشد باز هم نتیجه‌ای نداده است.

پس از حمله پهپادی اخیر با یکی از فرماندهان ارشد ارتش سعودی تماس گرفتیم و از او سؤال کردیم، دلیل تغییر تاکتیک‌های شبه‌نظامیان حوثی و روی آوردن آنها به پهپاد بجای حملات موشکی بالستیک که پیشتر استفاده می‌کردند، چیست؟ او در پاسخ گفت: «به این دلیل که تقریباً اغلب زاغه‌های موشکی و سکوهای موشک‌انداز حوثی‌ها در یمن توسط نیروی هوایی ائتلاف عربی منهدم شده است و حتی موشک‌های بالستیک آنها هم که بیشتر به سوی خاک سعودی پرتاب می‌شد، قبل از رسیدن به هدف یا خود در هوا منفجر می‌شدند یا پس از ردیابی توسط پدافند پاتریوت سرنگون می‌شدند. این فرمانده ارشد گفت، در رابطه با حملات پهپادها نیز حوثی‌ها از پهپاد پیشرفته‌ای که بتواند از جای دور و ارتفاع بلند هدایت شود، برخوردار نیستند آنها از نوعی از پهپادهای کوچک که در ارتفاع پایین پرواز می‌کنند استفاده می‌کنند. این نوع پهپادها با مشکل توسط رادار ردیابی می‌شوند اما حملات آنها تأثیرات زیادی بر روند مسیر جنگ ندارد. این حملات بیشتر جنبه تبلیغاتی دارد تا تأثیر حقیقی نظامی. در واقع مسیر جنگ را تغییر نمی‌دهند.»

منع و محاصره حوثی‌ها در شمال یمن و صنعا به‌خصوص پس از کنترل اغلب بندار و گذرگاه‌های دریایی این کشور توسط نیروهای ارتش ملی یمن و ائتلاف عربی تلفات سنگینی بر حوثی‌ها وارد کرده است اما این شبه‌نظامیان مانند بسیاری از گروه‌های اسلامگرای تروریستی مورد حمایت تهران چون القاعده و داعش هیچ ارزشی برای جان انسان‌ها قائل نیستند به همین دلیل هیچ ابایی برای از دست دادن هزاران تن از اعضای خود ندارند. وضعیت حوثی‌ها در قهقرای محض است و تا کنون تعداد زیادی از فرماندهان این گروه از جمله ابراهیم الحوثی، برادر عبدالملک الحوثی رهبر این گروه تروریستی کشته شده‌اند. دایره محاصر آنها به مرور زمان تنگتر شده و اکنون جنگ به مرزهای استان صعده که دژ محکم آنها تلقی می‌شود، رسیده است.

رژیم ایران تقریباً تمام برگ‌های بازی خود را باخته است در این میان نباید از ماجرای اسفناک نفتکش ایرانی «گریس ۱» (آدریا دریا) که رژیم ایران تلاش داشت ۲ میلیون بشکه نفت را از طریق دور زدن تحریم‌ها بفروشد، غافل شویم. این

● پس از حمله پهپادی اخیر با یکی از فرماندهان ارشد ارتش سعودی تماس گرفتیم و از او سؤال کردیم، دلیل تغییر تاکتیک‌های شبه‌نظامیان حوثی و روی آوردن آنها به پهپاد بجای حملات موشکی بالستیک که پیشتر استفاده می‌کردند، چیست؟ او در پاسخ گفت: «به این دلیل که تقریباً اغلب زاغه‌های موشکی و سکوهای موشک‌انداز حوثی‌ها در یمن توسط

نیروی هوایی ائتلاف عربی منهدم شده است و حتی موشک‌های بالستیک آنها هم که بیشتر به سوی خاک سعودی پرتاب می‌شد، قبل از رسیدن به هدف یا خود در هوا منفجر می‌شدند یا پس از ردیابی توسط پدافند پاتریوت سرنگون می‌شدند.

● این شبه‌نظامیان مانند بسیاری از گروه‌های اسلامگرای تروریستی مورد حمایت تهران چون القاعده و داعش هیچ ارزشی برای جان انسان‌ها قائل نیستند به همین دلیل هیچ ابایی برای از دست دادن هزاران تن از اعضای خود ندارند.

● رژیم ایران تقریباً تمام برگ‌های بازی خود را باخته است در این میان نباید از ماجرای اسفناک نفتکش ایرانی «گریس ۱» غافل شویم که به قصد فروش دو میلیون بشکه نفت به راه افتاد و ناکام ماند.

عبدالرحمن الراشد (شرق الاوسط) - شنبه گذشته، حمله پهپادی دیگری توسط نفتی در شرق عربستان سعودی را هدف قرار داد. آیا همانطور که شبه‌نظامیان حوثی مورد حمایت رژیم جمهوری اسلامی ادعا کردند این پهپادها از یمن هدایت شد یا از جای دیگری؟ مانند هجوم قبلی که مشخص شد از طریق شبه‌نظامیان عراقی وابسته به حکومت ایران انجام گرفت؟ آیا این پهپادها ساخت چین است مانند برخی پهپادهایی که قبلاً پس از سرنگونی شناسایی شدند، یا ساخت ایران است؟ پاسخ به همه این پرسش‌ها با پایان تحقیقات جاری در ائتلاف عربی داده خواهد شد. شاید جنبه‌های سیاسی و نظامی این نوع عملیات پهپادی برای خیلی‌ها مبهم باشد اما در کل این حملات از هر جا که هدایت شوند با هدف ایجاد خلل در بازار جهانی نفت صورت گرفته ولی تا کنون ناموفق بوده و نتیجه‌ای عملی و ملموس نداده است. در دو هفته گذشته دو گزارش یکی در مجله «فوربس» و دیگری از خبرگزاری «بلومبرگ» در باره این حملات و تأثیر آن از ناحیه

## مقامات ارتش و سپاه: «تشکیلات» و «تجهیزات سری» داریم علیه دشمن «در دور دست» و «خارج از مرزهای جغرافیایی»!



محمدحسین دادرسی از سوی خامنه‌ای جانشین فرمانده کل ارتش جمهوری اسلامی شد

هلاکوخان دچار خواهند شد.»

گرچه از نظر تهدیدات سخت نظامی شامل ادوات و تجهیزات و تسلیحات عموماً فرماندهان سپاه و ارتش بزرگنمایی می‌کنند اما تیم‌های ترور و خرابکاری وابسته به جمهوری اسلامی طی چند سال گذشته همواره فعال بوده‌اند. ششم آبان‌ماه ۱۳۹۵، سردار پاسدار سالار آبنوش معاون هماهنگ کننده قرارگاه «خاتم‌الانبیاء» وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی طی سخنانی در مصلاي نهاوند استان همدان با اشاره به اینکه حفاظت از ولایت فقیه برای سپاه پاسداران هیچ مرزی ندارد گفت: «همه دنیا یقین بدانند سپاه پاسداران به زودی در آمریکا و اروپا هم شکل می‌گیرد.»

کمیته یا «واحد ۴۰۰» عنوان تشکیلاتی است که برای ماموریت‌های ویژه در سپاه «قدس» تشکیل شده است. این یگان متشکل از نیروهای حقوق و اولیای مقدس خود هستند، در مقابل دشمن پیروزی عطا خواهد کرد... ملت و رهبران بغداد مصمم هستند تا مغول زمان را بر در و دیوارهای این شهر نیست و نابود کنند. مهاجمان به این کشور، به سرنوشت

مقامات ارتش و سپاه:

## مقامات ارتش و سپاه: «تشکیلات» و «تجهیزات سری» داریم علیه دشمن «در دور دست» و «خارج از مرزهای جغرافیایی»!

منطقه» آنها را به قعر دریا بفرستد! حجت‌الاسلام عباس محمدحسینی رییس سازمان عقیدتی- سیاسی ارتش نیز، اواسط مردادماه امسال در یک سخنرانی گفت، «دشمن به اذن الله و توفیق الهی تا کنون توان ارزیابی اقتدار نظام ما را نداشته و نمی‌داند ما چه تجهیزات و یا عوامل غافلگیرکننده و مهلکی در اختیار داریم!» از قرار معلوم کارگزاران نظام در تلاش جهت خروج از انزوا و نمایش قدرت کاری جز بلوف نمی‌دانند و به خیال‌پردازی مشغول‌اند و حتی با ادعاهای آخرالزمانی عنوان می‌کنند که نظام را قرآن، ائمه و «امام زمان» حفظ خواهند کرد.

علی فدوی جانشین فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز، چهارشنبه ششم شهریور، تهدید کرد «گستره جغرافیایی انقلاب اسلامی از مرزهای جغرافیایی ایران هم گذشته است»

گفتی است که آدولف هیتلر رهبر آلمان نازی و دستگاه‌های تبلیغاتی او نیز مدام از «سلاح‌های سری» سخن می‌گفتند با این تفاوت که در سایه تکنولوژی‌های دهه ۳۰ و ۴۰ میلادی ارتش آلمان به بخشی از آنچه ادعا می‌کرد دست پیدا کرده بود و در میدان جنگ نیز به کار می‌گرفت اما تهدیدات امیران و سرداران جمهوری الامی نسخه‌ی کم‌دی این الگوست که یادآور تهدیداتی است که صدام حسین و محمدالسعيد صحاف در واپسین ماه‌های پیش از سرنگونی مدام تکرار می‌کردند.

مارس ۲۰۰۳ پس از حتمی شدن حمله آمریکا به عراق، صدام در سخنانی مشهور گفت: «خدا به آنهايي که مجبور به جنگیدن برای دفاع از حقوق و اولیای مقدس خود هستند، در مقابل دشمن پیروزی عطا خواهد کرد... ملت و رهبران بغداد مصمم هستند تا مغول زمان را بر در و دیوارهای این شهر نیست و نابود کنند. مهاجمان به این کشور، به سرنوشت

● دادرسی: تجهیزات کارآمد دفاعی ما در حوزه‌های مختلف زمینی، هوایی، دریایی و پدافندی به جهت رعایت ملاحظات امنیتی، آشکار نیست.

● فدوی: گستره جغرافیایی انقلاب اسلامی از مرزهای جغرافیایی ایران هم گذشته!

جانشین فرمانده کل ارتش جمهوری اسلامی ادعا کرده «تشکیلاتی داریم که در دور دست می‌تواند دشمن را از کرده خود پیشیمان کند و تجهیزات دفاعی سری ایران بلای جان دشمن می‌شوند.» به گزارش روابط عمومی نیروی زمینی ارتش، امیر سرتیپ محمدحسین دادرسی، در مراسم اختتامیه هفدهمین دوره رزم مقدماتی مشترک دانشجویان دانشگاه‌های افسری ارتش که، سه‌شنبه پنجم شهریور، برگزار شد، ادعا کرده «بسیاری از تجهیزات کارآمد دفاعی ما در حوزه‌های مختلف زمینی، هوایی، دریایی و پدافندی به جهت رعایت ملاحظات امنیتی، آشکار نیست و هر زمان که لازم شود، این تجهیزات کارآمد، آشکار شده و ضربه نهایی را بر پیکره دشمن وارد می‌کند.»

سرتیپ دادرسی به تست عملیاتی تجهیزات و نیروی انسانی اشاره کرده و گفته، «ما به صورت هفتگی این کار را جهت رسیدن به آمادگی صدر صد انجام می‌دهیم و تشکیلاتی داریم که در دور دست می‌تواند دشمن را در زمان نیاز از کرده خود پیشیمان کند.» ادعای داشتن «سلاح‌های سری»

بین نظامیان جمهوری اسلامی تازه نیست. اواسط خردادماه سال ۹۸، مرتضی قربانی مشاور عالی فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در سخنانی مضحک مدعی شد جمهوری اسلامی «دو سلاح جدید» و «به کلی سری» در اختیار دارد که می‌تواند در صورت «حماقت ناوهای آمریکا در

## «آدریان دریا» همچنان بلا تکلیف در آب‌های مدیترانه



دادستانی آمریکا می‌گوید این نفتکش علاوه بر ۲۰۱ تن نفت خام، حامل حدود یک میلیون دلار پول نقد است و مقصد آن سوریه است

از سوی دادگاه عالی فدرال این کشور صادر شده، برای توقیف آن کافی می‌داند و از هر بندری که به این کشتی اجازه ورود بدهد خواستار توقیف آن خواهد شد. بنابراین کشورهایی که با آمریکا روابط خوبی دارند، تمایلی برای کمک به این نفتکش نخواهند داشت و بعید نیست سرانجام کاپیتان «آدریان دریا» مجبور شود آن را به سوی آب‌های ایران هدایت کند.

نکته مهم در مورد توقیف ۴۵ روزه «آدریان دریا» این است که در مدتی که این نفتکش اجازه دریانوردی نداشت، ضرر هنگفتی به دلیل بی‌ثباتی قیمت نفت به ایران وارد شد. در روز توقیف بهای هر بشکه نفت خام سنگین ایران در بازارهای جهانی ۵۶ دلار و ۹۵ سنت بود که در واقع ارزش ۲/۱ میلیون بشکه محموله کشتی به ۱۱۹ و نیم میلیون دلار بالغ می‌شد. البته ارزش نفت خام موجود در مخازن «گریس ۱» در سه روز اول توقیف به بالای ۱۲۶ میلیون دلار رسید. در آن روزها قیمت هر بشکه نفت خام ایران از ۶۰ دلار نیز فراتر رفت. توقیف نفتکش «آدریان دریا» را که

## «آدریان دریا» همچنان بلا تکلیف در آب‌های مدیترانه

آخرین خبرها درباره سرنوشت کشتی نفتکش ایرانی «گریس ۱» که هنگام رفع توقیف پس از ۶ هفته در بندر جبل الطارق به «آدریان دریا» تغییر نام داد و با پرچم جمهوری اسلامی حرکت می‌کند، بعد از خودداری یونان از پذیرفتن آن به جانب ایتالیا روانه شد. این کشتی به گزارش خبرگزاری آسوشیتدپرس ساعت یازده دیشب به وقت لندن با سرعتی معادل ۷ تا ۸ گره دریایی در جنوب جزیره سسیل در جنوب ایتالیا در حرکت بوده است.

به گفته کاپیتان «آدریان دریا» در صورت موافقت دولت ترکیه، این کشتی در بندر مرسین در جنوب آن کشور پهلو خواهد گرفت. «آدریان دریا» هفت هفته قبل به دلیل حمل نفت به مقصد سوریه توسط نیروهای مخصوص بریتانیا در ساحل جبل الطارق توقیف شد زیرا اتحادیه اروپا فروش نفت به سوریه را تحت تحریم‌های خود ممنوع اعلام کرده است.

بعد از آنکه رژیم جمهوری اسلامی اطمینان داد «گریس ۱» عازم سوریه نیست، دادگاه جبل الطارق از این نفتکش رفع توقیف کرد و در حالی که نام آن به «آدریان دریا» تغییر یافته کاپیتان و شماری از ملوانانش تغییر کرده‌اند، از بندر جدا شد و بدون هدف مشخص به حرکت در آمد. یک روز بعد کاپیتان کشتی اعلام کرد عازم یکی از بندر یونان است. اما معاون نخست وزیر یونان گفت: «اولا بندر ما ظرفیت پذیرش کشتی‌های عظیم مانند «آدریان دریا» را ندارد. دیگر اینکه ما نمی‌خواهیم به خاطر راه دادن یک کشتی ایرانی به بندر خود،

● نفتکش ایرانی پس از عبور از یونان و جزیره سسیل به سوی ترکیه در حرکت است.

آخرین خبرها درباره سرنوشت کشتی نفتکش ایرانی «گریس ۱» که هنگام رفع توقیف پس از ۶ هفته در بندر جبل الطارق به «آدریان دریا» تغییر نام داد و با پرچم جمهوری اسلامی حرکت می‌کند، بعد از خودداری یونان از پذیرفتن آن به جانب ایتالیا روانه شد. این کشتی به گزارش خبرگزاری آسوشیتدپرس ساعت یازده دیشب به وقت لندن با سرعتی معادل ۷ تا ۸ گره دریایی در جنوب جزیره سسیل در جنوب ایتالیا در حرکت بوده است. به گفته کاپیتان «آدریان دریا» در صورت موافقت دولت ترکیه، این کشتی در بندر مرسین در جنوب آن کشور پهلو خواهد گرفت. «آدریان دریا» هفت هفته قبل به دلیل حمل نفت به مقصد سوریه توسط نیروهای مخصوص بریتانیا در ساحل جبل الطارق توقیف شد زیرا اتحادیه اروپا فروش نفت به سوریه را تحت تحریم‌های خود ممنوع اعلام کرده است.

بعد از آنکه رژیم جمهوری اسلامی اطمینان داد «گریس ۱» عازم سوریه نیست، دادگاه جبل الطارق از این نفتکش رفع توقیف کرد و در حالی که نام آن به «آدریان دریا» تغییر یافته کاپیتان و شماری از ملوانانش تغییر کرده‌اند، از بندر جدا شد و بدون هدف مشخص به حرکت در آمد. یک روز بعد کاپیتان کشتی اعلام کرد عازم یکی از بندر یونان است. اما معاون نخست وزیر یونان گفت: «اولا بندر ما ظرفیت پذیرش کشتی‌های عظیم مانند «آدریان دریا» را ندارد. دیگر اینکه ما نمی‌خواهیم به خاطر راه دادن یک کشتی ایرانی به بندر خود،

## نظام و «دیپلماسی التماس»؛ مگر ظریف بدون «هماهنگی» با خامنه‌ای به فرانسه رفت؟!



احمدجتی دبیر شورای نگهبان پنجم شهرویر از سیستم موشکی باور ۲۷۳ بازدید کرد.

در مطبوعات داخلی تریبون اصلی حلقه‌های نزدیک به مرکز قدرت است، چهارشنبه ششم شهریور، در گزارشی با عنوان «توهین ترامپ و ماکرون نتیجه دیپلماسی انفعال»، سفر ظریف به فرانسه را «ناپجا» دانست و نوشته بدون شک مصداق «دیپلماسی التماس» است.

در بخشی از این گزارش آمده، «دشمن هیچگاه از مکر و حيله دست بر نمی‌دارد، یک روز با تهدید و لاف‌زنی درباره حمله نظامی و روز دیگر با طمع و پیشنهاد فریبکارانه مذاکره. اما رمز پیروزی بر شیطان بزرگ و شیطانک‌ها، مقاومت است. به عبارت دیگر، مقاومت اراده شیطان را می‌شکند.»

این در حالیست که اصلاح‌طلبان حکومت را برای گفتگو با دولت ترامپ زیر فشار گذاشته‌اند.

مرتضی کواکبیان عضو کمیسیون امنیت ملی می‌گوید، «حتماً اگر از موضع اقتدار، مصلحت، حکمت و تدبیر باشد مذاکره اشکالی ندارد، آقای روحانی کاملاً در جهت اطاعت از فرامین رهبری حرکت می‌کند و اگر قرار باشد مذاکره‌ای صورت گیرد، حتماً قبل از آن در سطوح عالی و در شورای عالی امنیت ملی با هماهنگی رهبری این موضوع انجام می‌شود.»

گرچه حزب‌اللهی‌ها و دلوایسان به سفر ظریف به فرانسه انتقاد می‌کنند اما بدیهی است که تصمیم نهایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی علی‌خامنه‌ای تحت مشورت یا فشار شماری از سرداران سپاه پاسداران انقلاب اسلامی می‌گیرد. در همین زمینه مرتضی مکی تحلیلگر مسائل بین‌الملل در یادداشتی در روزنامه «آرمان ملی» نوشت، «... در خصوص احتمال دیدار مستقیم رئیس‌جمهور ایران و رئیس‌جمهور آمریکا باید تصریح کرد این پالس مثبت مطمئناً با هماهنگی کل حاکمیت و در چارچوب سیاست‌های کلان نظام است. نه فقط در مورد رئیس‌جمهور بلکه در مورد اقدامات محمدجواد ظریف نیز این هماهنگی وجود دارد. این امکان ابداً مطرح نیست که سفر دوباره وزیر خارجه به فرانسه بدون هماهنگی اتفاق افتاده باشد و تمامی موارد در سیاست خارجی کشور برآمده از سیاست‌های کلی نظام است.» بنا بر این شواهد، با وجود تناقضاتی که در ادعاهای اسولگرایان و اصلاح‌طلبان وجود دارد که هر کدام از قرار معلوم موظف هستند بخشی از بدنه و طرفداران ناامید نظام را با این سخنان تغذیه کنند، این فقط ظریف نیست که به التماس افتاده بلکه کل نظام در شرایطی قرار گرفته که با تظاهر به «اقتدار» به عجز و لایه از آمریکایی‌ها افتاده‌اند. مسلم است که ظریف سرخود یا «آتش به اختیار» راهی فرانسه نشده و از علی‌خامنه‌ای مجوز داشته. ولی حالا که تیرها به سنگ خورده یقه ظریف را گرفته‌اند و می‌خواهند کاسه و کوزه‌ها را سر او بشکنند. اگر ظریف با پاسخ‌های دیگری بر می‌گشت، امثال کیهان تهران نیز مانند گذشته به ستایش «سردار دیپلماسی» می‌پرداختند!

دیگر راز سرپوشیده‌ای نیست که وزیر خارجه جمهوری اسلامی مانند دولت و دیگر نهادهای به اصطلاح «انتخابی» فقط یک تدارکاتچی و صرفاً مجری دستورات خامنه‌ای است. به همین دلیل وزارت خارجه آمریکا به او لقب «ماله‌کش عظیم» داده است.

خبری پایان نشست گروه هفت گفت آماده دیدار با روحانی است و در حاشیه این نشست نیز مانند همیشه تکرار کرد به دنبال تغییر رژیم نیست. اما واقعیت این است که ترامپ حاضر نشد با ظریف دیدار کند و گرچه لحن او ظاهراً نرم‌تر شد اما از شروط خود عقب‌نشینی نکرد.

خبرگزاری رویترز به نقل از یک دیپلمات اروپایی نوشت با وجود تلاش رهبران اروپایی در نشست گروه هفت، دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری آمریکا حاضر به پذیرش تمدید معافیت نفتی برای مشتریان نیز نشده است.

رئیس‌جمهوری آمریکا هرگونه ارفاق و اغماض را به شرط یک توافق جدید مبتنی بر کنار گذاشتن ماجراجویی‌های موشکی و یانگیگری‌های منطقه‌ای جمهوری اسلامی می‌داند و تا کنون زیر بار مطالبات رژیم و میانجیگرانش نرفته است.

### سیاست آمریکا علیه رژیم ایران قاطعانه است

در همین ارتباط جان بولتون مشاور امنیت ملی آمریکا که به او کراین سفر کرده، روز سه‌شنبه گفت خواست ترامپ برای گفتگو با روحانی در باره برجام به‌معنای نرم شدن سیاست قاطع آمریکا علیه رژیم ایران نیست. بولتون سه‌شنبه ۲۷ اوت (پنجم شهریور) به رادیو اروپای آزاد گفت ترامپ مدت‌هاست که به روشنی گفته آماده دیدار با هر کسی که قابل مذاکره باشد است. مشاور امنیت ملی کاخ سفید به نقل از رییس‌جمهوری آمریکا برای چندمین بار تکرار کرد برجام بدترین توافق در تاریخ دیپلماسی آمریکاست و تأکید کرد «این دیدگاه ترامپ از نظر من با واقعیت همخوانی دارد و او قرار نیست دوباره همان اشتباه بزرگ اواما را انجام دهد.» وی در ادامه می‌گوید، «توافقی که در آن رژیم ایران یک سری مزایای اقتصادی ملموس دریافت کند صرفاً برای اینکه کارهایی را انجام دهد که اساساً نباید انجام بدهد، پیشاپیش شکست خورده است. ولی اگر یک توافق جامع در میان باشد البته که تحریرها لغو می‌شود.»

بولتون دوشنبه نیز از جامعه جهانی خواسته بود که «برای متوقف کردن رژیم ایران در زمینه تأمین مالی تروریسم، بی‌ثبات کردن جهان و نقض تحریم‌های بین‌المللی همه متحد شویم.»

او نسبت به هر گونه معامله برای خرید محموله نفتکش سرگردان «آدریان دریا» (گریس ۱) در مدیترانه هشدار داد و گفت، نفت قاچاقی که این نفتکش حمل می‌کند، نباید در بندری یا در دریا تخلیه شود. وزیر خارجه آمریکا نیز روز سه‌شنبه، رسیدن به یک توافق را مشروط به پذیرش شرایط آمریکا توسط حکومت ایران دانست و گفت آنها باید مانند یک کشور عادی رفتار کنند.

مایک پمپئو گفت، «ما چند هدف ساده را در مورد ایران دنبال می‌کنیم. اول اینکه بزرگترین دولت حامی تروریسم در جهان دیگر دست به ترور نزنند. دیگر اینکه نمی‌خواهیم به سلاح هسته‌ای دست یابند. ما فشار زیادی اعمال کردیم تا ایرانیان قادر شوند رهبرانشان را به تغییر رفتار وادار کنند. وقتی چنین شد، یک درک مقابل برای رسیدن به یک توافق وجود خواهد داشت.»

### «دیپلماسی التماس»

روزنامه کیهان چاپ تهران که

● **بولتون: گفتگو با رژیم ایران برای دونالد ترامپ به معنای این نیست که موضع واشنگتن تغییر کرده. توافقی که در آن رژیم ایران یک سری مزایای اقتصادی ملموس دریافت کند صرفاً برای اینکه کارهایی را انجام ندهد که اساساً نباید انجام بدهد، پیشاپیش شکست خورده است!**

● **مایک پمپئو: ما فشار زیادی اعمال کردیم تا ایرانیان قادر شوند رهبرانشان را به تغییر رفتار وادار کنند.**

● **یک دیپلمات اروپایی: با وجود تلاش رهبران اروپایی در نشست گروه هفت ترامپ حاضر به پذیرش تمدید معافیت نفتی برای مشتریان ندارد.**

● **کیهان تهران: سفر ظریف به فرانسه «ناپجا» و بدون شک مصداق «دیپلماسی التماس» است.**

● **مرتضی مکی تحلیلگر مسائل بین‌الملل: امکان ندارد سفر دوباره ظریف به فرانسه بدون هماهنگی اتفاق افتاده باشد و تمامی موارد در سیاست خارجی کشور برآمده از سیاست‌های کلی نظام است.**

● **کواکبیان عضو کمیسیون امنیت ملی: اگر قرار باشد مذاکره‌ای صورت گیرد، حتماً با هماهنگی رهبری خواهد بود.**

محمدجواد ظریف وزیر خارجه جمهوری اسلامی که دست خالی از فرانسه راهی آسیای شرقی شد بعد از پکن به توکیو رفت و با شینزو آبه نخست‌وزیر ژاپن دیدار و گفتگو کرد. او نتیجه گفتگو با مقامات چینی و ژاپنی را طبق معمول «سازنده» توصیف کرد و مدعی شد کاهش تنش در خلیج فارس و حفظ منافع برجام برای مردم ایران اهداف او در این سفر است. مقصد بعدی ظریف مالزی است. وی در نقش بازاریاب تلاش می‌کند تا کشورهای آسیای شرقی را راضی کند نفت و گاز بیشتری از ایران خریداری کنند. با اینهمه آنچه در فرانسه در جریان سفر ناگهانی ظریف به محل برگزاری نشست «گروه هفت» گذشت به عنوان شوکی که بر تیم ظریف و دولت روحانی وارد شد، تصویری از وخیم شدن شرایط نظام را به نمایش می‌گذارد.

کمتر از ۲۴ ساعت پس از آنکه روحانی در یک سخنرانی گفت «حاضر برای مردم با هر شخصی دیدار کنم» و ظریف نیز برای دومین بار راهی فرانسه شد به یکباره ورق برگشت و او روز سه‌شنبه گفت، «دنبال عکس‌یادگاری با کسی نیستم و آمریکا قبل از مذاکره باید توبه کند و تمام تحریم‌ها برداشته شود!» این در حالیست که ترامپ در کنفرانس

## چرا مردم ایران علیه رژیم به خیابان‌ها نمی‌آیند؟



شعارنویسی روی دیوار نهاد رهبری دانشگاه صنعتی شاهرود

دلیل است:

### ۱. توهم اصلاح حکومتی

جناح اصلاح‌طلب بسیار بی‌اعتبار شده است اما توهم اصلاح آسان و بی‌هزینه هنوز کاملاً رفع نشده است. بسیاری از جوانان هنوز امید دارند که حکومت یک‌شبه فرو بریزد بدون آنکه آنها تلاشی انجام دهند. آنها برای فرار از مسئولیت، نخست نسل انقلاب را برای وضعیت موجود ملامت می‌کنند تا آنها را موظف به براندازی رژیم کنند و بعد از آن نیز قدرت و اراده‌ی سرکوب حکومت را به فراموشی می‌سپارند تا مبادا با آن آگاهانه روبرو شوند. این توهم اصلاح حکومتی مبتنی است بر خواست تغییر بدون هزینه و آسان. آنها دلشان می‌خواهد حکومت به آسانی سقوط کند نه اینکه به این موضوع وقوف داشته باشند.

از این جهت، مقابله با رویاسازی‌ها و رفت و برگشت‌های اصلاح‌طلبان (از غمزه و عشوه‌گری برای خامنه‌ای و فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تا گرانفروشی خود به مردم مستاصل) از ضروریات زمینه‌سازی برای اعتراضات عمومی است. اصلاح‌طلبان به سیاست خیابانی باور ندارند و در سال ۸۸ نیز کنترل امور از دست آنها خارج شد. آنها همیشه گفته‌اند که سیاست خیابانی را نمی‌خواهند چون می‌خواهند خودشان طرف مذاکره باشند تا از این مجرا امتیازات ویژه‌ای به دست آورند. آنها می‌دانند با رفتن جمهوری اسلامی موضوعیت خویش را از دست می‌دهند.

### ۲. فقدان رهبری و سازمان

سازمان و رهبری از ضروریات هرگونه اعتراض عمومی است. درست است که اعتراضات خیابانی رهبران خود را شکل می‌دهد اما نخست اعتراضاتی باید صورت بگیرد تا رهبرانی از دل آن شکل بگیرند. شبکه‌های اجتماعی می‌توانند عامل موثری باشند اما حکومت هم در این زمینه دست روی دست نمی‌گذارد. هم این شبکه‌ها را در شرایط بحرانی قطع می‌کند، هم آنها را مهندسی می‌کند، و هم از آنها برای سازماندهی و بسیج شبکه‌های خود بهره می‌گیرد. هر گونه اعتراض عمومی به رهبرانی نیاز دارد که مخالفان به آنها اعتماد کنند و علامت سوال‌های بزرگی در کنار نام آنها نباشد. یک گروه یا جمع نیز می‌تواند چنین نقشی داشته باشد. به همین دلیل لابی جمهوری اسلامی مخالفان جدی حکومت را با برجسب‌هایی مثل «چلبی» یا «جنگ‌طلب» می‌نوازد تا آنها را بدنام کند. حکومت برای پیشگیری از چنین گروهی هرگونه نطفه‌ی شکل‌گیری آن را خفه می‌کند.

### ۳. انتظار منجی

هنوز قشرهایی در ایران منتظر یک منجی نامنتظر مثل «امام زمان» یا ایالات متحده هستند که برای آزادی مردم ایران به پا خیزد یا قشون کشی کند. انتظار منجی ناشی است از سه دسته واقعیات: اینکه از شرایط راضی نیستند، اینکه انتظار تغییر را دارند بدون آنکه کاری انجام دهند، و اینکه دیگران را بدون هیچ دلیلی خیرخواه‌تر از خود برای منافع‌شان تصور می‌کنند! کسانی که می‌خواهند مردم ایران در اعتراض به شرایط موجود به خیابان بیایند باید امید آنها به «امام زمان» و ایالات متحده یا هر منجی دیگری را قطع کنند و به آنها بگویند که تنها خود آنها می‌توانند منجی‌شان باشند و برای دشواری‌ها و مشکلاتی که دارند نخست خود را مسئول بدانند.

● همه‌ی نامه‌هایی که خطاب به خامنه‌ای برای استعفا و کناره‌گیری نوشته می‌شود ائتلاف وقت است.

● در جوامع دیکتاتوری معمولاً یک اقلیت سازمان‌یافته و پر انرژی است که می‌تواند اقلیت حاکم فاسد را کنار بزند.

● حکومت‌هایی بسیار خشن‌تر و سرکوبگرتر از جمهوری اسلامی توسط معترضان به زیر کشیده شده‌اند.

### ● خط دفاعی پایانی نظام

در سراسر کشور جمعیتی کمتر از ۱۰۰ هزار نفر هستند که فرماندهان و مدیران قوای قهریه و حدود نیمی از مدیران بالایی و میانی را در بر می‌گیرد.

● با رفتن جمهوری اسلامی اصلاح‌طلبان موضوعیت خویش را از دست می‌دهند.

● اصلاح‌طلبان به سیاست خیابانی باور ندارند.

● تاکتیک اصلاح‌طلبان: از غمزه و عشوه‌گری برای خامنه‌ای و فرماندهان سپاه تا گرانفروشی خود به مردم مستاصل.

### ● انتظار منجی ناشی

است از سه دسته واقعی است: عدم رضایت از شرایط، انتظار تغییر بدون اقدام، و تصور وجود فردی خیرخواه‌تر از خود برای منافع خویش بدون هیچ دلیل!

● اعتراضات خیابانی رهبران خود را شکل می‌دهد اما نخست اعتراضاتی باید صورت بگیرد تا رهبرانی از دل آن شکل بگیرند.

مجید محمدی - همه‌ی زمینه‌ها برای اعتراض عمومی در ایران در سال ۱۳۹۸ فراهم است: فشار خارجی (ایالات متحده) یا حداقل انفعال (اروپا) و عدم امکان حمایت عملی قدرت‌های بزرگ (چین و روسیه) از رژیم در شرایط سرکوب گسترده، بحران‌های اقتصادی (تورم و بیکاری) و اجتماعی (اعتیاد، کودکان کار، حاشیه‌نشینی)، دستگام دولتی ناکارآمد و فاسد، رشد بی‌اعتمادی در داخل دستگاه‌های حکومتی و دولتی، انفجار بی‌اعتمادی و نارضایتی عمومی، ناامیدی عمومی از بهبود شرایط با تداوم جمهوری اسلامی، کوچک‌تر شدن حلقه‌ی باورمندان به رژیم، مهاجرت گسترده به خارج و سرکوب هر روزه‌ی مردم توسط حکومت شبه‌توتالیتر. اما شاهد اعتراضات عمومی به رژیمی که مسئول این شرایط است نیستیم. چرا؟

در کشورهای اروپای شرقی جمعیتی چند ده‌هزار نفری به خیابان‌آمدند و با گسترده‌تر شدن اعتراضات حکومت‌ها کناره گرفتند چون اراده‌ی سرکوب در حکومت قوی نبود اما در ایران و متحدان جمهوری اسلامی قوی است و مردم نارضایتی این را می‌دانند. گریزهای چاق حاکم نمی‌خواهند امتیازات مفت و مجانی خود را از دست بدهند. به همین دلیل جمعیت میلیونی باید به خیابان بیاید و در خیابان بماند تا حکومت عقب‌نشینی کند و کنار برود. در چنین شرایطی حزب‌الله لبنان، حشدالشعبی و حوثی‌ها هم نمی‌توانند کاری برای رژیم ایران انجام دهند. آنها اگر یک ماه دلارهای نفتی را دریافت نکنند به سراغ حامی دیگری خواهند رفت. اما اینکه جمعیت نارضایتی به صورت چند میلیونی تا کنون برای براندازی رژیم به خیابان نیامده‌اند به چهار

## زنان شاخص

### نازنین فرا (۱۹۷۸ - تهران)



مونا فراهانی شناخته شده به نام تجاری «نازنین فرا» یک طراح مد و کارآفرین ایرانی است. او فارغ التحصیل رشته روانشناسی بالینی است. فرا در سن ۲۵ سالگی اولین شرکت تجاری خود را در زمینه توریسم در دبی با نام Brilliant Tourism تأسیس کرد. او در سال ۲۰۱۳ برند نروژی «Fara Beauty» که یک برند در زمینه مد و زیبایی است، به همراه خواهرش ایدا فرا تأسیس کرد. این برند در زمینه مد، زیبایی و لوازم آرایشی فعالیت دارد و در نروژ، انگلیس، آلمان، ترکیه، ایتالیا، ایران و امارات متحده عربی فروشگاه دارد. فروشگاه اصلی این برند در شهر دبی است. در سال ۲۰۱۵ تعداد شعب و نمایندگان رسمی این برند بالا رفت، سالانه فروش این محصولات بیشتر از ۱ میلیون دلار میباشد و محصولات این برند هر

پوسته پوسته شدن سر معمولا جزو عوارض جانبی عارضه های سلامتی جدی می باشد، به علاوه پوسته پوسته شدن سر در نتیجه خاراندن پوستی که می سوزد هم اتفاق می افتد. برخی از دلایل زخم شدن پوست سر به شدت مسری هستند و باید سریعا این علائم را تشخیص دهید. درمان های خانگی بسیاری برای تسکین این عارضه وجود دارند، تجویز آنتی ویروس و آنتی فارچ می تواند انتخاب مناسبی باشد. چه عواملی سبب پوسته پوسته شدن سر می شوند؟

#### درماتیت تماسی

درماتیت تماسی عبارت است از التهاب پوست که به علت مواد آلرژی زا خارجی اتفاق می افتد. این عکس العمل آلرژی زا می تواند در هر زمان و هنگامی که بدن در تماس با مواد سوزش آور قرار می گیرد، اتفاق بیفتد. هنگامی که درماتیت تماسی روی پوست سر اتفاق می افتد، این عکس العمل آلرژی زا می تواند به علت رنگ مو، شامپو و یا عوامل دیگری اتفاق بیفتد. گاهی آلرژی از برس مو یا شانه منتقل می شود.

#### درماتیت سبورئیک

عارضه پوسته پوسته شدن سر را گاهی به شوره سر ربط می دهند. به هر حال، رابطه دقیق بین درماتیت سبورئیک و شوره سر کاملا مشخص نیست. برخی از متخصصان پزشکی اظهار می کنند که این دو شبیه هم هستند اما هیچ گونه ارتباطی با یکدیگر ندارند. برخی دیگر اظهار می کنند که درماتیت سبورئیک باعث ایجاد شوره سر می گردد. در این مقاله، ما این دو عارضه را جدا

از هم اما مرتبط با هم می دانیم. درماتیت سبورئیک در قسمت های مختلف بدن که عرق در آن جا تولید و جمع می شود همچون کشاله ران، زیر بغل و پوست سر، اتفاق می افتد. برخی اظهار می کنند که بین این عارضه و بیماری های دیگری نظیر دیابت و پارکینسون رابطه مستقیمی وجود دارد. درماتیت سبورئیک شامل پوسته های زرد یا سفید از پوست است. پوست انسان پوسته پوسته می شود و می سوزد و باعث ایجاد شوره و زخم می شود. درمان هایی نظیر شامپوهایی که خاصیت درمانی دارند، پوست را مرطوب می کنند. **پسوریازیس پوست سر**

پسوریازیس یک عارضه خود ایمنی پوست است و هنگامی رخ می دهد که گلبول های سفید بدن به سلول های سالم پوست حمله می کنند و می پندارند که آن ها سلول های بیگانه هستند. این اتفاق باعث تولید بیش از حد سلول های بدن شده و به ایجاد تکه های ضخیم و براق روی پوست می انجامد. پسوریازیس

در سیستم بدن شما نهفته باقی می ماند. اگر این ویروس دوباره فعال شود، فرد به زونا مبتلا می شود. علت دوباره فعال شدن ویروس واریسلا زوستر به طور واضح مشخص نیست. برخی از متخصصان پزشکی اظهار می کنند که سیستم ایمنی ضعیف و کهولت از جمله این عوامل هستند. **عفونت قارچی پوست سر**

این بیماری عفونتی قارچی است که پوست، پوست سر و فولیکول مو را تحت تاثیر قرار می دهد. هنگامی که این بیماری روی پوست سر تاثیر میگذارد، به آن کچلی سر یا همان عفونت قارچی پوست سر گویند. عفونت قارچی پوست سر به شدت مسری است. تماس با فرد یا حیوانی که مبتلا به عفونت است، می تواند ریسک ابتلا به این بیماری را بالا برد. **شپش سر**

همانند عفونت قارچی، این هجوم موجودات بیگانه هم به شدت مسری است و بین کودکان شیوع زیادی دارد. شپش، حتی اگر کوچک هم باشند، باز هم با چشم کاملا قابل



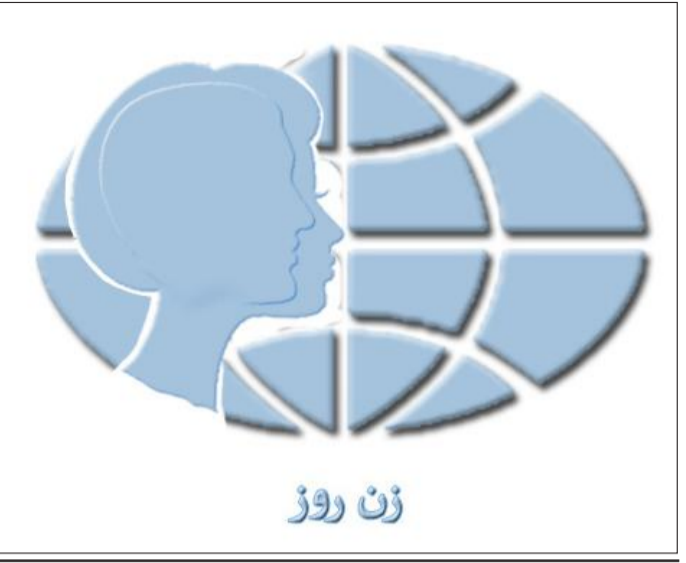
### چین و چروک صورت نشانه پوکی استخوان!

بانوانی که می خواهند در سالمندی پوستی شاداب داشته باشند باید در رژیم غذایی خود مصرف یک ویتامین ضروری را در اولویت قرار دهند. کارشناسان در جدید ترین پژوهش های خود دریافته اند استفاده از مکمل ویتامین K۱ افزون بر سلامت پوست و مو، سبب کنترل ضریب قلب و جلوگیری از ابتلا به بیماری های قلبی نیز می شود. بیشتر افراد درباره مزایای ویتامینهایی چون D، A، B، C اطلاعات فراوان دارند، اما خواص ویتامین K برای بسیاری از افراد ناشناخته است. ویتامین K۱ و K۲ سبب جلوگیری از افتادگی پوست، از بین رفتن وریدهای واریسی است و یک مکمل طبیعی مناسب برای جلوگیری از پیری سلول های بدن هستند. ویتامین K یک ویتامین محلول در چربی بوده که برای انعقاد خون مناسب است و به سلامت قلب، استخوان ها و سیستم ایمنی بدن کمک می کند. این ویتامین در دو نوع مختلف وجود دارد، ویتامین K۱ که به طور عمده در سبزیجات دارای برگ سبز مانند اسفناج، کلم و کلم بروکلی وجود دارد و ویتامین K۲ که در گوشت، تخم مرغ، لبنیات، مواد غذایی تخمیر شده، کلم بروکلی و برخی از پنیرهای تخمیر شده و ماست وجود دارد. ویتامین K۲ پروتئین هایی را در بدن فعال می کند که سبب ورود کلسیم به استخوان های می شوند و در نهایت برای سلامت استخوان ها، چگالی حجم آن ها و سلامت گردش خون مفید است، این ویتامین سبب جذب کلسیم در استخوان ها برای تقویت آنها می شود و مانع از جذب کلسیم در رگ های خونی و بروز گرفتگی عروق می شود. کمبود این ویتامین در بدن سبب ابتلای افراد به بیماری فشارخون بالا، دیابت نوع دو، بیماری های دستگاه گوارش، بیماری های مزمن

دیدن هستند. کلیوی و بیماری های قلبی عروقی با نحوه گرفتن یک شیش بالغ، اندازه حمام یخ آشنايي داريد؟ این غیر عادی نیست که ببینید ورزشکاران و مشتاقان تناسب اندام بعد از فعالیت های ورزشی به درون حمام یخ بپرند. که این کار را غوطه ور شدن در آب سرد یا کرایو تراپی می گویند. آن ها برای مدت ۱۰ تا ۱۵ دقیقه در آب بسیار سرد (۵۰ - ۵۹ درجه فارنهایت) در آب سرد می مانند. ورزشکاران این کار را بعد از انجام رقابت ها و مسابقات انجام می دهند و بر این باورند که با این کار درد ماهیچه ها کاهش می یابد. استفاده از این حمام موجب تسکین

بسیار زیاد از شامپو استفاده نکنید. **موها بتان را رنگ نکنید:** رنگ کردن مو باعث احساس سوزش پوست سر می شود. **استفاده محدود از شامپو:** به یاد داشته باشید که تنها چند بار در هفته از شامپو استفاده کنید. می توانید در طول دوش گرفتن یا حمام کردن تنها موها بتان را نمدار و خیس کنید. برخی از روغن ها و کرم ها نظیر آلوئه ورا برای تسکین پوست سر استفاده می شوند. گاهی این درمان های خانگی برای درمان خارش سر بسیار مفیدند اما باز هم توصیه می شود که قبل از انجام هر درمان خانگی، با پزشک متخصص پوست مشورت کنید. به علاوه، داشتن حساسیت و آلرژی نسبت به روغن های خاصی می تواند سبب درماتیت تماسی شود که این عارضه خود سبب پوسته پوسته شدن سر می شود. در نهایت، به یاد داشته باشید که از خاراندن پوست سر جلوگیری کنید. لمس کردن ناحیه آسیب دیده روند درمان را به تعویق می اندازد.

ماهیچه ها می شود. اما در سال ۲۰۱۷ تحقیقی انجام شده است که نتایج دیگری را گزارش می کند. تحقیق پیشنهاد می کند این تصور که این حمام باعث تسکین عضلات می شود درست نیست و اثری بر تسکین درد عضلات نخواهد داشت. اگرچه این تحقیق پیشنهاد کرده است برای از بین بردن درد عضلات ۱۰ دقیقه استفاده از دوچرخه ثابت با شدت کم می تواند مفید باشد، برخی هنوز بر این باورند که این حمام بسیار مفید است. راز این بین می برد. عده ای از پزشکان بر این باورند که این تحقیق از مضر بودن حمام یخ مطمئن نیست، و فقط بیان می کند که روش های سریع برای بازیابی ماهیچه ها را کاهش می دهد و بافتها یک نکته مهم این است که بدانید در این تحقیق نمونه های انتخابی محدودیت سن و اندازه داشته اند. در این تحقیق ۹ مرد جوان بین بازه سنی ۱۹ تا ۲۴ سال که هر کدام ۲ تا ۳ بار در هفته حمام یخ را برای



### زن روز



پروین اعتصامی

به آب روان گفت گل کز تو خواهم که رازی که گویم به بلبل بگویی پیام ار فرستد، پیامش بیاری بخاک ار درافتد، غبارش بشوئی بگویی که ما را بود دیده بر ره که فردا بیائی و ما را ببویی بگفتا به جوی آب رفته نیاید نیایی مرا، گر چه عمری بجویی پیامی که داری به پیک دگر ده بامید من هرگز این ره نبویی من از جوی چون بگذرم برنگردم چو بگذرمه گشتی تو، دیگر نروئی بفردا چه مباحثی کار امروز بخوان آنکسی را که مشتاقا اونی ...

### نحوه گرفتن حمام یخ و فواید آن

**عوارض استفاده از حمام یخ**  
باید توجه داشته باشید که از عوارض جانبی حمام یخ این است که بدن تان سرمای بسیار زیادی را متحمل می شود.

اما علاوه بر این عوارض سطحی، موارد خطرناک تری پیش روی شما است از جمله: اولین خطر استفاده از حمام یخ این است که فشار خون بالا به وجود خواهد آمد و همچنین بیماری های عروقی. با کاهش دمای درونی بدن گردش خون در بدن به آهستگی انجام خواهد شد. گردش خون آهسته بسیار خطرناک است زیرا می تواند موجب سکتة شود. دیگر خطری که شما را تهدید خواهد کرد کاهش دمای بدن به صورت غیرطبیعی بخصوص اگر در یخ غوطه ور باشید.

بالا بردن مقاومت بدن شان مورد استفاده قرار می دهند انتخاب شده اند. تحقیقات گسترده تر و بیشتر در این باره لازم است. تا اثرات مثبت این حمام را نفی کند.

#### مزایای حمام یخ

اگر تصمیم خود را گرفته و راغب هستید که این حمام انجام دهید باید از مزایا و معایب آن به طور کامل آگاه باشید و بدانید که بدن تان قرار است چه سرمای زیادی را تحمل کند. خبر خوب این است که در این جا تعدادی از مزایای این حمام بخصوص برای افرادی که در باشگاه ورزش می کنند توضیح خواهیم داد.

#### درد عضلات و ماهیچه ها را کاهش می دهد.

یکی از بهترین مزایای این حمام این است که بدن به راحتی احساس خوبی را تجربه خواهد کرد. بعد از یک



افرادى که از دیابت نوع اول و دوم رنج می برند باید به شدت مراقب این حمام باشند زیرا این حمام به شدت درمانی درونی بدن این افراد را کاهش می دهد. اگر تمایل به انجام حمام یخ دارید این موارد را باید رعایت کنید: **دمای این نوع حمام**  
دمای این حمام باید بین ۱۰ تا ۱۵ درجه سلسیوس یا ۵۰ تا ۵۹ درجه فارنهایت باشد. **مدت زمان ماندن در حمام یخ**  
مدت زمان ماندن در این حمام نباید بیشتر از ۱۰ تا ۱۵ دقیقه طول بکشد.

#### نحوه قرار گیری در آن

به طور کلی پیشنهاد می شود برای این که بهترین انقباضات در عروق خونی اتفاق بیفتد کل بدن را در یخ غوطه ور سازید. برای شروع ممکن است که تمایل داشته باشید اول پاها و ران را در یخ قرار دهید اگر راحت هستید می توانید از قفسه سینه شروع کنید.

#### التهاب ها را محدود خواهد کرد

کاهش دمای بعد از انجام ورزش می تواند به کاهش التهاب ها کمک کند همچنین به بازیابی سریع تر نیز کمک می کند. **اثرات گرم و رطوبت را کاهش می دهد**  
حمام آب سرد ممکن است که اثر گرما و رطوبت را کاهش دهد. استفاده از این حمام به مدت طولانی می تواند دمای مرکزی بدن را چند درجه کاهش دهد و عملکرد بدن را بهبود بخشد.



## مردان شاخص



### محسن وزیری مقدم (۱۳۹۷-۱۴۰۳)

محسن وزیری مقدم طراح، نقاش، مجسمه‌ساز و استاد هنر معاصر ایرانی بود. وی از نخستین دانش‌آموختگان دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران به‌شمار می‌رود. وزیری مقدم از شاخص‌ترین نقاشان نوگرایی ایران است که با رویکردی مدرنیستی و سبکی شخصی، آثاری بدیع و منحصر به فرد خلق کرده‌است. وی در سال‌های ۱۳۴۸ تا ۱۳۵۵ ریاست دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران را بر عهده داشت. وزیری مقدم تنها نقاش ایرانی است که موزه هنرهای مدرن نیویورک (MOMA) اثرش را بدون واسطه خریداری کرده‌است. او در سال ۱۳۲۲ در امتحان ورودی دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران پذیرفته شد. از اولین استادان وی علی‌محمد حیدریان و مادام امین‌فر بودند. وزیری مقدم در سال ۱۳۲۷ به عنوان اولین دانش‌آموختگان دانشکده هنرهای زیبا فارغ‌التحصیل شد. در مردادماه

سال ۱۳۳۴ راهی ایتالیا شد و تا ۱۳۴۲ در رم به فعالیت هنری پرداخت. سال ۱۳۳۷ دانشنامه آکادمی هنرهای زیبای رم را دریافت داشت. پایان‌نامه تحصیلی خود را درباره موندریان و تأثیر او در هنر قرن بیستم به رشته تحریر درآورد. وزیری مقدم به ساخت مجسمه‌های چوبی مفصلی و متحرک مشهور است و اولین بار آثاری ساخت که مخاطب می‌توانست در اثر هنری دخالت داشته باشد.



### افزایش وزن با استفاده از غذاهای شور!

افزایش وزن روش‌های مختلفی دارد. بهترین انتخاب شما برای افزایش وزن می‌تواند انتخاب یک رژیم غذایی مناسب باشد. به تازگی محققان به نتایج جالبی در رابطه با مواد خوراکی شور دست یافته‌اند! اما این به آن معنی نیست که مصرف نمک و اینگونه مواد مضر نیست! نتایج مطالعات جدید نشان داده است، غذاهای شور تشنگی را کاهش می‌دهند و این در حالی است که منجر به افزایش گرسنگی به علت نیاز بیشتر به انرژی می‌شوند. غذاهای شور باعث تشنگی در افراد می‌شوند؛ این جمله‌ای است که شاید بارها شنیده باشید. این بررسی در یک ماموریت شبیه‌سازی شده مریخ انجام شد و نتیجه دقیقاً برعکس بود. در این آزمایش، فضاوردانی که نمک بیشتر مصرف کردند، نیاز به انرژی بیشتری پیدا کردند، اما تشنه نشدند. محققان اظهار کردند: مصرف تنقلات شور در درازمدت منجر به نوشیدن کمتر خواهد شد. این مطالعه برای اولین بار است که ارتباط بین مقدار نمک در رژیم غذایی افراد و عادات آشامیدن را مورد بررسی قرار می‌دهد. دانشمندان دریافتند افزایش مصرف نمک منجر به تحریک تولید ادرار بیشتر می‌شود و تصور می‌شود که این مایع اضافی، از "نوشیدن" تولید شده است که این نتیجه درست نیست. نتایج بررسی‌ها نشان داد، مصرف نمک بیشتر منجر به تولید نمک بیشتر در ادرار می‌شود. محققان افزودند: بین مقدار مصرف نمک و مقدار ادرار ارتباط وجود دارد، اما این استفاده کرد افزایش به دلیل نوشیدن بیشتر نیست و در واقع و اگر به صورت رژیم غذایی شور منجر به نوشیدن بزرگ‌ترین غده رقیق شده مورد استفاده قرار بگیرد هیچ خطری نخواهد داشت.



### مرد روز



شهریار

برداشت پرده شمع و پروانه برگرفت بازار شوق پردگیان باز در گرفت شمع طرب شکفت در آغوش اشک و آه ابری به هم برآمد و ماهی به برگرفت زین خوشترت کجا خبری در زند که دوست سرب بی خبر به ما زد و از ما خبر گرفت بار غمی که شانه تهی کرد از او فلک این زلف و شانه خواهم از دوش برگرفت یک تار موی او به دو عالم نمیدهند با عشقش این معامله گفتیم و سرگرفت چشمک زند ستاره صفت با نسیم صبح شمع دلی که دامن آه سحر گرفت چون شعر خواجه تازه و تر بود شهریار شعر توهم که درس خود از چشم تر گرفت

## مزایا و مضرات استفاده از سرکه سیب برای بدن

در دهه گذشته، مصرف سرکه سیب در رژیم‌های غذایی رواج بیشتری پیدا کرده است و این امر به دلیل بی‌بردن به مزایای زیاد این نوع سرکه از جمله کمک به کاهش وزن، درمان آکنه و کاهش قند خون می‌باشد. این نوع سرکه یک نوشیدنی بسیار مفید است. از صدها سال پیش سرکه به عنوان یک ماده دارویی در فرهنگ‌های مختلف مورد استفاده قرار می‌گرفت.

استفاده از سرکه سیب به عنوان غذای رواج بیشتری پیدا کرده است و این امر به دلیل بی‌بردن به مزایای زیاد این نوع سرکه از جمله کمک به کاهش وزن، درمان آکنه و کاهش قند خون می‌باشد. این نوع سرکه یک نوشیدنی بسیار مفید است. از صدها سال پیش سرکه به عنوان یک ماده دارویی در فرهنگ‌های مختلف مورد استفاده قرار می‌گرفت.

افزون بر این نوع سرکه یک راه درمان ساده و راحت برای آکنه و جوش می‌باشد، البته بهتر است که آن را با آب رقیق کرد. پوست به طور طبیعی اندکی اسیدی است پس استفاده از پاک‌کننده‌هایی که کمی اسیدی هستند می‌تواند به سلامت پوست کمک کند. استفاده از سرکه برای مراقبت از پوست کار آسانی است و افرادی که

افزون بر این نوع سرکه یک راه درمان ساده و راحت برای آکنه و جوش می‌باشد، البته بهتر است که آن را با آب رقیق کرد. پوست به طور طبیعی اندکی اسیدی است پس استفاده از پاک‌کننده‌هایی که کمی اسیدی هستند می‌تواند به سلامت پوست کمک کند. استفاده از سرکه برای مراقبت از پوست کار آسانی است و افرادی که

## موادی که به کبد آسیب می‌رسانند

نارنجی و یا زرد دریافت شود. ولی اگر شما به دلایلی مکمل مصرف می‌کنید که حاوی مقادیر زیادی ویتامین A است ممکن است برای کبد شما مضر باشد. بهتر است قبل از مصرف هرگونه مکمل، ضمن مشاوره با پزشک، از محتوای ویتامین‌های موجود در آن مطلع شوید و با دانش و اطلاعات کافی از مقادیر توصیه شده استاندارد، شروع به دریافت هرنوع مکمل نمایید.

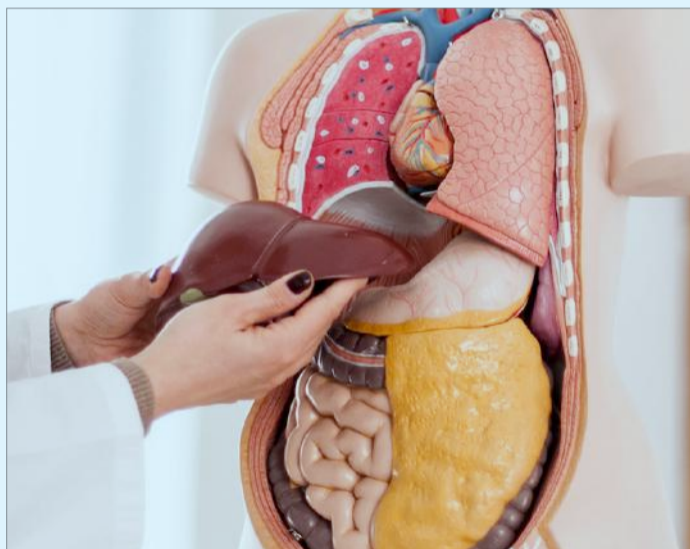
کند و استفاده از آبیوم‌های طبیعی و رژیم غذایی سالم برای دفع بیشتر متابولیت‌های شیمیایی را فراموش نکنید. دوز و میزان مصرف و این‌که چه میزان برای استفاده روزانه مناسب و کافی است را بررسی کنید. به محدوده‌های درستی از مصرف تکیه کنید سلامت کبدتان را همیشه در اولویت قرار دهید.

### افزافه وزن

چربی اضافی در رژیم غذایی می‌تواند باعث ساخته شدن سلول‌های چربی کبد شده و در نهایت منجر به بروز کبد چرب (NAFID) شود. در ابتدا ممکن است نشانه‌هایی از تورم در ناحیه کبدی بروز کند اما با گذشت زمان، سفت‌سخت شدن بافت‌های کبدی روی می‌دهد که در این مرحله، کبد دچار سیروز شده است. کبد چرب بیشتر در افرادی که اضافه‌وزن داشته و یا چاق، میان‌سال و یا مبتلا به دیابت هستند مشاهده می‌شود.

اغلب فعالیت‌های سوخت‌وساز بدن مانند گوارش نقش دارد. از وظایف مهم کبد به دام انداختن سموم و تصفیه آن‌ها و تبدیل آن‌ها به مواد بی‌ضرر است. همچنین، این کبد است که متابولیسم داروها را در بدن بر عهده دارد. با توجه به نقشه‌ای مهمی که کبد در بدن به عهده دارد، حفظ سلامت این عضو حیاتی از اهمیت خاصی برخوردار است. با توجه به شیوع مشکلات کبدی در حال حاضر در جامعه به‌اختصار اشاره‌ای به مواد مضر برای سلامت

چربی‌های ترانس یک نوع چربی است که حاصل فرآیندهای تولید در صنایع غذایی می‌باشد و در اغلب غذاهای کنسروی و بسته‌بندی و یا فرآورده‌های آماده مصرف گوشتی یافت می‌شود. رژیمی که غنی از چربی‌های ترانس است باعث اضافه شدن وزن شما می‌شود که این برای کبد شما خوب نیست.



محتویات فرآورده‌ای که خریداری می‌کنید را بررسی کنید. حتی اگر نوشته باشند که مقدار چربی ترانس ناچیز است ممکن است هنوز مقدار اندکی چربی داشته باشد. مصرف زیاد چربی‌های ترانس مشکلات زیادی برای سلامتی بدن به دنبال دارند که مشکلات قلبی - عروقی، دیابت، بیماری‌های کبدی و... از آن‌ها بشمار می‌روند.

### مکمل‌های گیاهی

حتی اگر روی برچسب یک فرآورده کلمه طبیعی درج شده باشد، توجیه کافی برای بی‌ضرر بودن آن محسوب نمی‌شود. همان‌طور که امروزه مصرف انواع مکمل‌های گیاهی جهت بسیاری بیماری‌ها از چاقی گرفته تا رفع اضطراب و مشکلات کلیوی و...

می‌شود. رعایت الگوی صحیح رژیم غذایی و ورزش و تحرک کافی به میزان چشمگیری از پیشرفت بیماری جلوگیری می‌کند. **شکر** مصرف بیش‌ازحد شکر نه تنها برای دندان‌ها مضر هست، بلکه می‌تواند به کبد شما هم آسیب وارد کند. دریافت زیاد شکر باعث ساخت بافتی از چربی در کبد و بروز کبد چرب غیرالکلی می‌شود که کبد را مستعد تجمع چربی می‌نماید. برخی از مطالعات نشان می‌دهند حتی در صورتی که شما وزن متعادلی هم داشته باشید، شکر می‌تواند همان‌قدر به کبد صدمه بزند که الکل آسیب می‌رساند. از این رو توصیه می‌شود برای حفظ سلامت کبد، دریافت شیرینی‌ها، انواع شکلات و نوشیدنی‌های شیرین حتماً محدود گردد.

### دریافت بیش‌ازحد ویتامین A

بدن شما به ویتامین A احتیاج دارد و بهتر است این ویتامین از میوه‌های تازه و سبزی‌ها مخصوصاً نوع قرمز،

تند تیزی است اما افزودن آن به غذاهای شیرین عطر و طعم خاصی به آن می‌دهد و مورد علاقه تمام افراد خانواده واقع خواهد شد. این نوع سرکه باعث افزایش طعم به غذا و کاهش میزان پروتئین آن بدون اضافه کردن قند و چربی می‌شود. به همین خاطر می‌توان از آن برای کباب کردن گوشت و پخت و پز استفاده کرد. سالادها گزینه مناسبی برای افزودن این نوع سرکه به آن‌ها و مصرف بیشتر سبزیجات هستند. در تهیه ماهی که غذایی سرشار از امگا ۳ و پروتئین می‌باشد می‌توان از این نوع سرکه برای دادن طعم خوش استفاده کرد. اضافه کردن مقداری عسل به ماهی مفید است زیرا حاوی آنتی‌اکسیدان می‌باشد و تند و تیزی سرکه ی اضافه شده را ملایم تر می‌کند به طوری که خوردن آن را برای هر فردی امکان پذیر می‌کند. این نوع سرکه برای تهیه ترشیجات قابل استفاده است.



از آن استفاده کرده‌اند نتایج رضایت بخشی را گزارش کرده‌اند. سرکه می‌تواند به برطرف کردن اسکار و لکه‌های پوستی نیز کمک کند. یک نکته بسیار مهم در مصرف این نوع سرکه این است که استفاده به طور منظم از آن در رژیم غذایی می‌تواند به سلامتی آسیب وارد کند. زیرا استیک اسید موجود در سرکه میانی دندان را از بین می‌برد. اگر تصمیم به استفاده از این نوع سرکه به عنوان یک مکمل در رژیم غذایی خود دارید مطمئن شوید که آن را حتماً با آب رقیق کرده‌اید. سرکه غلیظ گلو را تحریک خواهد کرد. برای رقیق کردن این نوع سرکه یک قاشق سوپ خوری سرکه و ۸ قاسق آب اضافه کنید.

### عوارض و خطرات این سرکه

در گزارش‌هایی اعلام شده است که مصرف طولانی مدت این نوع سرکه باعث پوکی استخوان و کمبود پتاسیم می‌شود. اما تحقیقات بیشتری در این زمینه صورت نگرفته است. از این نوع سرکه می‌توان در آشپزی

به عنوان مثال، در تحقیقی که در سال ۲۰۱۴ منتشر شده است و در این تحقیق بر روی سلول‌های انسان‌ها و موش‌های آزمایشگاهی مطالعه صورت گرفته است. نتایج نشان دادند که سرکه سیب می‌تواند به سرطان معده کمک کند اگرچه هنوز به تحقیق بیشتری نیاز است.

### فواید سرکه سیب

اما استفاده‌ها شخصی از سرکه می‌تواند مزایای بسیاری داشته باشد. سرکه سیب رقیق شده برای بهبود هضم غذا نیز مفید است و دلیل این امر این است که سرکه جمعیت باکتری‌های مفید بدن را که به هضم کمک می‌کند افزایش می‌دهد. همچنین سرکه می‌تواند به کاهش وزن و کنترل بهتر فشار خون کمک کند. در تحقیقی که نتایج آن در مجله سالانه مواد مغذی و متابولیسم منتشر شده است دریافت‌اند که این نوع سرکه به افرادی که مبتلا به دیابت هستند می‌تواند



## وزارت امور خارجه آمریکا صدور حکم ۲۴ سال زندان صبا کردافشاری را محکوم کرد



● **راحله احمدی مادر صبا کردافشاری نیز در پی اعلام اینکه از فرزندش اعترافات اجباری گرفته شده و تحت فشار قرار دارد، بازداشت شد.**

سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا در پیامی توثیتری صدور حکم ۲۴ سال زندان برای صبا کردافشاری از معترضان به حجاب اجباری را محکوم کرد.

مورگان اورنگاس سخنگوی وزارت خارجه آمریکا در توثیتر صدور حکم ۲۰ سال زندان برای صبا کردافشاری فعال معترض به حجاب اجباری که به تازگی از سوی دستگاه قضایی حکومت صادر شده را محکوم کرد. اورنگاس در توثیتر نوشت که دادگاه انقلاب برای یک بانوی ۲۰ ساله ایرانی مخالف حجاب اجباری ۲۴ سال زندان بریده است. سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا نوشت: «ما این حکم ناعادلانه را محکوم

می‌کنیم و از رژیم ایران می‌خواهیم که به حقوق جهانی و انسانی مردم خود در زمینه آزادی بیان احترام بگذارد.»

راحله احمدی مادر صبا کردافشاری نیز در پی اعلام اینکه از فرزندش اعترافات اجباری گرفته شده و تحت فشار قرار دارد، بازداشت شد. سه‌شنبه ۵ شهریور وکیل مدافع

کردافشاری از صدور مجازات‌های کیفری برای موکلیش خبر داد که شامل ۱۵ سال حبس به اتهام «تشویق به فساد و فحشا»، ۷ سال و شش ماه حبس به اتهام «اجتماع و تبانی به قصد ارتکاب جرم علیه امنیت ملی» و یک سال و شش ماه حبس به اتهام «فعالیت تبلیغی علیه نظام» می‌شود.

## عذرخواهی دولت از پوشش سنتی و محلی زنان در همایش توسعه روستایی؛ گاف سیاسی یا فریبکاری انتخاباتی؟!



توضیح داده و اعلام کرده که «انتخاب و دعوت میهمانان همایش یاد شده، از سوی نهادهای صنفی و محلی مرتبط با موضوع برنامه انجام شده و دفتر و نهاد ریاست جمهوری در این مرحله نقشی نداشته است.»

روابط عمومی دفتر ریاست جمهوری همچنین تأکید کرده که برگزارکنندگان همایش پیش از اجلاس و در حین آن به میهمانان همایش، در خصوص رعایت شئون اسلامی و فرهنگی در حوزه پوشش تذکر داده بودند.

روابط عمومی نهاد ریاست جمهوری همچنین بخشی از میهمانان برنامه را «از جامعه محترم اقلیت‌های مذهبی کشور» معرفی کرده که «با تن پوش سنتی و محلی خود در مراسم حاضر شده بودند که قبل از آغاز برنامه به طبقه دوم سالن راهنمایی شدند.»

در این اطلاعیه دفتر ریاست جمهوری ضمن تقدیر از «حساسیت دلسوزان نسبت به رعایت کامل موازین شرعی و فرهنگی و به ویژه حجاب اسلامی»، آورده است: «مسئله به وجود آمده قابل اغماض نبوده» و از صدور دستور «پیگیری» و برخورد با «خاطیان» خبر داده است!

مسیح علینژاد فعال مدنی خارج از کشور با انتشار تصاویری از حسن روحانی در کنار دخترانی با «حجاب نامتعارف» در زمان انتخابات ریاست جمهوری در شمال تهران، اطلاعیه‌ای اخیر دفتر ریاست جمهوری را درباره پوشش سنتی و محلی زنان «شرم‌آور» خوانده است:

علینژاد نوشت: «شرم بر رئیس‌جمهوری که در ایام انتخابات با زنان کم‌حجاب در کوه‌های اطراف تهران عکس تبلیغاتی می‌گیرد ولی حالا از دفترش بیانیه می‌دهند و نسبت به پوشش این زنان در همایش ابراز تأسف می‌کنند.»

این فعال مدنی نوشت: «به زودی معمار حجاب اجباری این گاف سیاسی را اصلاح می‌کند و دوباره می‌شود قهرمان متعجب‌گران.»

دولت تدبیر و امید در توسعه زیرساخت‌های روستایی» روز دوشنبه چهارم شهریورماه با حضور حسن روحانی جنجال‌آفرین شد و بازتاب گسترده‌ای پیدا کرد.

زنان شرکت‌کننده در این همایش که با پوشش سنتی منطقه و اقلیم خود شرکت کرده بودند، به دلیل تفاوت پوشش با حجاب اسلامی و من‌درآوردی حکومت که ربطی به پوشش‌های ملی و محلی ایران ندارد، از سوی حزب‌اللهی‌ها چون گردانندگان روزنامه کیهان تهران با انتقاد مواجه شدند. حزب‌اللهی‌ها این پوشش‌های محلی و تاریخی را رونمایی از زنان بی‌حجاب خواندند!

کیهان تهران «پوشش‌های غیرمتعارف» و «عدم رعایت حجاب اسلامی» در یک مراسم رسمی دولت جمهوری اسلامی را «رسیمت بخشیدن به ترویج بی‌حجابی و زیر گذاشتن قانون عفاف و حجاب» خواند.

مینو اصلانی رئیس بسیج جامعه زنان، پوشش محلی زنان در این همایش را «سوگوارانه» خواند و گفت: با توجه به دغدغه‌ای که مردم ما نسبت به «حجاب اسلامی» دارند، حضور خارج از عرف و شرع زنان در چنین مراسمی، حساسیت‌آحاد مختلف جامعه را برانگیخت.»

از سوی دیگر، برخی کاربران فضای مجازی، حضور زنان با «حجاب نامتعارف» و تحمیلی حکومت در یک همایش دولتی را «عمدی» تعبیر کرده و آن را با انتخابات پیش رو در اسفندماه ۹۸ مرتبط دانستند. این کاربران معتقدند در رابطه با تلاش دولت روحانی جهت جلب رأی مردم، در این مراسم از سر «حیله‌گری» و فریب، به زنان اجازه‌ی حضور با پوشش‌های محلی و متفاوت از حجاب تحمیلی داده شده است.

ولی امروز پنجم شهریورماه روابط عمومی دولت حسن روحانی با انتشار اطلاعیه‌ای درباره حضور زنان با پوشش‌های محلی در همایش دولت

● **زنان شرکت‌کننده در این همایش که با پوشش سنتی و محلی خود شرکت کرده بودند، به دلیل تفاوت پوشش با حجاب اسلامی و من‌درآوردی حکومت که ربطی به پوشش‌های ملی و محلی ایران ندارد، از سوی حزب‌اللهی‌ها با انتقاد مواجه شدند. حزب‌اللهی‌ها این پوشش‌های محلی و تاریخی را رونمایی از زنان بی‌حجاب خواندند!**

● **روابط عمومی نهاد ریاست جمهوری بخشی از میهمانان برنامه را «از جامعه محترم اقلیت‌های مذهبی کشور» معرفی کرده که «با تن پوش سنتی و محلی خود در مراسم حاضر شده بودند که قبل از آغاز برنامه به طبقه دوم سالن راهنمایی شدند!»**

● **با خاطیان برخورد خواهد شد!**

● **مسیح علینژاد فعال مدنی خارج از کشور با انتشار تصاویری از حسن روحانی در کنار دخترانی با «حجاب نامتعارف» در زمان انتخابات، اطلاعیه در دفتر ریاست جمهوری را «شرم‌آور» خوانده است.**

روابط عمومی دفتر ریاست جمهوری اسلامی در اطلاعیه‌ای از آنچه پوشش «نامناسب» زنان در همایش توسعه روستایی خوانده شده، ابراز تأسف کرده و دستور «پیگیری» و برخورد با خاطیان را صادر کرده است!

پوشش سنتی زنان اقوام مختلف ایران در همایش «راشه دستاوردهای

## کشف و ضبط دست خط محمدرضا شاه فقید

برادر ۳۵ و ۵۰ ساله هستند که هر دو اعتیاد شدیدی به مصرف مواد مخدر دارند. همچنین فرد عتیقه‌فروش در بازجویی‌های اولیه اعلام کرد که هیچ مجوزی برای خرید و فروش عتیقه ندارد.

گفته می‌شود تحقیقات تکمیلی در مورد اصالت اشیای عتیقه‌ی کشف شده از سوی کارشناسان میراث فرهنگی و نیز شناسایی دیگر همدستان این افراد در حال انجام است و پرونده به پلیس آگاهی تهران بزرگ ارجاع شده است.



● **گفته می‌شود تحقیقات تکمیلی در مورد اصالت اشیای عتیقه‌ی کشف شده از سوی کارشناسان میراث فرهنگی و نیز شناسایی دیگر همدستان این افراد در حال انجام است.**

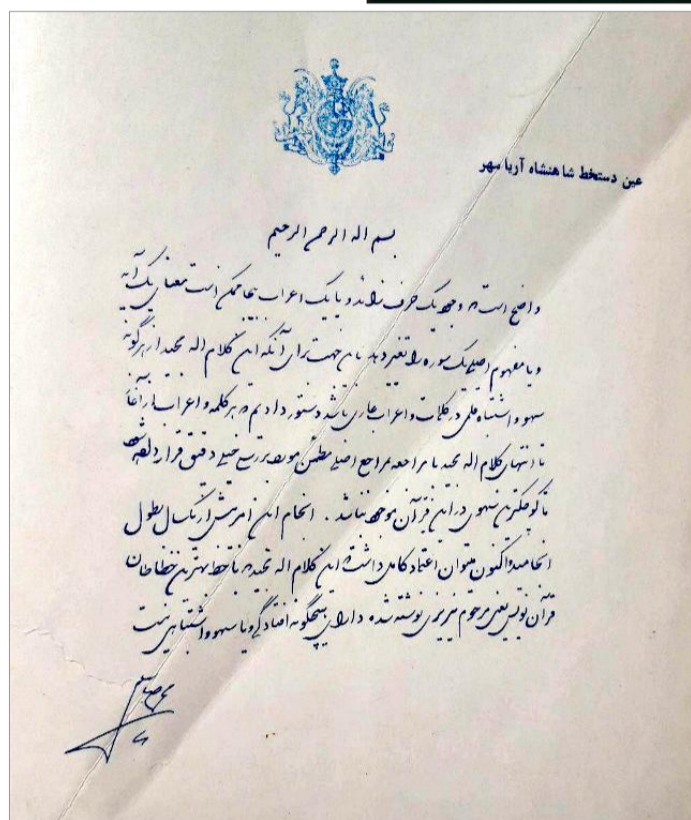
دست خطی از محمدرضا شاه پهلوی نقش‌بسته در یک قرآن قدیمی کشف و ضبط شد. نیروی انتظامی این دست‌نوشته را همراه با اشیای به سرقت رفته از یک عتیقه‌فروشی غیرمجاز پیدا کرده است.

دست خطی از محمدرضا شاه پهلوی نقش‌بسته در صفحه سوم یک قرآن قدیمی در اموال به سرقت رفته یک عتیقه‌فروشی کشف و ضبط شده است.

آنگونه که سرکلانتر هفتم پلیس پیشگیری تهران بزرگ گزارش کرده، این دست‌نوشته، در جریان سرقت دو سارق منزل در خیابان سعیدی شمالی کشف و ضبط شده است. چندین قطعه کاشی قدیمی، آئینه‌های متعلق به دوره قاجار، کوزه و آفتابه‌های مفرغی و سفالی و... نیز در بازرسی پلیس پیدا شده است.

تصویری که از این دست‌نوشته منتشر شده، نشان می‌دهد که دارای مهر پادشاهی پهلوی است و توسط محمدرضا شاه فقید به امضا رسیده است.

در متن این دست‌نوشته به دستور شاه فقید برای ویرایش و اعراب‌گذاری قرآن با توجه به احتمال بالای تأویل و تغییر مفهوم قرآن، اشاره شده است. بر اساس گزارش پلیس، سارقان دو



## تهران از فهرست شهرهای امن جهان خط خورد!



امنیت شهرهای جهان بر اساس امنیت دیجیتال، بهداشت، زیرساخت‌ها و امنیت فردی سنجیده می‌شود.

تهران در شاخص شهرهای امن جهان در سال ۲۰۱۷ با رتبه‌های بسیار ضعیف قرار گرفته بود. پایتخت ایران دو سال پیش از نظر امنیت دیجیتال در رده پنجاه و پنجم، بهداشت در رده چهل و چهارم، امنیت زیرساخت‌ها در رده چهل و هشتم و در امنیت فردی در رده پنجاه و دوم قرار داشت. حالا در سال ۲۰۱۹ اصلاً از این فهرست حذف شده است.

از سوی دیگر، کشور ایران در تحقیقات یک خبرنگار و بلاگر سفر در سال ۲۰۱۹ برای تعیین کشورهای ناامن جهت سفر انفرادی زنان، در رده پنجم قرار گرفته است. ایران پرگردشگر جهان پس از آفریقای جنوبی، برزیل، روسیه و مکزیک در رده پنجم ناامن‌ترین کشور برای گردشگران زن قرار گرفته است.

جمهوری دومینیکن، مصر، مراکش، هند و تایلند در رده‌های بعدی قرار دارند.

در این تحقیقات شاخص‌هایی مانند قتل زنان، امنیت خیابان برای پیاده‌روی زنان در شب، خشونت جنسی از طرف افراد غیر از پارتنر و همسر، خشونت از طرف شریک زندگی، تبعیض قانونی، شکاف جنسیتی، نابرابری جنسیتی و نگرش خشونت‌آمیز علیه زنان در نظر گرفته شده‌اند.

این در حالیست که تهران در فهرست کلانشهرهای ایران همواره در

● **ایران، پس از آفریقای جنوبی، برزیل، روسیه و مکزیک در رده پنجم ناامن‌ترین کشور برای گردشگران زن قرار گرفته. جمهوری دومینیکن، مصر، مراکش، هند و تایلند در رده‌های بعدی قرار دارند.**

● **تهران در شاخص شهرهای امن جهان در سال ۲۰۱۷ با رتبه‌های ضعیف قرار داشت. پایتخت ایران از نظر امنیت دیجیتال در رده پنجاه و پنجم، بهداشت در رده چهل و چهارم، امنیت زیرساخت‌ها در رده چهل و هشتم و در امنیت فردی در رده پنجاه و دوم قرار داشته است و حالا پس از دو سال اصلاً از این فهرست حذف شده است.**

بر مبنای تازه‌ترین اطلاعات هفته‌نامه اکونومیست، تهران از ۲۰۱۹ خط خورده است. همچنین ایران در بین پنجاه کشور پرگردشگر جهان، در رتبه پنجم ناامن‌ترین کشور سال ۲۰۱۹ برای سفر انفرادی زنان قرار دارد.

در تازه‌ترین اطلاعات منتشر شده از سوی هفته‌نامه اکونومیست، در حالی که توکیو در سال ۲۰۱۹ در صدر فهرست امن‌ترین شهرهای جهان قرار گرفته، تهران پایتخت ایران بطور کلی از این فهرست خارج شده است.

تهران در گزارش شاخص شهرهای امن جهان در سال ۲۰۱۹ جزو ۶۰ شهر رتبه‌بندی شده مطلوب، متوسط و ضعیف هم قرار نگرفته است.

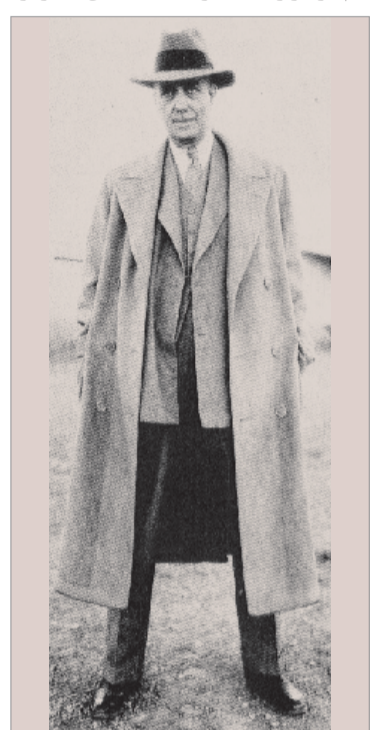
در این بین، دو شهر آسیایی سنگاپور و اوزاکا به ترتیب در رده‌های بعدی قرار گرفته‌اند. البته شهرهای آمریکایی شیکاگو و واشنگتن دی‌سی و لس‌آنجلس و سانفرانسیسکو از نظر امکانات و امنیت دیجیتال در مقام سوم تا پنجم قرار گرفته‌اند. در حالی که از نظر بهداشت، شهرهای اوزاکا و توکیو و استول مقام اول تا سوم را به خود اختصاص داده‌اند.

## دوقرن فرازونشیب مطبوعات در ایران (۱۳۴)

(کیهان لندن شماره ۱۳۱۵) **فاز نشر** احمد احرار

دولت ایران نیست که از تشریح مساعی با شرکت ما خودداری نماید. وثوق الدوله نخست‌وزیر سابق ایران که خود یکی از امضاکنندگان قرارداد خوشناری می‌باشد اکنون در لندن است و اظهار داشته حاضر است گواهی بدهد که امتیاز خوشناری قانونی بوده و در وضع عادی اعطا شده است.

فاتح ادامه می‌دهد: «همین که انگلیسی‌ها درک کردند که اعتراضات آنها بی‌فایده خواهد بود و بی‌اعتباری امتیازنامه خوشناری در نظر ایرانیان امر مسلمی می‌باشد و آمریکایی‌ها هم در اثر رقابت دیرینه با انگلیس‌ها درباره



لرد جان کدمن

تحصیل امتیازات نفت، کشمکش را ادامه خواهند داد تصمیم گرفتند که از در صلح و آشتی وارد شده و با آمریکایی‌ها سازشی نمایند. لذا لرد کدمن که تازه به‌عنوان مستشار فنی شرکت نفت بریتانیا تعیین شده بود مأمور گشت که به آمریکا رفته و راه حلی برای امتیاز نفت شمال پیدا کند. در ظاهر گفته شد که مسافرت کدمن برای این است که در مجمع عمومی سالیانه مؤسسه نفت آمریکا شرکت کند ولی در باطن مأموریت او این بود که به‌طور کلی بین منافع نفتی آمریکا و انگلیس سازشی بدهد.

کدمن در مجمع مزبور نطق مفصلی کرد و اظهار داشت که اصرار آمریکا برای اجرای سیاست «در گشوده» مورد قبول انگلیس‌ها می‌باشد و با این نطق و مذاکره خصوصی دیگری که با رؤسای شرکت‌های نفت آمریکا داشت یک تحول بزرگی در روابط بین شرکت‌های نفت آمریکا و انگلیس ایجاد کرد.

لرد کدمن در این مسافرت با اولیای شرکت نفت استاندارد وارد مذاکره شده و به آنها فهماند که طبق امتیاز داری، حق انحصار ایجاد لوله نفت به خلیج فارس در دست شرکت نفت بریتانیا می‌باشد و فرضاً که شرکت استاندارد نفتی در شمال ایران کشف و استخراج نماید صدور آن برایش مقدور نخواهد بود مگر آن که یا با روسیه شوروی سازشی کرده و از راه شمال استفاده نماید و یا این که با شرکت نفت بریتانیا قراری گذاشته اجازه احداث لوله را از آن شرکت به‌دست آورد. پس صلاح و مصلحت طرفین بر این است که امتیاز نفت شمال ایران بین شرکت استاندارد و شرکت نفت بریتانیا نصف شود. علاوه بر این لرد کدمن در باب شرکت کردن کمپانی استاندارد در نفت عراق و حق کاوش برای نفت در فلسطین (که تا آن وقت بین آمریکا و انگلیس گفتگوی زیادی در این مورد جریان داشت) قرار و مدارهایی با کمپانی استاندارد گذاشت و بالاخره شرکت استاندارد حاضر شد که درباره نفت شمال ایران با شرکت نفت بریتانیا شریک شده و متساویاً اقدام نماید.

در تاریخ سی‌ویکم دسامبر ۱۹۲۱ وزارت خارجه آمریکا و سفارت انگلیس در واشنگتن درباره مراتب زیر توافق حاصل کردند: «اگر برای هر یک از دولتین آمریکا و انگلیس لازم آید که تقاضای اقدامی درباره امتیاز خوشناری در ایران نمایند هیچ یک از دولتین مزبور اقدام قطعی بدون این که قبلاً دیگری را مطلع سازد، نخواهد کرد.»

به تدریج که اثرات مانع‌تراشی بریتانیا در برقراری روابط نزدیک بین ایران و آمریکا ظاهر می‌شد و کمپانی استاندارد اوایل برای انصراف از سرمایه‌گذاری در اکتشاف و استخراج نفت شمال ایران تردید نشان می‌داد، بر نومیذی قوام‌السلطنه از امکان اجرای اصلاحاتی که در نظر داشت می‌افزود:

او در آبان‌ماه ۱۳۰۰ به وزیر مختار ایران در آمریکا نوشت «اطلاع داده بودید به‌مجرد این که شوستر شروع به کار نماید یک میلیون دلار تهیه خواهد شد. حالا که شوستر داخل در عملیات شده است کوشش بفرمایید این یک میلیون دلار فوراً به دولت برسد. جداً اقدام نمایید که ششصد هزار لیره به‌حواله عایدات هذالسنه نفت جنوب که یک ماه بعد به دولت می‌رسد، قرض نمایید. تصور می‌کنم این استقراض موقتی اشکالی نداشته باشد زیرا بعد از یک سال وجه آن را کمپانی نفت خواهد پرداخت. در صورتی که اقدامات جنابعالی در این موضوع نتیجه سریع بدهد دولت چند ماه مجال خواهد داشت که اقدامات خود را با متانت تعقیب و در نتیجه جدید جنابعالی و مستر شوستر به استقراض و سایر مقاصد موفق شود و الا به‌واسطه نرسیدن مخارج اردو، که لاقلاً ماهی هفتصد هزار تومان باید داد، وضعیت مشکل و دولت حاضر مجبور به کناره‌گیری خواهد شد و معلوم نیست دولت آتیه چه نقشه‌ای را تعقیب نماید.»

علاء و شوستر مساعی خود را به‌کار بستند اما به نتیجه مطلوب نرسیدند. «بریتیش پترولیوم» رسماً اعلام کرد که اجازه نمی‌دهد عواید نفت جنوب وثیقه هرگونه وام خارجی از سوی دولت ایران قرار گیرد. دولت انگلیس نیز به دولت آمریکا هشدار داد که مناطق شمال ایران برای سرمایه‌گذاری استاندارد اوایل جای امنی نیست و اگر انگلستان پای خود را از این منطقه کنار بکشد کمونیست‌ها بر آن مسلط می‌شوند و به‌استناد امتیاز خوشناری تأسیسات کمپانی را مصادره خواهند کرد. در دی‌ماه ۱۳۰۰ وزیر مختار ایران طی تلگرافی به رئیس‌الوزراء، نومیذی خود را از پیشرفت مذاکرات با استاندارد اوایل منعکس ساخت ولی کوشید او را از کناره‌گیری منصرف کند: «تلگراف‌های حضرت اشرف زیارت. تأخیر انجام مساعده بواسطه دسائس و ضدیت دولت انگلیس است که امروز کشف شد که نمی‌خواهند استاندارد اوایل داخل ایران شود. متأسفانه رأی بزرگترین علمای حقوق آمریکایی استاندارد اوایل را تشویق نمی‌کند. یک هفته است شب و روز در نیویورک سعی دارد (دارم) کار تمام شود. لازم نیست عرض نمایم تا چه اندازه افسرده هستم. فوراً قطعاً تلگراف خواهیم کرد که چه واقع شده و اوضاع از چه قرار است. اگر با استاندارد ممکن نشد کار صورت بگیرد با کمپانی دیگر آمریکا مذاکره خواهیم کرد. واجب است حضرت اشرف به هیچ وجه تزلزل به خودتان راه ندهید زیرا افتادن کابینه در مقابل فشار خارجه برای مملکت بسیار مضر خواهد بود. مطمئن باشید که شوستر و بنده تا آخرین درجه اهتمام خواهیم کرد در آمریکا زود نتیجه گرفته شود و مایوس نیستیم - علائی»

مصطفی فاتح در «پنجاه سال نفت ایران» می‌نویسد: «دخالت‌های سفارتین روس و انگلیس در این امر (قرار داد با استاندارد اوایل) موجب تهییج احساسات مردم شد و نطق‌های بلغینی در مجلس بر علیه این گونه دخالت‌ها ایراد گردید و جرید وقت هم مقالات متعددی در نکوهش اقدامات روس و انگلیس چاپ کردند.

در همین ایام، سر چارلز گرینوی رئیس هیأت مدیره شرکت نفت (BP) نطقی در دوازدهمین مجمع عمومی صاحبان سهام ایراد کرده و چنین گفته بود: «برای اولین دفعه بین دولت ایران و شرکت نفت اختلاف عمده‌ای روی داده است. دولت ایران بدون هیچ دلیل موجهی مدعی شده است که امتیاز خوشناری از درجه اعتبار ساقط است زیرا امتیاز مزبور به تصویب مجلس شورای ملی نرسیده است و مذاکراتی را با شرکت نفت استاندارد شروع کرده است که امتیازی شامل همان نواحی امتیاز خوشناری به‌اضافه دو ایالت دیگر را به شرکت مزبور اعطا نماید. این عمل دولت که جنبه مصادره را دارد موجب تعجب بسیار گردیده و مسلماً به‌صلاح

## تأملات بهنگام؛ اجبار به حرکت در آخر بازی

اخلاق‌گرایان ریاکار شاغل در سیاست باشد. آنچه ترامپ تا امروز در عرصه سیاست داخلی و خارجی انجام داده، فارغ از اخلاقی یا غیراخلاقی بودن، کوچکترین تأثیر منفی بر محبوبیت او میان هوادارانش نگذاشته است. مردمی که به او رأی دادند با شناخت و هوشیاری، او را انتخاب کردند تا منافع آنها را تأمین کند.

آنچه فلسفه سیاسی ترامپ را می‌سازد شکلی بدوی از «رادهی معطوف به قدرت» است. از این منظر آنچه موجب فاجعه است، ضعف و جبن است نه قاطعیت. در چنین فلسفه‌ای، بزرگترین بی‌رحمی ضعیف بودن است و هیچ خصوصیتی برای یک حکمران کشنده‌تر از تردید نیست. به همین دلیل، محال است که ترامپ بدون دریافت امتیازاتی بزرگ، مقابل عمه آگره‌ی جمهوری اسلامی کوتاه بیاید و پایش را از گلوئی این فرقه‌ی تباهاکار بردارد.



فرقه‌ی تباهاکار و اعوان و انصارش، در وضعیتی هستند که چون زورشان نمی‌رسد زیر صفحه‌ی سیمانی بازی بزنند و آن را بهم بریزند، تنها به امید این معجزه نشستند که شطرنج‌باز مقابل، پشت میز بازی سکنه کند و بازی ناتمام بماند

برای ترامپ، سیاست همچون تجارت، عرصه‌ی محاسبه‌ی سود و زیان است. تقابل یا توافق با جمهوری اسلامی همچون توفیق یا تقابل با رژیم کره شمالی، در هر دو صورت، اگر سودورزانه و هوشمندانه انجام شوند، می‌تواند به تثبیت قدرت و ماندگاری ترامپ در مقام ریاست جمهور ایالات متحده کمک کند. برای بازرگانان بی‌رحمی از قماش ترامپ، مردم کشورهای چون ایران و کره شمالی در زمره‌ی حشرات‌الارض هستند. چه خوشمان بیاید و چه نیاید، زست‌ها و شعارهای حقوق بشری فقط ادا و اطوار برای بزک کردن چهره‌ی سیاست است و ترامپ برای این ادا و اطوارها، تره هم خرد نمی‌کند.

برخلاف نظر برخی به‌اصطلاح تحلیلگران سیاسی - که لحاف و تشک‌شان همیشه در رسانه‌هایی از قماش بی‌بی‌سی فارسی پهن است و برای استمرار ناندانی خودشان دل در گرو استمرار جمهوری اسلامی دارند - ترامپ هیچ عجله‌ای برای مذاکره با جمهوری اسلامی ندارد. در مقابل، معامله با ترامپ، برای حکومت اسلامی هم خطرناک و کشنده است. آنچه ترامپ و تیم سیاست خارجی‌اش از جمهوری اسلامی طلب می‌کنند، بقای نظام اسلامی را چنان به خطر می‌اندازد که این فرقه‌ی تباهاکار، حتی احتمال جنگ را به کنار آمدن با دولت فعلی آمریکا ترجیح می‌دهد. در وضعیت فعلی، توافق با ترامپ برای حکومت اسلامی، حکم تبدیل ماهیت از یک حکومت آخرازمایی موعودگرا به یک گداخانه‌ی بی‌هویت را دارد.

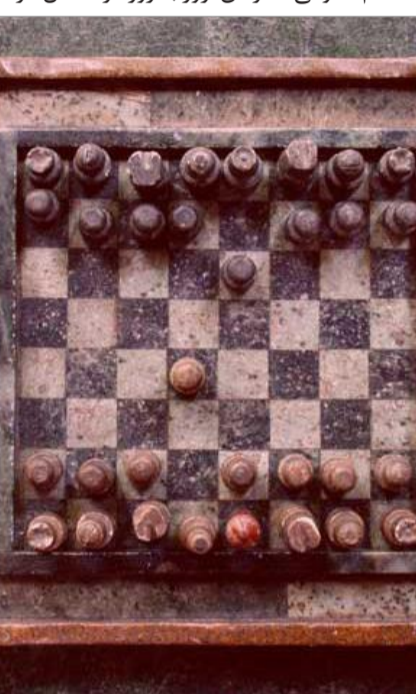
### تکمله

در قواعد بازی شطرنج، معمولاً در آخر بیشتر بازی‌ها، وضعیتی موسوم به «تسوک‌تسوانگ» (Zugzwang) رخ می‌دهد که در فارسی به «اکراه در حرکت» یا «اجبار در حرکت» ترجمه می‌شود. در این حالت، شطرنج‌باز رو به شکست، به خاطر اشتباهات پی در پی در طول بازی، در مراحل پایانی، مجبور به انجام حرکتی می‌شود که می‌داند به شکل هولناکی به ضررش تمام می‌شود اما از آنجا که نوبت بازی با اوست، چاره‌ای جز انجام آن ندارد. نتیجه‌ی چنین حرکتی، نزدیک‌تر شدن به باختی محتوم و فجع است. فرقه‌ی تباهاکار و اعوان و انصارش، در چنین وضعیتی هستند و چون زورشان نمی‌رسد زیر صفحه‌ی سیمانی بازی بزنند و آن را بهم بریزند، تنها به امید این معجزه نشستند که شطرنج‌باز مقابل، قبل از مات کردن آنها، پشت میز بازی سکنه کند و بازی ناتمام بماند.

این جماعت تباهاکار، از همان روزهای نخست به عرصه رسیدن، به واسطه‌ی باور به معجزه و امید به ظهور منجی، توان برقراری رابطه با واقعیت را نداشتند و ندارند. واقعیت اما این است که با ترامپ یا بدون ترامپ، بنا به شواهد ملموس، جمهوری اسلامی آخرین مراحل حیات خودش را می‌گذراند. حرکات اجباری این چند روز اخیر ظریف و روحانی، علائم جان‌کندن است نه احیاء

می‌شود که اداره‌کنندگان «شرکت سهامی جمهوری اسلامی» در مدیریت این شرکت زیان‌ده دچار بن‌بست شده‌اند. در حال حاضر، درآمدها و دارایی‌های شرکت نه تنها تکافوی هزینه‌های آن را نمی‌دهد بلکه به واسطه‌ی تدابیر رقبای قوی‌تر، حتی فروش اموال شرکت و استفاده از ارز حاصله برای جلوگیری از اعلام ورشکستگی آن هم ممکن نیست. طبیعی است که در چنین وضعیتی، هرگونه دیدار با رقبا و به تبع آن حساسی از اوضاع شرکت، حکم خودکشی دارد.

مجموعه‌ی بحران‌های داخلی حکومت اسلامی به منتهای درجه رسیده و تمامیت نظام اسلامی به واسطه‌ی فساد عمیق و فقدان مدیریت، روی لبه‌ی پرتگاه ایستاده است. برای نخستین بار در چهل سال اخیر، طیف متنوعی از ناراضی‌های و خشم عمومی هم‌زمان، روز به روز در اشکال تازه



خیال خام انداخت که دیدار روحانی و ترامپ، نزدیک است. کمتر از بیست و چهار پس از سخنان رئیس‌جمهور فرانسه اما این امید واهی نقش بر آب شد. برای فهم اینکه چرا ماجرای این دیدار خیالی، چنین مضحک پیش رفت، ذکر چند نکته بی‌فایده نخواهد بود.

**(الف) این فرانسوی‌های نامطمئن!**  
از ژنرال جورج پاتون (George S. Patton)، فرمانده‌ی فرهمند ارتش سوم ایالات متحده در سال پایانی جنگ جهانی دوم، نقل است که: «من ترجیح می‌دهم بجای یک لشکر فرانسوی پشت سرم، یک لشکر آلمانی در برابر داشته باشم!» (I would rather have a German division in front of me than a French one behind me).

کنایه و تحقیری که در این جمله نهفته است - می‌شود آن را به چند شکل متفاوت به فارسی برگرداند - اصل مطلب همانا به اتکناپذیری و ناستواری فرانسوی‌جماعت از دید یک ژنرال آمریکایی بر می‌گردد. نمونه‌ی بارز و عصاره‌ی سخن ژنرال پاتون را می‌شود در رفتار و گفتار امانوئل ماکرون رئیس‌جمهور جوان و موج‌سوار فرانسه دید. رفتار و گفتار این نوریسده‌ی سیاسی که بر جایگاه دوگل و میتران نشسته، ملغمه‌ای از اطوار و جاه‌طلبی‌های یک تکنوکرات نئولیبرال بی‌بته و یک زمال خر مرد رند خوش خیال است. دست و پا زدن‌های این تازه از راه رسیده‌ی عالم سیاست برای خودنمایی در بازی بزرگان، کارش را به جایی رسانده که موجود پلشتی چون جواد ظریف در کمتر از بیست و چهار ساعت، او را بابت پیشنهاد دیدار مستقیم ترامپ و روحانی، سنگ روی یخ کند. اینکه امکان چنین دیداری در وضع فعلی محال است، نیازی به دانش وسیع سیاسی یا دسترسی به اخبار خفیه ندارد. اگر رئیس‌جمهوری فرانسه ناگاهانه به وقوع چنین دیداری دل خوش کرده، نشان از بی‌اطلاعی او از محتوای نمایشی می‌دهد که تصمیم به نقش‌آفرینی در آن گرفته است.

بدون تعارف، در صد سالی که از معاهده‌ی ورسای و پایان جنگ جهانی اول می‌گذرد، دولت فرانسه هیچ کنش واقعی و تأثیر جدی در سیاست بین‌الملل نداشته و هر چه زمان به پیش رفته، تذبذب و بی‌عملی همراهِ با شکست و باج‌دهی را سرلوحه‌ی رفتار سیاست خارجی خود قرار داده است. این رویه‌ی نامیوم، همراه شده با انقراض نسل افراد بزرگ سیاسی در این کشور صاحب فرهنگ؛ از دوگل به ماکرون رسیدن، از سقوطی آزاد با سرعتی سرسام‌آور خبر می‌دهد!

**(ب) «شرکت سهامی جمهوری اسلامی»:**  
**ورشکسته به تقصیر**  
از بلاهت رئیس‌جمهور فرانسه که بگذریم، دست و پا زدن‌های مدام و بی‌حاصل تباهاکاران سهامدار «شرکت سهامی جمهوری اسلامی» نیز حکایت از شرایطی اضطراری دارد. اگر آدمیزاد چشم باز و هوش متعارف داشته باشد، متوجه

مهم‌ترین علت ماندگاری جمهوری اسلامی، برخلاف ادعاهای مسخره‌ی هواخواهانش، نه قدرت و مدیریت درست حکومت بلکه بی‌عملی و تردید رهبران چهار دهه‌ی اخیر ایالات متحده آمریکا بوده است. پس از قریب به چهل سال، ظهور دونالد ترامپ در عرصه‌ی سیاست آمریکا، به این بی‌عملی و تردید پایان داده است.

یوسف مصدقی - دوشنبه گذشته (چهارم شهریور ۱۳۹۸)، سخنان امانوئل ماکرون در کنفرانس خبری‌اش با دونالد ترامپ، عده‌ای ساده‌اندیش مدعی سیاست‌شناسی را به این



خیال خام انداخت که دیدار روحانی و ترامپ، نزدیک است. کمتر از بیست و چهار پس از سخنان رئیس‌جمهور فرانسه اما این امید واهی نقش بر آب شد. برای فهم اینکه چرا ماجرای این دیدار خیالی، چنین مضحک پیش رفت، ذکر چند نکته بی‌فایده نخواهد بود.

پیش‌بینی‌ناپذیر ظهور کرده و از کان پوسیده و فاسد حکومت را می‌لرزاند. حجم و عمق فساد مالی و اقتصادی در بدنه‌ی فرقه‌ی تباهاکار، به جایی رسیده که هر روز شاهد تشکیل دادگاه‌های نمایشی برای رسیدگی به جرائم اقتصادی وابستگان و منسوبین «بزرگان» نظام هستیم. از دیگر سو، مخاطرات پیش روی حکومت جمهوری اسلامی متنوع، عظیم و علاج‌ناپذیر شده است. لشکر جوانان و میانسالان بی‌کار و بی‌آینده، خیل کارگران گرسنه‌ی بی‌حقوق، زنان آزادخواه تحقیرشده، مالباختگان غارت‌شده‌ی بنگاه‌های ورشکسته‌ی اقتصادی، درواش سرکوب‌شده و جان به لب‌رسیده، شهرها و روستاهای مواجه با بحران‌های زیست محیطی، قومیت‌های مجروح از تبعیض‌های فزاینده، اقلیت‌های متهم به جاسوسی و دگراندیشان ترسان از فتوای قتل وارتداد، همگی در مرحله‌ی نهایی تحمل و طاق خود بسر می‌برند. با این اوصاف، برای فروپاشی این حکومت متعفن و ایسگرا، به قول اهل منطق: مقتضی موجود و مانع مفقود است!

**(ج) دونالد ترامپ: بی‌رحمی در تجارت و سیاست**  
مهم‌ترین علت ماندگاری جمهوری اسلامی، برخلاف ادعاهای مسخره‌ی هواخواهانش، نه قدرت و مدیریت درست حکومت بلکه بی‌عملی و تردید رهبران چهار دهه‌ی اخیر ایالات متحده آمریکا بوده است. پس از قریب به چهل سال، ظهور دونالد ترامپ در عرصه‌ی سیاست آمریکا، به این بی‌عملی و تردید پایان داده است. سیاست ترامپ برای تغییر رفتار رژیم و استفاده از همه‌ی امکانات علیه حکومت ملایان، بعلاوه‌ی بحران‌های اساسی و جاری در عمق جامعه، باعث شده که جمهوری اسلامی برای اولین بار در عمر خود، هیچ شانسی برای بقا نداشته باشد. تمام راه‌های گریز در حال بسته شدن است و موش‌ها به سرعت در حال گریختن از کشتی شکسته‌ی نظام هستند.

بزرگترین توانایی دونالد ترامپ از دید صاحب این صفحه‌کلید، این است که سرشت بشر را به خوبی می‌شناسد و این باعث می‌شود که سیاست‌تورزی‌اش را نه بر مبنای یک مشت اباطیل رایج در آکادمی بلکه با تکیه بر تجربه‌های واقعی یک بازرگان سودجو و بی‌رحم تنظیم کند. او در همه‌ی رفتار و تصمیمات سیاسی‌اش - همچون رفتارش در دنیای تجارت و ساخت و ساز - نقاط ضعف نوع بشر را نشانه می‌گیرد، رقیب را تحقیر و سپس منکوب می‌کند. از آنجا که دل‌بسته‌ی اصول خاصی نیست، دچار تعارض با خودش نمی‌شود. بدترین خصائص بشری را بدون تعارف در ویترین می‌گذارد و به شکست‌خوردگان و بازندگان پیام می‌دهد که اگر از او حمایت کنند، به نمایندگی از همه‌ی آنها، حال دشمنانشان را خواهد گرفت. از سوی دیگر، ترامپ بر مبنای اخلاق هم رئیس‌جمهور نشده تا نگران حملات



شوروی. اخیراً کتاب مستند و بسیار مهم The Oil Kings («سلطین نفت») نوشته Scott Cooper روابط پنهان و آشکار آمریکا با خمینی و کمک‌های آقای کارتر به او و عواملش را بر ملا کرده است!

این آقای کارتر از همان موقع، شروع کرده بود که یک خط مستقیم را برود تا سال بعد برای بار دوم بتواند به ریاست جمهوری آمریکا انتخاب شود. حال ایران از بین می‌رود به جهنم! کارها درست پیش نمی‌رود به درک! من باید برای خودم ترتیبی بدهم که بتوانم دوباره انتخاب بشوم!

● در تأیید حرف شما، کارتر در جایی می‌گوید که: در گذشته سرنوشت انتخابات آمریکا را فلان ایالت آمریکا تعیین می‌کرد، در حالی که سرنوشت انتخابات آینده، آمریکا، در ایران تعیین می‌شود. (منظور مسئله گروگان‌ها... بود)

حقیقتاً اگر کارتر آنقدر عقل داشت که بداند سرنوشت انتخابات آمریکا در ایران تعیین می‌شود، چرا همان حرف‌هایی را که چند ماه قبل در ایران زده بود ادامه نداد؟ کارتر گفته بود: «ایران جزیره ثبات است و من آمده‌ام از ایران یاد بگیرم که چکار کنم».

شما موضع‌گیری‌های کارتر را از اوایل ۱۹۷۹ تا ۲ ماه قبل از خروج شاه نگاه کنید می‌بینید که روز به روز تردید و تناقض در گفته‌های او بیشتر می‌شود به طوری که وقتی به «گوداولوپ» می‌رود خودش پرچمدار سرنگونی شاه می‌شود! در این زمان بعضی از روزنامه‌ها، ایران را متهم کردند که این کشور در انتخابات جمهوری خواهان کمک مالی کرده. یکی از این اتهامات به خود من وارد شده بود که چقدر خوشحالم که الان یادم انداختید که این مطلب را بگویم.

وقتی که از آمریکا به آلمان آمد، موقعی بود که ماجرای واترگیت در آمریکا مطرح بود و آقای نیکسون استعفا داد و رفت و روزنامه‌ها تمام کارهای نیکسون را افشاء کرده بودند. یکی از آن مطالب این بود که نیکسون برای انتخابات کمک مالی گرفته. البته شاید شخص خودش نه، بلکه حزب‌اش. یکی از آن‌ها چندین میلیون دلار کمک شاه از ایران به نیکسون بود. روزنامه نویس معروفی به نام «جک اندرسون» در روزنامه «واشنگتن پست» نوشت که افشار، سفیر ایران در آمریکا که ضمناً سفیر ایران در مکزیک است، از بانک «دی روما» مکزیک مبلغ ۸ میلیون دلار گرفته و با استفاده از پاسپورت سیاسی‌اش این پول را همراه آورده و به عنوان کمک انتخاباتی به نیکسون داده است.

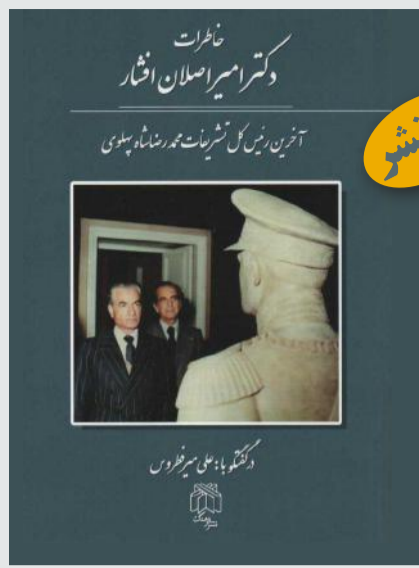
من وقتی که این خبر را خواندم خیلی ناراحت شدم برای اینکه چنین چیزی اصلاً حقیقت نداشت و با این مقاله می‌خواستند ما را خراب کنند.

زمانی، اعلیحضرت به من گفته بودند که اگر پیامی به صورت رمز هم بفرستید، باز هم محرمانه نمی‌ماند، به خاطر اینکه یک مأمور داریم که رمز را می‌خواند، یکی هم آن را کشف می‌کند، در نتیجه این مسائل به کلی محرمانه نمی‌ماند. مطلب اگر خیلی محرمانه است با دست بنویسید و برای من بفرستید که من آن را بخوانم و بعد، آن را پاره کنم... من این مسئله را با دست نوشتم که: اعلیحضرت، من نه پولی بردم، نه از پاسپورت سیاسی‌ام سوءاستفاده کردم، نه به دستگاه نیکسون کمک کردم. اجازه بفرمایید که من این روزنامه را «سو» بکنم، به خاطر اینکه به یک سفیری اتهام زده است... اعلیحضرت فرمودند: نه، فراموش کنید و اصلاً صدایش را در نیابید و چیزی هم راجع به این موضوع نگویید.

خوب! این جور تبلیغات بی‌شک روی دموکرات‌ها تأثیر داشت و با توجه به اینکه اعلیحضرت، به طور سنتی، دوست جمهوریخواهان بود، می‌توانست حس انتقام جوئی در سران دموکرات‌ها در کاخ سفید به وجود آورد.

● یعنی رژیم شاه هیچگونه کمکی به جمهوریخواهان نکرده بود؟!

عرض کردم! شاه سنتاً دوست و همراه جمهوریخواهان بود و ما، در حقیقت، راه را برای نیکسون باز می‌کردیم که انتخاب شود. البته نه از نظر مالی بلکه از نظر سیاسی. آقای کارتر اگر عاقل بود، می‌توانست دوستی و صمیمیت‌اش را با ایران قوی‌تر کند چون ایران در تمام خاورمیانه نفوذ داشت. چرا موقعی که کیسینجر در آن موقع به پاکستان شرقی (بنگلادش فعلی) رفته بود و از آنجا محرمانه به چین رفته بود که روابط بین آمریکا و چین را برقرار بکند، که بعداً گفته شد نیکسون درهای چین را به روی دنیا باز کرد، و بعد خود نیکسون رسماً به چین رفت، چطور اعلیحضرت آن موقع این خبر را از طریق من به اطلاع محدظاظر شاه رساند؟ در حالی که ما آقای جهانگیر تفضلی را در افغانستان داشتیم. چون می‌خواستند که این موضوع محرمانه بماند. نیکسون حتی قرار بود به ایران بیاید. ادامه دارد



در دوران زندگی سیاسی و دیپلماتیک خود، دارای مشاغل مهم و حساس، از جمله سفارت ایران در آمریکا و هلند و اتریش، رابط سفارت ایران با دیوان دواوری بین‌المللی لاهه در دوران ملی شدن صنعت نفت، رئیس شورای حکام سازمان بین‌المللی انرژی اتمی بوده است. تا آخرین روز زندگی محمدرضا شاه در کنار وی بود و از این دوران خاطرات به یادماندنی دارد.

بود که هیچکس درک درستی از اوضاع ایران نداشته باشد. در حالی که سازمان «سیا» در مردادماه ۵۷ گزارش کرد که: «در ایران هیچ علامت یا موقعیت انقلابی به چشم نمی‌خورد»، سولیوان در آذر ۵۷ ضمن ضرورت تغییر رژیم شاه، گزارش داد: «اگر آیت‌الله خمینی به ایران بیاید، هیچ نقشی در سیاست نخواهد داشت. او نظیر گاندی خواهد بود و توجه چندانی به قدرت سیاسی نخواهد داشت».

● در آخرین روزها، اوضاع کاخ قبل از خروج شاه از ایران چگونه بود؟ با توجه به اعتصابات و تظاهرات مردمی، آیا خللی در



در دیدار رسمی محمدرضا شاه پهلوی از آمریکا در سال ۱۹۷۷ مخالفان نظام پادشاهی در اطراف کاخ سفید تظاهرات می‌کردند

نقش مؤثری در سیاست نخواهد داشت و در قم سکونت خواهد کرد، باید بگویم که همین مسئله، بی‌سوادی یا عدم شناخت سولیوان از افکار خمینی را نشان می‌دهد. از طرف دیگر، سفیری که با مردم صحبت نکرده و نظریات مردم را ندیده، ترقیات ایران را ندیده، دوستی فوق العاده نزدیک کشور ما را با مملکت خودش ندیده و متوجه نشده که ایران یکی از بزرگترین مدافعین آمریکا در خاورمیانه است، باید حقیقتاً به شعور این آدم شک کرد. اصلاً در کاخ سفید از اول با مأموریت سولیوان به ایران اختلاف وجود داشت و به همین جهت اعزام وی به ایران چند ماه با تأخیر همراه بود!

آمریکایی‌ها وقتی می‌خواهند به کسی شغلی بدهند باید متقاضیان، یک امتحان فیزیکی هم بدهند برای همین هم هست کسانی که در آمریکا می‌خواهند رئیس جمهور شوند یک هفته مانده به انتخابات در جنگل‌ها می‌دوند یعنی ما جان داریم و می‌توانیم بدویم و ورزش کنیم و می‌توانیم مملکت را داره کنیم. آنوقت چطور آخوندی را که فقط در حوزه قم یا نجف و یا در زیر درخت سیب نشسته، این آدم را برای اداره کردن یک مملکت لایق می‌دانند؟! بخصوص که خمینی کتابش (حکومت اسلامی) را سال‌های قبل نوشته بود و مسئولان کاخ سفید حتماً آن را خوانده بودند! البته تلقین‌های کسانی مانند آقای قطب زاده و ابراهیم یزدی و بنی صدر در باره «اندیشه‌های دموکراتیک آیت‌الله خمینی» خیلی مؤثر بود. بنابراین، مسئله اصلی سرنگونی شاه بود و ایجاد یک «کمربند سبز» در مقابله با کمونیسم

دکتر امیراصلان افشار در گفتگو با علی میرفطروس: (۵)

## شاه: صدای انقلاب شما را شنیدم!

وقتی دستنویس این پیام را به دست شاه دادند تا برای پخش از رادیو و تلویزیون قرائت کند با عصبانیت گفت: نه! من نباید این حرف‌ها را بزنم

اختلاف نظر اطرافیان جیمی کارتر درباره ایران. خاطرات دکتر افشار، کتابی است در ۷۲۰ صفحه، شامل یک دوره ۴۴ ساله از ظهور فاشیسم هیتلری در آلمان تا ظهور آیت‌الله خمینی در ایران و حاصل مصاحبه طولانی علی میرفطروس با آخرین رئیس تشریفات دربار شاهنشاهی در سال‌های قبل از انقلاب.

گفتگو کنند و به آنها نسبت به خطر قدرت‌گیری خمینی برای ایران و منطقه هشدار دهند. این گونه سفرهای توجیهی، در زمان کندی هم صورت گرفته بود که پس از ملاقات، کندی چنان تحت تأثیر سخنان شاهنشاه قرار گرفته بود که تبلیغات کنفدراسیون و برخی از افراد دفتر کندی در کاخ سفید دیگر اثری نداشت.

● در آخرین روزها، اوضاع کاخ قبل از خروج شاه از ایران چگونه بود؟ با توجه به اعتصابات و تظاهرات مردمی، آیا خللی در

دکتر امیراصلان افشار، در خاطرات خود از چند رویداد مهم که تأثیر زیاد در سرعت گرفتن ماشین انقلاب و انتقال سلطنت از شاه به آخوند داشت، سخن می‌گوید: واقعه هفدهم شهریور در میدان ژاله تهران به دنبال اعلام حکومت نظامی در دولت شریف امامی، حادثه سینما رکس آبادان که به استعفای دکتر جمشید آموزگار از نخست‌وزیری منجر شد، بیماری شاه و

تمام این آقایان، هیچکدام‌شان از این پیام اطلاعی نداشتند. در هر حال پیام پخش شد که اثرش، همانطور که شما فرمودند گستاخ کردن آقای خمینی و تشویق بیشتر هوادارانش بود. ساعتی بعد از پخش پیام، اعلیحضرت راجع به این نطق سؤال فرمودند و گفتند: الساعه شریف امامی تلفن کرد و گفت: پیام، بسیار عالی بود! به سفیر آمریکا تلفن کردم و پرسیدم: شما نطق اعلیحضرت را شنیدید یا نه؟ و نظراتان چیست؟ آقای سالیوان به من گفتند: نه! من نشنیدم! دارند آن را ترجمه می‌کنند... با آقای

قرار بود طبق معمول، اعلیحضرت زنگ بزنند تا آقایان پیام را به حضور ایشان ببرند و اعلیحضرت پشت میزشان این پیام را بخوانند. در این موقع که همه ما منتظر بودیم تا اعلیحضرت ما را احضار کنند، ناگهان، خود اعلیحضرت در باز کردند و آمدند توی دفتر من. من بلافاصله بلند شدم تا اعلیحضرت جای من بنشینند، ولی گفتند: نه! نه! بنشینید! همان جا بنشینید!... خود اعلیحضرت روی صندلی بروی من نشستند. بعد آقای قطبی پیام را به حضور اعلیحضرت دادند. اعلیحضرت به دقت پیام را خواندند و مرور کردند و چند دقیقه‌ای طول کشید و بعد با عصبانیت پیام را روی میز من انداختند و دو بار فرمودند: «من نباید این حرف‌ها را بزنم! من نباید این حرف‌ها را بزنم!...» آقای قطبی و آقای سید حسین نصر عرض کردند: اعلیحضرت! الان موقعی رسیده که اعلیحضرت باید مطالبی را بفرمایند که برای ملت قابل قبول باشد و ملت هم آمادگی دارد ببیند اعلیحضرت چه می‌فرمایند. الان موقعی است که اعلیحضرت خودشان را در ردیف ملت بگذارند و طوری فرمایش بفرمایند که ملت قبول کند...

اعلیحضرت چیزی نگفتند و به اطاق‌شان رفتند و این پیام هم روی میز من ماند. بعد دیدند که دیر می‌شود و تا ساعت پخش اخبار، وقتی نماند، اعلیحضرت، بار دیگر من را صدا کردند و من پیام را بردم پشت میزشان و اعلیحضرت شروع کردند به خواندن آن پیام.

بنابراین: اینکه آقای سید حسین نصر گفته‌اند که «من قبلاً چندین بار این پیام را برای اعلیحضرت خواندم و پذیرفتم و بعد هم نطق کردند»، اصلاً حقیقت ندارد، چون ساعت ۵/۱۱ صبح، موقعی که قرار بود پیام برای خواندن به دست اعلیحضرت برسد، به من فرمودند: «این پیام چرا نمی‌آید؟ کجاست این پیام؟ بگویید بیاورند، برای اینکه من بایستی اقلاً یکی دو بار آن را بخوانم که در موقع خواندن تیغ تزنم...» پس معلوم است که پیامی که می‌آمد، ابتدا به ساکن بود و آورده بودند که اعلیحضرت همانطور که هست آن را بخوانند، اگر پیام، خوب بود و با نظر اعلیحضرت تهیه شده بود، پس چرا اعلیحضرت پیام را پرت کردند و گفتند: من این حرف‌ها را نباید بزنم؟!... پس معلوم است که حرف‌های آقای سید حسین نصر به کلی بی‌اساس است. شاه در آن پیام، می‌بایست از کارها و خدمات خودشان به ایران و ایرانی صحبت می‌کردند و در برابر امواج انقلابی، می‌بایستی قاطعیت و ایستادگی نشان می‌دادند.

● فکر نمی‌کنید که در خود شخص شاه، عزم و اراده‌ای برای مقابله با بحران وجود نداشت؟

ببینید! همانطور که توصیه‌های متضاد و گاه متناقضی از کاخ سفید به سولیوان می‌رسید، در خود دربار هم، توصیه‌های متضاد و متناقضی به اعلیحضرت می‌شد. هر یک از دولتمردان و رجال سیاسی کشور، توصیه و پیشنهادی می‌کردند و اعلیحضرت در میان آن همه توصیه‌ها، حیران مانده بودند. با توجه به دشمنی سولیوان با شاه، اعلیحضرت معتقد بودند که سولیوان گزارش درستی از اوضاع ایران به آمریکا می‌کند. به همین جهت می‌خواستند با سفری به آمریکا، با شخص کارتر و مقامات وزارت امور خارجه درباره اوضاع ایران

● ع.ع - «من، صدای انقلاب شما را شنیدم!»، پیامی که به نظر عموم کارشناسان، باعث تشویق انقلابیون و قدرت‌گیری آیت‌الله خمینی گردید! شما در جریان نوشتن این پیام شاه بودید؟

۱- بله! روزی که آقای ازهری کابینه‌شان را معرفی کردند و رفتند، اعلیحضرت بدون آن که قبلاً کمترین صحبتی در این باره کرده باشند، حدود ساعت ۱۱ - ۵/۱۱ صبح به من فرمودند: قرار است که من پیامی برای ملت ایران بفرستم و آن پیام را الان برای من خواهند آورد تا در ساعت ۲ بعد از ظهر از برنامه اخبار رادیو و تلویزیون پخش شود... روزنامه‌نویس‌ها و فیلمبردارهایی که برای گزارش کابینه آقای ازهری آمده بودند، برای ضبط پیام اعلیحضرت همانجا اندند. مدتی طول کشید و خبری از پیام نشد. پرسیدم که چرا دیر شده و پیام را نمی‌آورند؟ به من تلفن کردند و گفتند: پیام را آقای سید حسین نصر و آقای رضا قطبی آورده‌اند و به اتفاق، حضور اعلیحضرت برده‌اند. من به اعلیحضرت گفتم: قربان! پیام آمده است و برده‌اند حضور اعلیحضرت... اعلیحضرت با کمی عصبانیت، گفتند: آخر این پیام چه ربطی به اعلیحضرت دارد؟! مگر اعلیحضرت می‌خواهند نطق کنند؟! چرا برده‌اند آنجا؟ بگویید زود بیآورند اینجا!...

حدود ساعت ۵/۱۲، آقایان سید حسین نصر و رضا قطبی به دفتر من آمدند، پیام را آوردند و نشستند. من هم محض احتیاط، آقای اصلانی (که الان در کانادا هستند) و خانم سوادیه انصاری، منشی تشریفات (که الان در لندن هستند)، این دو نفر را خواستم که بیایند تا اگر قرار باشد چیزهایی نوشته یا اقدامی بشود، حاضر باشند.

آقایان سید حسین نصر و رضا قطبی در دفتر من منتظر ماندند و من حضور اعلیحضرت رفتم و عرض کردم که آقایان آمده‌اند و پیام را آورده‌اند. اعلیحضرت گفتند: خیلی خوب! باشه! خبر می‌دهم...

قرار بود طبق معمول، اعلیحضرت زنگ بزنند تا آقایان پیام را به حضور ایشان ببرند و اعلیحضرت پشت میزشان این پیام را بخوانند. در این موقع که همه ما منتظر بودیم تا اعلیحضرت ما را احضار کنند، ناگهان، خود اعلیحضرت در باز کردند و آمدند توی دفتر من. من بلافاصله بلند شدم تا اعلیحضرت جای من بنشینند، ولی گفتند: نه! نه! بنشینید! همان جا بنشینید!... خود اعلیحضرت روی صندلی بروی من نشستند. بعد آقای قطبی پیام را به حضور اعلیحضرت دادند. اعلیحضرت به دقت پیام را خواندند و مرور کردند و چند دقیقه‌ای طول کشید و بعد با عصبانیت پیام را روی میز من انداختند و دو بار فرمودند: «من نباید این حرف‌ها را بزنم! من نباید این حرف‌ها را بزنم!...» آقای قطبی و آقای سید حسین نصر عرض کردند: اعلیحضرت! الان موقعی رسیده که اعلیحضرت باید مطالبی را بفرمایند که برای ملت قابل قبول باشد و ملت هم آمادگی دارد ببیند اعلیحضرت چه می‌فرمایند. الان موقعی است که اعلیحضرت خودشان را در ردیف ملت بگذارند و طوری فرمایش بفرمایند که ملت قبول کند...

اعلیحضرت چیزی نگفتند و به اطاق‌شان رفتند و این پیام هم روی میز من ماند. بعد دیدند که دیر می‌شود و تا ساعت پخش اخبار، وقتی نماند، اعلیحضرت، بار دیگر من را صدا کردند و من پیام را بردم پشت میزشان و اعلیحضرت شروع کردند به خواندن آن پیام.

بنابراین: اینکه آقای سید حسین نصر گفته‌اند که «من قبلاً چندین بار این پیام را برای اعلیحضرت خواندم و پذیرفتم و بعد هم نطق کردند»، اصلاً حقیقت ندارد، چون ساعت ۵/۱۱ صبح، موقعی که قرار بود پیام برای خواندن به دست اعلیحضرت برسد، به من فرمودند: «این پیام چرا نمی‌آید؟ کجاست این پیام؟ بگویید بیاورند، برای اینکه من بایستی اقلاً یکی دو بار آن را بخوانم که در موقع خواندن تیغ تزنم...» پس معلوم است که پیامی که می‌آمد، ابتدا به ساکن بود و آورده بودند که اعلیحضرت همانطور که هست آن را بخوانند، اگر پیام، خوب بود و با نظر اعلیحضرت تهیه شده بود، پس چرا اعلیحضرت پیام را پرت کردند و گفتند: من این حرف‌ها را نباید بزنم؟!... پس معلوم است که حرف‌های آقای سید حسین نصر به کلی بی‌اساس است. شاه در آن پیام، می‌بایست از کارها و خدمات خودشان به ایران و ایرانی صحبت می‌کردند و در برابر امواج انقلابی، می‌بایستی قاطعیت و ایستادگی نشان می‌دادند.

● معمولاً نطق‌های شاه را آقای دکتر شجاع‌الدین شفا می‌نوشتند، آیا ایشان در آن روز در دربار نبودند؟

نخیر! آقای دکتر شفا نبودند. اصلاً هیچکس از این پیام اطلاعی نداشت. بعد از انقلاب هم کسی ندانست که چه کسی این را تهیه کرده. من چندین دفعه شنیدم که این نطق را آقایان اردلان، انتظام، دکتر امینی، شریف امامی و... تهیه کرده‌اند. در حالی که

## روحانی «آرامش» دروغ می گوید؛ مظنه‌ی کدام بازار را در نظر دارید، آقای رئیس جمهور؟

شده که در فروردین ماه سال جاری و کمتر از دو ماه پیش این نهاد بین‌المللی در برآوردی درباره وضعیت اقتصادی ایران آورده بود که اقتصاد ایران بیش از پیش‌بینی‌ها و حدود ۳۸ درصد کوچک‌تر خواهد شد.

صندوق بین‌المللی پول نیز رشد اقتصادی ایران در سال ۲۰۱۹ را منفی ۶ درصد پیش‌بینی کرده است. بانک جهانی نیز نرخ رشد اقتصادی ایران را برای همین مدت زمانی منفی ۴.۵ درصد برآورد کرده است.

حسن روحانی در حالی در سخنان خود به صادرات غیرنفتی اشاره کرده است که بخش صنعت به عنوان یکی از مهمترین محوره‌های صادرات غیرنفتی در کما قرار دارد. تورم تولیدکنندگان بخش صنعت در سال ۱۳۹۷ با افزایش ۱۴.۱ درصدی روبرو شده و تورم تولیدکنندگان بخش صنعت در زمستان ۱۳۹۷ نسبت به مدت مشابه سال پیش از آن ۸۹.۲ درصد افزایش داشته است. این در حالیست که بدترین عدد رشد اقتصادی ۹ ماه نخست سال ۱۳۹۷ مربوط به رشد اقتصادی بخش صنعت با رقم منفی ۷.۸ درصد بوده است.

در آنسو، جدا از افزایش قیمت‌ها در بازار مسکن به عنوان یکی از بزرگترین بازارهای ایران، رکود نیز مدت‌هاست گریبان این بازار را گرفته و هر فصل نیز عمیق‌تر شده است. بهار گذشته تعداد معاملات در مقایسه با فصل مشابه سال پیش بیش از ۴۵ درصد افت کرد. اما در بهار سال گذشته بازار مسکن تهران در مقایسه با بهار سال ۱۳۹۶ شاهد رونق ۹ درصدی معاملات بود.

### با سیل بیکاران و ناراضیان چه می‌کنید، استاد تدبیر؟

رکود تورمی در بخش‌های مختلف تولیدی و صنعتی موجی از بیکاری را در کشور ایجاد کرده است. هر چند دولت با دستکاری آمار مدعی شده بود که نرخ بیکاری در سه ماهه بهار سال جاری کاهش ۱.۳ درصدی داشته و نرخ بیکاری به ۱۰.۸ درصد رسیده است، کارشناسان و مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی این ادعا را رد کردند.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی با انتشار گزارشی نوشته بود که در بهار ۱۳۹۸ نسبت به فصل مشابه سال قبل، جمعیت فعال ۴۳ هزار نفر کاهش داشته است. همچنین نرخ مشارکت در بهار ۱۳۹۸، ۶.۴۰ درصد بوده است که نسبت به بهار ۱۳۹۷ با کاهش ۵ درصدی روبرو شده است. این بدان معناست که عده‌ای که به ادعای دولت از جمعیت بیکاران حذف شده‌اند در واقع افرادی هستند که از یافتن شغل ناامید شده و از بازار اشتغال خارج شده‌اند؛ نه اینکه دولت اشتغالزایی کرده و این افراد الان شاغل هستند! گزارش دیگری از سوی مرکز آمار نیز نشان می‌دهد که جدا از افزایش مهاجرت ایرانیان به خارج از کشور برای داشتن شغل و موقعیت بهتر، موج مهاجرتی نیز در درون ایران آغاز شده است. این موج از یکسو نشان از مهاجرت روستاییان و ساکنان شهرستان‌های کوچک به سوی شهرهای بزرگ به امید یافتن شغل و زندگی بهتر است. از سوی دیگر گزارش‌ها نشان می‌دهد که بخشی از جمعیت ساکن در شهرهای بزرگ طی ماه‌های گذشته و به ویژه از ابتدای سال جاری تا کنون که روحانی مدعی است آرامش مردم بیشتر شده، به دلیل عدم توانایی در تأمین هزینه اجازه مسکن در کلانشهرها به سمت حاشیه شهرها رانده شده‌اند!

همزمان وضعیت نامطلوب اقتصادی موجب گسترش اعتراضات شده است بطوری که اصناف و گروه‌های مختلف اجتماعی از هر راهی برای رساندن پیام خود به حکومت استفاده می‌کنند. از این جمله می‌توان به تومار هزاران معلول سراسر ایران به شخص حسن روحانی اشاره کرد که در آن به عدم اجرای قانون حمایت از معلولان و مشکلات معیشتی و ناتوانی در پرداخت هزینه درمان، و در یک کلام به عدم آرامش خود پرداخته‌اند!

### ادامه در صفحه ۱۷



نشان می‌دهند بهای زمین در پایتخت در بهار سال ۱۳۹۸ با افزایش ۱۷۶ درصدی و نرخ اجاره مسکن نیز با افزایش ۳۵ درصدی روبرو بوده است. همچنین وزارت صنعت، معدن و تجارت هم به تازگی اعلام کرده که قیمت ۵۵ کالای اساسی در خرداد ماه ۹۸ نسبت به مدت مشابه سال قبل با افزایش قابل توجهی روبرو شده و تا بیش از ۲۱۳ درصد افزایش یافته است. صندوق بین‌المللی پول نیز در گزارش رشد اقتصادی و نرخ تورم در سال ۲۰۱۸ میلادی اعلام کرده که رتبه ایران از نظر نرخ تورم شانزده پله افزایش یافته و در جایگاه ششمین کشور با تورم بالا قرار گرفته است. رتبه ایران در این رده‌بندی در سال‌های ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷ میلادی ۲۲ بوده است. اسحاق جهانگیری معاون اول حسن روحانی نیز پیش از شروع سال ۱۳۹۸ گفته بود کاهش خرید مردم از مهمترین معضلات اقتصاد امسال ایران خواهد بود. فعالان صنفی و کارشناسان اقتصادی نیز پیوسته از وضعیت بدتر شدن وضعیت معیشتی و کاهش قدرت خرید مردم سخن می‌گویند.

بهبودی سبب معیشت در ایران با بیش از دو برابر افزایش از ۳ میلیون و ۷۵۹ هزار تومانی اسفندماه به رقمی بیش از ۷.۵ میلیون تومان برای یک خانواده سه تا چهار نفره رسیده است. این در حالیست که کارگران مستمری‌بگیران و اغلب بازنشستگان در ایران رقمی حدود دو میلیون تومان در ماه دریافت می‌کنند. هزینه‌های زندگی در ایران طی ماه‌های گذشته انچنان افزایش یافته که به گفته یک فعال صنفی، بسیاری از بازنشستگان برای تأمین نیازهای خانواده خود ناچار هستند به مشاغل همچون دستفروشی و آبدارچی و پادویی در بنگاه‌های مسکن و اتومبیل روی بیاورند و بدتر اینکه برخی از این افراد دست نیاز به سوی مردم دراز می‌کنند. با اینهمه به نظر می‌رسد محله حسن روحانی درست مانند محله احمدی نژاد که به مردم می‌گفت گوجه فرنگی را از سر کوچی وی بخرند، نسبت به اثرات افزایش تورم ایزوله شده و رئیس دولت حتی گزارش‌های ارائه شده از سوی وزارتخانه‌های کابینه‌اش را هم نمی‌خواند!

**افزایش رقم رکود نشانه ویرانی است، جناب حقوقدان!**  
اما جدا از تورم، رکود هم در طی ماه‌های گذشته رو به افزایش گذاشته است. هرچند از ماه‌های پایانی سال گذشته بسیاری از کارشناسان اقتصادی سال ۱۳۹۸ را سال سخت‌جانی اقتصاد ایران می‌دانستند اما آنچه در طی پنج ماه گذشته بر بخش‌های تولید و صنعت ایران رفته، گاهی وصف‌ناپذیر می‌شود. جالب اینکه آمارهای دولتی نیز گویای بدتر شدن شرایط اقتصادی کشور است.

نرخ رشد اقتصاد ایران بنا به گزارش‌های مرکز آمار ایران در نیمه اول سال ۱۳۹۷ با احتساب نفت ۰.۴ درصد و بدون احتساب نفت ۰.۳ درصد بوده است. این نرخ اما تنها چند ماه بعد و تا پایان سال ۱۳۹۷ به منفی ۴.۹ درصد با احتساب نفت و منفی ۲.۴ درصد بدون احتساب نفت رسید. بانک جهانی در گزارش اخیر خود درباره چشم‌انداز رشد جهانی اقتصاد، ایران را از نظر رشد تولید ناخالص داخلی در پایین جدول و در رتبه دومین کشور از نظر وضعیت نایسامان اول سال ۱۳۹۷ قرار داده است. این آمار از سوی بانک جهانی در حالی اعلام

«آمریکا پیروز نیست، شکست خورده است. ما موفق این میدان هستیم!» حسن روحانی طبق معمول مردم را به تحمل وضعیت دشوار امروز کشور که نتیجه عملکرد چهل ساله جمهوری اسلامی است دعوت کرده و گفته است: «بدون تردید ملت ایران در چهل سال گذشته در روزهای سخت و در مسیرهای پیچیده با همه قدرت به صحنه آمد، همه در کنار هم بودیم و توانستیم موفقیت بزرگ را به دست آوریم و امروز هم می‌توانیم این کار را انجام دهیم.»

البته حسن روحانی پیش از تشکیل دولت نخست‌اش و در دوران تبلیغات انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۹۲ در بیان وعده‌های اقتصادی‌اش نشان داده بود در یک توهم عمیق نسبت به اقتصاد بیمار ایران بسر می‌برد. او حتی پس از آنکه بر کرسی ریاست دولت یازدهم نشست نیز با کلید مضحکی که به دست گرفت، دست از ارائه وعده‌های پوپولیستی بر نداشت و عنوان کرد مشکلات اقتصاد کشور را طی ۱۰۰ روز برطرف خواهد کرد.

اظهارات عجیب و دروغ روحانی در ماه‌های گذشته که فشار تحریم‌ها افزایش یافته حتی بیشتر هم شده است. او چندی پیش هم گفته بود که مردم در دوران تحریم آرامش بیشتری پیدا کرده‌اند.

در آنسوی ادعاها و وعده‌های شیرین حسن روحانی اما کارنامه اقتصادی دولت نخست او، دولت یازدهم، یکی از بدترین کارنامه‌های دولت‌های جمهوری اسلامی را به خود اختصاص داده است.

با این وجود به نظر می‌رسد روحانی با گذشت زمان نه تنها ذهن خود را با واقعیت‌های موجود در کشور هماهنگ نکرده بلکه اظهارات و ادعاهای عجیب‌تری نسبت به گذشته را مطرح می‌کند. بررسی آمارهایی که بر اساس داده‌های دولتی در ایران ارائه شده کافیسیت تا مشخص شود این ادعاهای شیخ حسن روحانی هم دروغی بزرگ است!

### تورم محله شما چند درصد است آقای رئیس جمهور؟

شاید یکی از ملموس‌ترین شاخص‌های اقتصادی، دست‌کم برای مردم و افکار عمومی، نرخ تورم باشد؛ بر اساس گزارش مرکز آمار ایران نرخ تورم نقطه به نقطه در مرداد ۹۸ به ۴۱.۶ درصد رسیده است که در این میان نرخ تورم گروه خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات ۵۶.۶ درصد بوده است؛ یعنی خانوارها امرداد امسال بطور میانگین ۴۱.۶ درصد بیشتر از مرداد ۹۷ برای خرید یک مجموعه کالاها و خدمات یکسان هزینه کرده‌اند.

با توجه به اینکه مرکز آمار ایران گزارش تورم در مرداد را یک روز پیش از سخنرانی حسن روحانی منتشر کرد و حتی اگر معیار رئیس دولت دوازدهم برای چنین ادعایی گزارش تورم تیرماه بوده باشد هم باید گفت در آن ماه نیز وضعیت تورم گویای یک فاجعه عمیق در کشور بوده است.

بر اساس اعلام مرکز آمار ایران خانوارهای کشور در تیرماه گذشته بطور میانگین ۴۸ درصد بیش از تیرماه سال ۱۳۹۷ برای خرید یک «مجموعه کالا و خدمات یکسان» هزینه کرده‌اند. قابل توجه اینکه نرخ تورم تیرماه سال گذشته نسبت به سال پیش از آن، یعنی تیرماه ۱۳۹۶، تنها ۱۳.۸ درصد افزایش یافته بود. از سوی دیگر گزارش‌های رسمی

● روحانی: آمار تورم، صادرات غیرنفتی و رشد بیش از ۱۴۰ درصدی بورس در چند ماه اخیر نشان می‌دهد آرامش مردم و ثبات بازار اقتصادی از سال گذشته بیشتر است!

● خانوارها در مرداد امسال بطور میانگین ۴۱.۶ درصد بیشتر از مرداد ۹۷ برای خرید یک مجموعه کالاها و خدمات یکسان هزینه کرده‌اند.

● صندوق بین‌المللی پول: رتبه ایران از نظر نرخ تورم شانزده پله افزایش یافته و در جایگاه ششمین کشور با تورم بالا قرار گرفته است.

● هزینه‌ی سبدمعیشت در ایران از ۳ میلیون و ۷۵۹ هزار تومانی اسفندماه به رقمی بیش از ۷.۵ میلیون تومان برای یک خانواده سه تا چهار نفره رسیده است.

● بسیاری از بازنشستگان برای تأمین هزینه زندگی ناچارند به مشاغل همچون دستفروشی و آبدارچی و پادویی در بنگاه‌های مسکن و اتومبیل روی بیاورند.

● صادرات روزانه نفت ایران از ۲.۵ میلیون بشکه در روز طی سال گذشته به صد هزار بشکه در ماه ژوئیه رسیده و در آمد نفتی ایران سالانه ۵۳ میلیارد دلار کاهش یافته است.

● صندوق بین‌المللی پول رشد اقتصادی ایران در سال ۲۰۱۹ را منفی ۶ درصد و بانک جهانی نیز این نرخ را برای همین مدت زمانی منفی ۴.۵ درصد برآورد کرده است.

● با این اوصاف به نظر می‌رسد محله حسن روحانی درست مانند محله احمدی نژاد که به مردم می‌گفت گوجه فرنگی را از سر کوچی وی بخرند، نسبت به اثرات افزایش تورم ایزوله شده و رئیس دولت حتی گزارش‌های ارائه شده از سوی وزارتخانه‌های کابینه‌اش را هم نمی‌خواند!

روشنک آسترکی - حسن روحانی در اظهاراتی عجیب و حتی تکان‌دهنده مدعی شده که «آمار به ما می‌گوید که تمام شاخص‌های اقتصادی ما امروز نسبت به پارسل همین موقع به مراتب بهتر است!»

حسن روحانی رئیس دولت دوازدهم روز پنجشنبه ۳۱ مرداد در یک سخنرانی به مناسبت روز صنعت دفاعی مدعی شده که «آمار به ما می‌گوید که تمام شاخص‌های اقتصادی ما امروز نسبت به پارسل همین موقع به مراتب بهتر است.» هر چند مشخص نیست «آمار»هایی که به روحانی نشان داده شاخص‌های اقتصادی کشور نسبت به پارسل به مراتب بهتر شده کدامند و از کجا آمده‌اند و اساساً تعریف رئیس دولت از «شاخص‌های اقتصادی» چیست اما مواردی که خود حسن روحانی در این‌باره مطرح کرده، نرخ تورم، وضعیت بورس، صادرات غیرنفتی و وضعیت بازار بوده است.

او گفته است «آمار تورم، صادرات غیرنفتی و رشد بیش از ۱۴۰ درصدی بورس در چند ماه اخیر نشان می‌دهد آرامش مردم و ثبات بازار اقتصادی از سال گذشته بیشتر است» و همچنین افزوده که صادرات غیرنفتی کشور نیز اگر چه در اولین ماه سال پایین بوده اما «در ماه‌های دوم و سوم افزایش داشته است» و سپس نتیجه گرفته که

## پسر سرلشکر صالحی فرمانده سابق ارتش به اتهام فساد اقتصادی دادگاهی شد



عمار صالحی نفر اول سمت راست

فرماندهانی است که در دوران خدمت بارها اسرائیل را تهدید به نابودی کرده بود! آنهم در حالی که پسرش از جمله کسانیست که در حال نابود کردن اقتصاد مملکت بوده است و ویژه در شرایطی که هزاران ارتشی و خانواده‌های آنها در تنگناهای شدید مالی زندگی می‌کنند و برای ۲۰۰ هزار تومان وام باید چندین امضا بگیرند و رضایت رؤسای نمایندگی‌های سازمان عقیدتی-سیاسی مستقر در پادگان‌ها را جلب کنند تا با درخواست وام‌شان موافقت شود.

روز شنبه دوم شهریور، فاطمه صالحی در مصاحبه با تسنیم خبر بازداشت خود را تکذیب کرد و گفت هدف از اینگونه شایعات مقاصد سیاسی است. وی با بیان اینکه قصدی برای نامزدی در انتخابات آتی مجلس شورای اسلامی ندارد، گفت: «با نزدیک شدن به ایام انتخابات، برخی برای گمراه کردن افکار عمومی به چنین شایعاتی متوسل می‌شوند.»

این جانماز آب کشیدن‌ها در حال نیست که آذرماه ۱۳۹۷ نیز زمینخواری‌های گسترده و برج‌سازی‌های مخفی امرا و فرماندهان نظامی در حوالی اراضی لویزان افشا شد.

### نگاهی به احکام متهمین بانک سرمایه

در اولین مرحله رسیدگی به پرونده بانک سرمایه، پرونده علی بخشایش فرزند روح‌الله به اتهام مشارکت در اخلاص عمده در نظام اقتصادی کشور از طریق اخلاص در نظام پولی و بانکی و مشارکت در ۴۶ فقره خیانت در امانت، پرویز کاظمی فرزند درویش به اتهام مشارکت در اخلاص عمده در نظام اقتصادی کشور از طریق اخلاص در نظام پولی و بانکی و مشارکت در ۴۱ فقره خیانت در امانت و محمدرضا توسلی فرزند غلامرضا به اتهام مشارکت در اخلاص عمده در نظام اقتصادی کشور از طریق اخلاص در نظام پولی و بانکی و مشارکت در ۴۰ فقره خیانت در امانت در شعبه سوم دادگاه ویژه جرایم اقتصادی در ۴ جلسه علنی و به ریاست قاضی مسعودی مقام رسیدگی شد. بدهی این سه متهم حدود ۳ هزار میلیارد تومان بود و پس از پایان رسیدگی به این مرحله از پرونده، ۲۷ اسفند ماه سال گذشته اعضای هیأت مدیره بانک سرمایه، علی بخشایش، پرویز کاظمی و محمدرضا توسلی هر کدام به ۲۰ سال حبس، تحمل ۷۴ ضربه شلاق در انظار عمومی و محرومیت دائم از مشاغل دولتی محکوم شدند.

در مرحله دوم رسیدگی به این پرونده، حسین هدایتی و ۱۰ متهم دیگر در ۶ جلسه و در شعبه سوم دادگاه ویژه رسیدگی به پرونده اخلاص‌گران ارزی و اقتصادی محاکمه شدند. بر این اساس، حسین هدایتی به جرم اخلاص عمده در نظام پولی کشور به تحمل ۲۰ سال حبس و محرومیت دائم از اشتغال در خدمات دولتی و رد مال معادل ۴۸۸ میلیارد تومان به نفع بانک سرمایه و تحمل ۷۴ ضربه شلاق در انظار عمومی محکوم شد.

در مرحله سوم رسیدگی به این پرونده نیز سیدهادی رضوی و احسان دلاویز دو نفر از تسهیلات گیرندگان بانک سرمایه و ۲۹ نفر از مدیران وقت این بانک در این دادگاه محاکمه شدند. هادی رضوی به جرم اخلاص عمده در نظام اقتصادی به ۲۰ سال حبس، رد مال و ۷۴ ضربه شلاق و محرومیت از خدمات دولتی و احسان دلاویز هم به جرم معاونت در اخلاص در نظام اقتصادی به ۱۰ سال حبس محکوم شدند.

● سید عطاالله صالحی فرمانده سابق ارتش جمهوری اسلامی می‌خواست اسرائیل را نابود کند در حالی که پسرش مشغول نابودی اقتصاد کشور بود و حالا به اتهام دریافت میلیاردها تومان وام از بانک سرمایه در دادگاه نشسته است!

● کانال تلگرامی قرارگاه سایبری طائب در اطلاعات سپاه پاسداران نوشته طبق اقرار جهانیانی یکی از متهمین گردن کلفت بانک سرمایه، عمار صالحی ۶۵۰ میلیون تومان بابت خرید بنز دریافت کرده.

● شایعه شده بود فاطمه صالحی دختر عطاالله صالحی نیز بازداشت شده که خودش روز شنبه آن را تکذیب کرد. ● محمد شریعتمداری وزیر کار که دامادش هادی رضوی فسادهای کلان را از جوانی آغاز کرده و بازداشت است دایی عمار صالحی است.

روز دوشنبه ۲۸ مرداد اولین جلسه دادگاه گروه جهانیانی از متهمان پرونده بانک سرمایه در شعبه سوم دادگاه ویژه رسیدگی به جرائم اقتصادی برگزار شد. متهم اصلی این پرونده محمدرضا جهانیانی است که به اتهام اخلاص در نظام اقتصادی از طریق تحصیل مال نامشروع از وجوه متعلق به بانک سرمایه دادگاهی شد و به همراه او تعدادی دیگری از متهمان نیز در دادگاه حاضر شدند که یکی از آنها عمار صالحی است. همان روز خبرهای جسته و گریخته‌ای در خصوص بازداشت فرزند فرمانده سابق ارتش جمهوری اسلامی سرلشکر سیدعطاالله صالحی پخش شد که در پی آن شایعاتی مبنی بر بازداشت فاطمه دختر صالحی نیز که از مدیران ارشد «بیمه حکمت» متعلق به ارتش است مطرح گشت. رسانه‌های رسمی داخلی از جمله روزنامه دولتی ایران اسامی متهمان حاضر در دادگاه گروه جهانیانی را منتشر کرده بودند و اسم عمار صالحی را نیز قید کردند اما نام پدر تعدادی از متهمان را نوشته بودند و نام پدر تعدادی دیگر ذکر نشده بود که نام عمار نیز بین آنها بود!

این روزنامه نوشت عمار صالحی متهم ردیف دهم پرونده متولد ۱۳۵۹ فاقد سابقه کیفری و آزاد است و اتهام او معاونت در نظام اقتصادی در شرکت «جهان تجارت تبوا» است.

عطاالله صالحی شوهر خواهر محمد شریعتمداری وزیر کار دولت روحانی است و به نظر می‌رسد فساد در این خانواده یک سنت است و طرفداران زیادی دارد چون هادی رضوی از دانه‌درشت‌های فساد نیز داماد شریعتمداری است. کانال تلگرامی قرارگاه سایبری عمار نزدیک به برادران طائب در اطلاعات سپاه پاسداران نوشته بنا به گفته‌ی دادستانی، عمار صالحی ۶۰ میلیارد تسهیلات از بانک سرمایه گرفته. طبق اقرار جهانیانی، عمار صالحی ۶۵۰ میلیون تومان نیز بابت خرید بنز دریافت کرده است! صالحی که اکنون پسرش در صف نخست مفسدین اقتصادی قرار دارد از

● **نسترن در ترانه‌های که به اسم‌اش خورده، حضور ندارد؛ شخصیت ندارد؛ خواست‌اش معلوم نیست. او هم عاشق پسر همسایه بوده؟ نمی‌دانیم! از نبودن و رفتن‌اش زخمی برداشته؟ نمی‌دانیم! او هم می‌خواسته عروس بشود؟ نمی‌دانیم.**

● **کدام تفکر زنان و مردانی که در ساحل لباس شنا به تن دارند یا برهنه هستند را «گستاخ» و «وقیح» و در حال «ارتکاب کارهای زشت» می‌داند؟ نگاه مذهبی/اسلامی است که تا چشمش به «تن‌های بی‌حیا» می‌افتد، دل‌اش هوای خانه‌ای را می‌کند که تن‌ها را لای جامه‌های اجبار می‌پيچند و برای همین جهان بیرون را بیشتر از پانزده روز تاب نمی‌آورد و به خانه برمی‌گردد.**

حامد احمدی - نقد یازده ترانه‌ی یک آلبوم به ویژه وقتی تمام کلام‌ها نوشته‌ی یک نفر است، کاریست بیهوده. به همین خاطر برای نقد کلیت آلبوم «لاله‌زار»، پرداختن به سه ترانه‌ی «کوچه نسترن»، «چشم‌ام به خونه‌ست» و «قلب قاپ» کافیهست. آنهم نه نقد کامل‌شان. از هر ترانه نقطه‌هایی را می‌توان نشانه گرفت تا به جهانی که ترانه‌ها در آن زاده شده‌اند، برسیم. به همین خاطر نقد کامل ترانه‌ها، سرعت بی‌شمار ایده‌ها و تصاویر دیگر شاعران مثل شهیار قنبری، اکبر اکسیر و حامد ابراهیم‌پور، سطح پایین تصویرسازی‌ها و مضمون‌ها باشد به عهده‌ی کسانی که احتمالا در زمینه‌ی نقد ترانه فعالیت می‌کنند.

این نوشته فقط دست بر نقطه‌هایی می‌گذارد که احتمالا دیگران به آن توجهی نخواهد داشت یا دست‌کم تا این لحظه نداشته‌اند و می‌خواهد تصویری بسازد از زمان و جهانی که چنین ترانه‌هایی در آن زاده می‌شوند. جهان فرو کاستن‌ها، تقلیل دادن‌ها، از معنای بی‌گردد کردن‌ها، مبتذل کردن‌ها، یاب زبانش روشن‌تر زمانی «تدبیر و امید»!

#### الف - کوچه نسترن

ترانه‌های آلبوم «لاله‌زار» از جهانی می‌آیند که پایه‌شان فرو کاستن است. فرو کاستن مفاهیم عمیق و رنج‌های بزرگ. جنگ به عنوان فاجعه‌ای بزرگ که با خون و کشتار و ویرانی تعریف می‌شود، در «کوچه نسترن» در حد دلیل نرسیدن یک دختر و پسر به هم و سرنگرفتن عروسی‌شان پایین می‌آید. طرح کار را مرور می‌کنیم: پسر عاشق دختر همسایه است. اما جنگ ایران و عراق شروع می‌شود. پسر به جبهه می‌رود. خطاب به مادرش وصیت‌نامه می‌نویسد. او در متن‌اش از یک راز پرده می‌دارد: عشق‌اش به دختر همسایه و چند خواسته را هم مطرح می‌کند. خواسته‌هایی که جز یکی - برداشتن عکس‌اش از تاقچه - هیچکدام در اختیار و قدرت مادر نیست. پس وصیت‌نامه چیزی نیست جز اعتراف و اقرار به نتوانستن. اعتراف به اینکه وصلت نسترن ممکن نیست و اقرار به اینکه نام سربازان مدافع کشور، بعدها تبدیل به «بزار غیب و شب» و «باتوم در پهلوی» و «تبر در صورت دانشجو» می‌شود. چیزهایی که ما مخاطبان در زمان حال همه از آن باخبر هستیم و پیشگویی سرباز در این زمان کمکی به مخاطب نمی‌کند! فرو کاستن و منغول بودن نگاه ترانه‌نویس از همین نقطه مشخص است. ترانه‌نویس خطاب‌اش به سه استفاده‌کنندگان از نام سربازان جنگ نیست. او ناتوان، سوء استفاده‌نشدن از نام‌اش را از مادرش طلب می‌کند. سرباز/ ترانه‌نویس پذیرفته است که قدرت تغییر ندارد. نمی‌تواند ابراز وجود کند. باید به دامن پرمهر مادر پناه برد و زخم شکست و نتوانستن را با مویه و مرثیه درمان کند. به همین خاطر بی‌تردید «کوچه نسترن» نمی‌تواند یک ترانه‌ی سیاسی باشد. نمونه‌هایی از ترانه‌های سیاسی‌ای که می‌شناسیم:

«ای حنجره بریده با خنجر مدارا، سرود تازه سر کن از خشم مردم ما» مردم همیشه مردم از ایرج جنتی عطایی.

«با دستای رفاقت تاریکی وحشت نداره، نوری که حرف آخره به قصه‌مون پا میداره» نون و پنیر و سبزی از شهیار قنبری.

«گل پونه، گل پونه/ اگه امروز دلم خونه/ امیدم زنده می‌مونه، تادنیارو بلرزونه» گل پونه از اردلان سرفراز. در هر سه نمونه، شاعران/ راویان به یک حرکت اشاره دارند. به «خشم مردم ما» یا به «دستای رفاقت» و «نوری که حرف آخره» یا «به امیدی که دنیا رو می‌لرزونه». تمام این ترانه‌ها، تلاش‌هایی هستند در جهت زیبا کردن زشتی؛ پایان دادن به پلیدی؛ زنده نگه داشتن چراغ انسان؛ تلاشی‌هایی که پیوند دارند با ندیای واقع یا می‌خواهند چنین پیوندی را ایجاد کنند.

دقیقا در نقطه‌ی مقابل، «کوچه نسترن» فقط راوی نشدن است؛ آنهم در گفتگو با کاراکتر مادر که طبیعتا دست‌اش از همه‌جا کوتاه است و تنها می‌تواند سنگ صبور باشد. شاید به همین خاطر است که واکنش بیشتر هواداران این ترانه، چنین است: گریه کردیم، اشک ریختیم، بغض کردیم! دقیقا مثل کسانی که پای رضای نشسته‌اند؛ فعلیت ندارند؛ قرار نیست داشته باشند؛ تنها قرار است که گریه‌کن‌های خوبی باشند؛ سبک بشوند و بار غم نشدن‌ها و نداشتن‌ها از روی دوش‌شان برداشته بشود. چیزی شبیه به خودارضایی؛ خود ارضایی روانی.

گفتیم که ترانه از جهان فرو کاستن می‌آید. «کوچه نسترن» پس از فرو کاستن ترانه‌ی سیاسی و ترانه‌ی معترض، عشق را به سبک سربازهای تلویزیونی پایین می‌کشد. در روایت عاشقانه، دختر (نسترن) کوچک‌ترین نقشی ندارد. همان دخترزنان منفعل سربازهای مردسالارانه است. دختری نشسته در خانه؛ دختری که سوژه است؛ سوژه‌ی دوست داشته شدن؛ سوژه‌ی لذت بردن؛ سوژه‌ی ناموس شدن؛ سوژه‌ی زن/ عروس شدن.

ترانه می‌گوید: «نسترن رو می‌شناسی، اون دختر همسایه‌س/ می‌خواستیم عروست شه اما بعد آتش بس».

توجه دارید؟ صحبت از خواستن سرباز/ راوی است. راوی می‌خواسته نسترن عروس مادرش بشود. چیزی شبیه ترانه‌های عامیانه و عموما مردسالارانه. یا دیالوگ‌های فیلمفارسی. به سبک مهدی مشککی: «نه! می‌خوام نسترن/رقیه/ نیلوفر عروست شه!»

نسترن در ترانه‌ای که به اسم‌اش خورده، حضور ندارد؛ شخصیت ندارد؛ فعلیت ندارد؛ خواست‌اش معلوم

نیست. او هم عاشق پسر همسایه بوده؟ نمی‌دانیم! از نبودن و رفتن‌اش زخمی برداشته؟ نمی‌دانیم! او هم می‌خواسته عروس بشود؟ نمی‌دانیم. می‌خواسته بعد از آتش‌بس عروسی کند؟ باز هم نمی‌دانیم. او فقط سوژه است. سوژه‌ی عشق سرباز و سوژه‌ای در دست ترانه‌نویس برای فرو کاستن همه چیز.

فروکاستن بعدی، تهی کردن مفهوم جنگ است. جنگ با ویرانی و کشتار و خونریزی تعریف می‌شود. ترانه‌نویس اما از هولناکی جنگ گذشته. آن را فقط در حد دلیل نرسیدن دختر و پسر به هم پایین آورده. هر چه از پلیدی می‌گوید، مربوط به پس از جنگ است. اینجا هم چون تریبون‌های رسمی، جنگ هشت ساله رخدادیست غیرقابل نقد و بررسی؛ سرنوشتی ناگزیر است که باید به آن تن می‌داده‌ایم؛ کسی هم در کش آمدن‌اش به اندازه‌ی هشت سال نقشی نداشته. کسی در عملیات شکست‌خورده و لو رفته که باعث کشته شدن هزاران جوان شده، مقصر نبوده. جنگ در ترانه‌ی «کوچه نسترن» یک اتفاق عادی است که فقط پسر و دختر را از هم دور کرده و پیوندشان راناممکن.

نمونه‌هایی از ترانه‌های مربوط به جنگ که می‌شناسیم: «بین آن مغز خون آلوده را، آن پاره‌ی دل را/ که در زیر قدم‌ها می‌تپد بی‌هیچ فریادی»؛ بمان مادر از نادر نادرپور.

«سکوت سرخ خاک تو، صدای نینوا دارد/ در این دم کرده گورستان، تگرگ مرگ می‌بارد»؛ فاجعه از ایرج جنتی عطایی.

«پشت سر حریق یاس و مرگ رنگ/ مشق شب صد خط ریز از شعر جنگ»؛ نسل ما از شهیار قنبری. در تمام این نمونه‌ها، با تصویرهایی روبرو هستیم از هولناکی جنگ؛ از بی‌رحمی‌اش؛ از محصول‌اش که مرگ است و نیستی. تصویری که بطور کامل در ترانه‌ی «کوچه نسترن» غایب است و تقریبا از همان ترفند تازه‌اشانی هنرمندان دوران «تدبیر و امید» استفاده شده؛ از روی بخش مهمی از فاجعه رد می‌شود؛ با یک جامپ کات به جایی دیگر می‌رود که خطر کمتری دارد یا اساسا بی‌خطر است. جنگ در «کوچه نسترن» با تمام زشتی و ویرانی‌اش کات می‌خورد به زمانی دیگر که اسم سربازهای جنگ، ابزار سرکوب شده. آنهم به شکلی که انگار خود سرکوب، نفس سرکوب مهم نیست. یعنی در این نقطه هم ترانه‌نویس بجای اینکه کنار سرکوب‌شدگان بایستد، مثل بسیاری از دولتمردان فعلی نگران مفاهیمی‌ست که پیامد این سرکوب بدنام می‌شوند. یعنی اسلام، جمهوری اسلامی، دموکراسی دینی یا انطور که

در «کوچه نسترن» ترانه‌نویس نگران است، بدنامی یا ابزار غضب شدن سربازان جنگ ایران و عراق.

#### ب - چشمم به اون خونه‌ست

«چشمم به اون خونه‌ست» بطور کامل وابسته و وام‌دار ترانه‌ی «تاق من» با شعر شهیار قنبری و اجرای گوگوش است. مضمون‌اش را از آنجا برداشته و تصاویر را بطور کامل از دیگر ترانه‌ی شهیار قنبری با همین تم به نام «سفرنامه». بررسی ترانه به لحاظ کیفیت هنری ما را به جایی نمی‌رساند. چون ترانه، شعریت ندارد. یک گزارش فیس‌بوکی/اینستاگرامی‌ست از جاهای مختلف دنیا که وزن و قافیه‌ای هم دارد. نه خبری از تصاویر شاعرانه است، نه جزئیات قابل توجه. ترانه‌نویس حتا در معمولی‌ترین شکل هم نمی‌تواند اتمسفر کشورهایی که به آن اشاره می‌کند را در ذهن مخاطب بسازد. به عنوان مثال، ترانه‌نویس می‌نویسد: «وقتی کنار این سیگار می‌کشم»! چرا کنار این؟! چرا کنار دانوب نه؟! بعد سیگار کشیدن اساسا چه کار مهم و ویژه‌یست که می‌توان آن را معطوف کرد به یک رودخانه‌ی خاص در یک سرزمین مشخص؟! مثال دیگر: «تو مترو پاریس»! چرا مترو وین نه؟! اگر در ترانه‌ی «سفرنامه» «مترو سن ژرمن» کیفیتی دیگر دارد، دلیل‌اش این است که شاعر ابتدا فرم اثرش را ساخته. فرمی بر اساس عکس/ نماهای کوتاه، فوری و صلابت‌شاعرانه از جاهای مختلف. تبدیل کردن‌شان دادن‌اش به ترجیع بند کار «با حریق یادها همسفرم». اما در «چشمم به اون خونه‌ست» از فرم خبری نیست؛ به همین خاطر مستقیم به سراغ مضمون می‌رویم و کلمه‌هایی که قرار است فکر پس پشت مضمون را نمایندگی کنند.

«چشمم به اون خونه‌ست» همچون «تاق من» از زبان یک مسافر روایت می‌شود که در هنگامی که جهان را سفر می‌کند، چشمش به کشورش است. در «تاق من» شاعر تصاویری زنده از دیگر سرزمین‌ها را در ترانه‌اش می‌سازد تا در نتیجه‌ی کار به ترجیع‌بند برسد و اینکه هیچکدام از این سرزمین‌ها، «سایه‌گاه» - اقامتگاه‌اش - نشده‌اند و هنوز و همچنان «هیچ کجا عزیزتر از وطن» نیست. «چشمم به اون خونه‌ست» هم می‌خواهد چنین چیزی را بگوید. بگوید همه جا را دیدم اما باز چشمم به خانه‌ای - سرزمینی - است که ویران شده و شبیه به زندان است. اما روایت ترانه‌نویس از جهان، سطح پایین و بی‌پهلو است. یعنی او اساسا وارد جهان دیگر نشده که رو آوردن نهایی‌اش به زادگاه برای مخاطب جلب توجه و تکان دهنده باشد. او کنار این سیگار کشیده؛ یکشنبه در پیگال بوده؛ به سینما رفته؛ در آندلس با «لورکا» دمخور بوده و پیامدش به دلیلی



## برای مرواریدها و سنگریزه‌ها!

# نگاهی به جهان ترانه‌های آلبوم «لاله‌زار»

### ج - قلب قاپ

ترانه‌ی دیگر در این مجموعه‌ی «فرو کاستن‌ها»، ترانه‌ای است به اسم «قلب قاپ». در این ترانه چند اسم آمده که گویا برای برخی از مخاطب‌ها ناآشناست. چنانچه عده‌ای در شبکه‌های اجتماعی نوشته بودند «خانم گودو» کیست؟ کسی هم در توئیتر پاسخ داد: «متاسفم برای جامعه‌ای که مطالعه ندارد و نمی‌داند گودو کیست!» اما باید متأسف‌تر بود برای کسی و کسانی بود که نمی‌دانند اما با اینهمه می‌گویند و درباره چیزی که نمی‌دانند توضیح می‌دهند!

ترانه‌نویس این ترانه نوشته: «گل چیدن‌ت بسه! هی! خانم گودو!» اشاره به نمایشنامه‌ی «در انتظار گودو» است. ناچار به این توضیح برای مخاطبان و همینطور خود ترانه‌نویس هستم که «در انتظار گودو» نمایشنامه‌ای است نوشته‌ی «ساموئل بکت». دو ولگرد در ناکجا و نازمان انتظار آمدن کسی مجهول را می‌کشند به نام «گودو». کسی که تا پایان نمایش نمی‌آید. این نمایشنامه تاویل‌ها و تفسیرهای بی‌شماری داشته. برداشت‌هایی که بکت زیر بار هیچکدام‌شان نرفت. کسانی معتقد بودند گودو همان خدا یا God است که به گفته‌ی نیچه «مرده است» و دیگر نیست. عده‌ای دیگر آن را نمایی می‌دانستند از به پوچی رسیدن انسان معاصر و وقت‌کشتن‌اش در انتظار هیچ، اما هر چه هست، نمایشنامه تصویربست هولناک از دو بیچاره‌ی منتظر که توان حرکت و تغییر در وضعیت‌شان را ندارند. دو نفری که منتظرند گودو بیاید اما گویا گودو هم مثل آن دو، عاجز از حرکت یا در آوردن یا پوشیدن پوتین‌های‌اش است. پس نمی‌آید. هرگز نمی‌آید.

می‌شود فکر کرد بکت نمایشنامه‌ای نوشته علیه سنت انتظار. می‌شود فکر کرد آینه‌ای گذاشته پیش روی انسان معاصر که پوچی خودش در دنیا را تماشا کند. هر چه هست «در انتظار گودو» نمایشنامه‌ای مهم، تاثیرگذار و عمیق است در تاریخ ادبیات نمایشی جهان. اما ترانه‌نویس «قلب قاپ» این نمایشنامه و مفهوم گودو که به وسیله‌ی بکت ساخته شده را هم فرو کاسته. به «بله گفتن» معمول دخترها پای سفره‌ی عقد. به چند کلمه قبل از ظهور گودو در ترانه برگردیم. «گل چیدن‌ت بسه!» که اشاره‌ای‌ست به همان جمله‌ی مشهور پای سفره‌ی عقد که مهمانان به عاقد می‌گویند: «عروس رفته گل بچینه» «عروس رفته گلاب بباره!» گودوی جنسیت پیدا کرده و زن شده در ترانه‌ی «قلب قاپ». عروس خانمی‌ست که راوی ترانه در انتظار بله گفتن‌اش و به وصل رسیدن‌اش است. دقیقا به همین اندازه سطحی. دقیقا به همین میزان بیجانانه. به این ترتیب ترانه‌نویس، مفهوم پیچیده و فلسفی گودوی بکت را که به بله گفتن عروس خانم فرو می‌کاهد و تحویل مخاطب احتمالا بی‌خبر از همه جا می‌دهد که ساده‌دلانه می‌پرسد: «خانم گودو کیه؟!» کاری که آدم را به یاد بدترین دوران لاله‌زار می‌اندازد که نمایشنامه‌های عمیق و ترازیک و شکسپیر به شکل روحوسی یا بزاری یا لاله‌زاری روی صحنه می‌رفت و مخاطبان هم قهقهه می‌زدند و تخمه می‌شکستند. شاید نام «لاله‌زار» بی‌سبب برای آلبوم انتخاب نشده. شاید تمنای مدام لاله‌زار در ترانه‌های ترانه‌نویس بیهوده نیست. البته نه آن لاله‌زاری که شاملو در کافه‌هایش بود و در کباب‌هایش سوسن و آغاسی آواز می‌خواندند. لاله‌زار سقوط کرده‌ی پس از انقلاب اسلامی که سال‌ها نماد و مثال ابتذال بود. لاله‌زاری که چه دردآور در رعیت و ممنوعیت هنرمندان اصلی‌اش، جوی حقیری شده بود پر از نمایشگرهای نابلد و آوازخوانان بدصدا و سوزهای از کوک در رفته؛ مناسب جوی و احواض بی‌مایه‌ترین مخاطبان جوی حقیری که دیگر مروارید نداشت و هر چه آنجا روان بود، سنگریزه‌های خرد بی‌خرد بود. شاید حالا هوای لاله‌زار آن روزها به دهان‌هایی رسیده که زمانی صدای «ترانه‌ی نوین» بودند و حالا «ترانه‌های لاله‌زاری». را به جای «ترانه‌ی پیشرو»! به آنها قالب کرده‌اند.

ترانه‌نویس می‌نویسد: «تو ساحلی پر از تن‌های بی‌حیا». اشاره ترانه‌نویس به ساحل‌های بیشتر سرزمین‌های دنیاست که زنان و مردان با مایو و لباس شنا و یا در ساحل‌های ویژه بدون هیچ پوششی، شنا می‌کنند یا آفتاب می‌گیرند. پس چرا «تن‌های بی‌حیا»؟! در لغتنامه‌ی معین در تعریف واژه‌ی بی‌حیا آمده: بی‌شرم و گستاخ و آنکه در ارتکاب کارهای زشت منفعل می‌شود. وقیح؛ وقاح؛ سخت‌روی؛ سترگ؛ پررو؛ صفیق؛ بی‌شرم؛ بی‌چشم و رو.

کدام تفکر زنان و مردانی که در ساحل لباس شنا به تن دارند یا برهنه هستند را «گستاخ» و «وقیح» و در حال «ارتکاب کارهای زشت» می‌دانند؟ این کامل و درست تفکر «گشت ارشاد» است. تفکر جمهوری اسلامی است. چون در هیچ جای جهان، از جمله ایران چهل سال جایی به کسانی که با لباس معمول و مرسوم شنا بکنند، نمی‌گویند «گستاخ» و «وقیح» و مرتکب کارهای زشت! در همین نقطه، «چشمم به آن خانه داشتن» کیفیتی کاملا دیگر گونه پیدا می‌کند. یعنی دیگر همان کیفیت فکاهی و رقیق مسافر پانزده روزه را هم ندارد. نگاه مذهبی/اسلامی است که تا چشمش به «تن‌های بی‌حیا» می‌افتد، دل‌اش هوای خانه‌ای را می‌کند که تن‌ها را لای جامه‌های اجبار می‌پيچند و برای همین جهان بیرون را بیشتر از پانزده روز تاب نمی‌آورد و به خانه برمی‌گردد.

\* «لاله‌زار» نام آلبومی است که به تازگی با صدای ابی و ترانه‌های یغما گلرویی منتشر شده است.

\*\* ترانه‌نویس در یک پست اینستاگرامی مدعی شده این آلبوم فصلی تازه در کارنامه‌ی هنری ابی است و این آوازخوان با عبور از «ترانه‌ی نوین» اینک اجراکننده‌ی «ترانه‌ی پیشرو» است!



از صفحه ۱۸

جمهوری اسلامی و هم مسئول دفترش را به عکس‌العمل واداشته است. این اقبال عمومی نه به خاطر آن است که تمامی جنبه‌های دوران سلطنت پهلوی مورد تأیید آنهاست، بلکه بدان خاطر است که یک بار آن دوران را تجربه کرده و حتی ساکنان دورافتاده‌ترین روستاها هم می‌دانند در نهایت چه نظامی خواهند داشت. ولی هیچ تضمینی نیست مخالفین سیاسی که شعار سکولاریسم و دموکراسی سر می‌دهند آنها را به مدینه فاضله رسانده و همچون جمهوری‌های اطرافمان، خود تبدیل به دیکتاتوری مادام‌العمر نشوند. ما چه خوشامان بیاید چه نیاید این واقعیتی است که اکثریت خاموش تنها ال‌ترناتیو این حکومت را بازگشت به حکومت پادشاهی پهلوی می‌دانند و بارها در شعارهای اعتراضی خود بدان اشاره کرده‌اند. این حقیقت نه تنها برای حاکمان جمهوری اسلامی بلکه برای مخالفان حکومت کنونی نیز مسجل و غیرقابل انکار است ولی حاضر به اعتراف آن نیستند.

شکی نیست که اکثر مردم ایران بخصوص اقشار ضعیف و آسیب‌پذیر جامعه به خاطر فشارهای اقتصادی و اجتماعی از حکومت ناراضی بوده و امید خود به اصلاح آن را نیز از دست داده و تمایل به تغییر ساختار حکومت دارند. ولی همین مردم به شدت ناراضی، با توجه به فضای آشفته و مسموم سیاسی و مدنی، نگران پس از جمهوری اسلامی بوده و اعتمادی هم به اینکه دچار حاکمان و سیستمی بدتر از امروز نشوند ندارند. به همین دلیل بازگشت به ساختار پیش از انقلاب ۱۳۵۷ برایشان بیشتر اطمینان‌بخش است. ما می‌توانیم مخالف این گرایش باشیم و حتی وجود چنین نگرشی در جامعه را بطور کل منکر شویم اما «رفتار عملی» اکثریت خاموش جامعه خلاف تحلیل‌هاست.

بنده از تابلج با جمهوریخواهان بهتر است ولی اکثریت خاموش جامعه نگاهی متفاوت دارند. کشورهای اسپانیا و انگلستان نیز یک دوره حکومت جمهوری را در تاریخ خود تجربه کرده‌اند؛ ولی به دلیل گستردگی مساحت، تنوع قومی، زبانی، فرهنگی و دینی مجدداً به حکومت سلطنتی بازگشتند تا ساختار اجتماعی، فرهنگی و قومی خود را حفظ کنند. اکنون هر دو کشور دارای حاکمیتی دموکرات و سکولار با قدرت اقتصادی بالا در میان کشورهای اروپایی هستند. ایران نیز از نظر مساحت، تنوع قومی، زبانی، فرهنگی و دینی شرایطی مشابه اسپانیا و انگلستان را داراست. لذا از این بازگشت نباید ترسید منتها می‌بایست از گذشته درس گرفت و از بت‌تراشی پرهیز کرد.

بنابراین اگر فعالین و کنشگران سیاسی و مدنی حقیقتاً دلسوز کشور هستند و خواهان برقراری دموکراسی، سکولاریسم، آزادی‌های فردی، اجتماعی و عقیدتی مطابق اعلامیه جهانی حقوق بشر می‌باشند و در سر طمع به دست گرفتن قدرت مطلق پس از گذار از جمهوری اسلامی را ندارند، معقول آن است که ابتدا فضای آشفته فعالیت سیاسی و مدنی را اصلاح کرده و بدان ضابطه و قاعده‌ای صحیح دهند و سپس در راهکارهای خود برای گذار از جمهوری اسلامی گزینه سلطنت پارلمانی را نیز در کنار دیگر گزینه‌ها قرار داده و همانگونه که در سخنان و شعارهای خود بطور مرتب به شعور سیاسی مردم اشاره می‌نمایند، از رای و انتخاب اکثریت نهراسیده و بدان احترام بگذارند تا اعتماد اکثریت خاموش را به دست آورند؛ چرا که نوع حکومت ارتباطی به دموکراسی ندارد. در غیر اینصورت ادامه این اوضاع آشفته و مسموم یا موجب انفجار، سرخوردگی، روزمرگی و بی‌تفاوتی بیشتر جامعه خواهد شد یا باعث شعله‌ور شدن کشمکش‌های چندین شعراهایی خود را به دست آینده‌ای نامعلوم داده و هندوانه‌ای بسته را انتخاب کنند. برعکس اقبال عمومی جهت بازگشت و احیای سلطنت پهلوی بطور چشمگیری رو به رشد است تا جایی که هم رهبری

## گذار از جمهوری اسلامی از توهم تا واقعیت ...

بود مگر آنکه شخصیت‌های مؤثر سیاسی که سابقه‌ای روشن و بدون ابهام برای مردم دارند رودرپایستی و ملاحظات را کنار گذاشته و برای تغییر این فضای آشفته اقدامی عاجل و شفاف نمایند. تا زمانی که فضای سیاسی و مدنی و جنبه‌های مختلف کسانی که می‌خواهند در این حوزه‌ها فعالیت کنند شفاف و روشن نگردد، نه این فضای آشفته اصلاح خواهد شد و نه اعتماد عمومی کسب خواهد گردید و نه اختلافات و اتهام‌زنی‌های افراد به یکدیگر خاتمه خواهد یافت. نمی‌توان از حکومت توقع شفافیت در همه زمینه‌ها را داشت ولی مخالفتش خود از شفافیت در همه زمینه‌ها گریزان باشد.

با تمام این اوصاف چنانچه تمامی این ملزومات و زمینه‌ها مهیا گردد، مهمترین بخش به حرکت درآوردن خود مردم کشور برای رفرم و تغییر است. واقعیت این است که ضعف جامعه مدنی و نبود مشارکت‌های سیاسی عمومی به دلیل ساختار استبدادی و مطلق‌گرایانه قدرت، تنوع فرهنگی، قومی، دینی و زبانی، بدبینی عمومی نسبت به سیاستون به جهت شعارزدگی و ناهمسویی و بعضاً ضدیت با آداب و سنن قومی، زبانی و مذهبی، و نبود آگاهی نسبت به کارکرد احزاب و تشکل‌های سیاسی، از دیرباز باعث گردیده که اکثریت مردم نگاه مثبتی به اهل سیاست نداشته و بی‌اعتماد باشند. اکثریتی که از آنان به «اکثریت خاموش» نام برده می‌شود.

### کدام جریان‌ها می‌توانند «اکثریت خاموش» را به حرکت در آورند؟

پیش از انقلاب احزاب و تشکل‌های گوناگونی در کشور فعالیت داشتند که مطرح‌ترین آنها جبهه ملی ایران، نهضت آزادی، حزب توده، حزب زحمتکشان، سازمان مجاهدین خلق و چریک‌های فدایی خلق بودند. هر یک از این تشکل‌ها با آنکه دارای هواداران طرفداران بسیاری بودند ولی حتی اگر با یکدیگر ائتلافی را تشکیل می‌دادند قادر نبودند آن اکثریت خاموش را با خود همراه کرده و برای اعتراضی گسترده به خیابان بکشانند.

انقلاب سال ۱۳۵۷ از ابتدا نه یک قیام همگانی برای براندازی حکومت وقت، بلکه اعتراضی جهت حمایت از نهاد مرجعیت شیعه بود که جرقه‌اش را انتشار مقاله‌ی روزنامه اطلاعات در تخریب آقای خمینی زد. با قرار گرفتن بخشی از تشکل‌های سیاسی در کنار آقای خمینی، اعتراضات سمت و سویی دیگر گرفت و با لابیگری‌هایی که در خارج و داخل کشور انجام شد در نهایت به تغییر حکومت منجر گردید. امتیاز آقای خمینی نسبت به دیگر تشکل‌های سیاسی آن بود که می‌توانست اکثریت خاموش را به کف خیابان‌ها بیاورد زیرا او برخاسته از نهاد مرجعیت شیعه بود که در اذهان عمومی فردی خدانشناس و خداترس، عادل و عامل به حرام و حلال، بری از سیاست‌بازی و دروغ‌گویی، و در دور از جاه‌طلبی و ثروت‌اندوزی، و در یک کلام مرد خدا تلقی می‌گردید. چنین فردی قطعاً آنان را به بهشت موعود رهنمون می‌کرد نه به سوی چاه ویل!

از این رو با اطمینان کامل وعده‌های آزادی، عدالت اجتماعی، رفاه اقتصادی و حاکمیت ملی او را پذیرفتند زیرا که به باورشان ممکن نبود چنین فردی خلف وعده کرده و خدعه نماید. امروزه جلب اعتماد اکثریت مردم علیرغم نارضایتی‌های فراوانشان کاری بسیار دشوار است و فضای آشفته و مسموم سیاسی و مدنی کشور نیز به این بی‌اعتمادی دامن زده است. سکولاریسم، دموکراسی، آزادی، عدالت اجتماعی و رفاه اقتصادی شعارهای بسیار زیبایی است ولی «رفتار عملی» مردم نشان می‌دهد که اکثریت ایرانیان حاضر نیستند بار دیگر با چنین شعراهایی خود را به دست آینده‌ای نامعلوم داده و هندوانه‌ای بسته را انتخاب کنند. برعکس اقبال عمومی جهت بازگشت و احیای سلطنت پهلوی بطور چشمگیری رو به رشد است تا جایی که هم رهبری

بسیاری از شخصیت‌ها و فعالین مؤثر و با سابقه‌ی سیاسی و مدنی، در نشست‌هایی که با آنان داشتیم از این وضعیت آشفته، بی‌ضابطه و قاعده و مسموم که بر فضای فعالیت سیاسی و مدنی کشور حاکم می‌باشد گله داشتند، اما به خاطر فضای مسموم کنونی و به جهت آنکه خود متهم به عاملیت و همکاری با حکومت نگردند سکوت اختیار نموده‌اند. من حتی مطمئنم که بسیاری بر اساس گسترش و موفقیت همان طرح از انتشار و انعکاس همین متن حذر خواهند نمود تا مورد اتهام قرار نگیرند. می‌بایست عاقلان و دلسوزان چاره‌ای جندی و سریع برای رفع این آشفتگی بیابند و به سمت تشکیلاتی عمل کردن بروند زیرا که این بخش بر الزامات دیگر تأثیر مستقیم گذاشته و هماهنگونه که در پی خواهد آمد- آنها را نیز به آشفتگی کشانده است.

اطلاعرسانی، همراه و هماهنگ کردن افکار عمومی یکی دیگر از ملزوماتی است که به آشفتگی کشانده شده است. پیش از انقلاب نه اینترنتی وجود داشت و نه ماهواره‌ای، ولی با این حال احزاب و سازمان‌ها به دلیل دانش و سیستم تشکیلاتی می‌دانستند چگونه و از چه طریقی اطلاع‌رسانی و هماهنگی‌های لازم را انجام دهند. اما امروزه امکانات وسیع اطلاع‌رسانی مانند فضای مجازی و شبکه‌های ماهواره‌ای تنها وسیله‌ای برای سردرگم کردن و رودررو قرار دادن مردم، ایجاد اختلافات قومی، دینی و سیاسی؛ خرسازی‌های عجیب، تخریب جناح‌ها، شخصیت‌های سیاسی و بعضاً عقده‌گشایی‌های شخصی شده است. اگر حوزه فعالیت سیاسی و مدنی چنین آشفته و بی‌در و پیکر نبود، این امکانات بهترین وسیله برای اطلاع‌رسانی و ایجاد وفای ملی می‌گردید. اما به دلیل عدم وجود ساختاری درست در پیکره فعالیت سیاسی و مدنی این امکانات نیز فشل و ناکارآمد گردیده‌ود مقابل باعث تشدید بدبینی، اختلاف، اتهام‌زنی و تنش‌های اجتماعی و جناحی و افزایش متوهمان تغییر و رفرم جمهوری اسلامی شده است که حتی نمی‌دانند چگونه باید تغییر و رفرم را ایجاد کرد؛ در عوض مبارزه با حکومت را تبدیل به بازی‌های کودکنانه کرده‌اند تا مردم به هیجان‌های زودگذر مجازی دلخوش باشند.

### رفرم و تغییر بنیادین بدون رهبری امکان ندارد

از جمله ملزومات و زمینه‌های ایجاد یک رفرم و تغییر بنیادین، وجود یک رهبری مشخص و قابل پذیرش از سوی اکثریت جامعه است تا نوع و چگونگی پیگیری مطالبات سیاسی و مدنی جامعه را هماهنگ و سمت‌دهی نماید، که آشفتگی و تشتت فضای سیاسی و مدنی کشور بر آن سایه افکنده و اجازه شکل‌گیری آن را نمی‌دهد. در عوض این فضا باعث ظهور متوهمان مدعی رهبری بسیاری گردیده که نه تنها مانع از ایجاد تشکیلی منسجم و کارآمد می‌شوند بلکه با استدلال‌های عوامانه جلوی پیدایش رهبری مشخص برای رفرم و تغییر را می‌گیرند تا به خیال خود راه بر قیابان ببندند.

واقعیت این است که رفرم و قیامی بدون رهبری مشخص و مورد پذیرش اکثریت مردم، تنها به هرج و مرج و شورش‌هایی کور می‌انجامد که جز خون‌ریزی و خرابی نتیجه‌ای دربر نخواهد داشت. اصلی‌ترین دلیل شکست قیام مردم سوریه و تبدیل شدنش به جنگ فرسایشی داخلی، اول نبود رهبری مشخص و دوم تشتت و طمع جانشینی حکومت‌بشار اسد میان هر یک از گروه‌های مخالف حکومت سوریه بوده است. این واقعیت و تجربه تاریخی را نمی‌توان انکار کرد که هیچ رفرم یا قیامی در هر گوشه‌ای از این دنیا بدون رهبری مشخص به نتیجه و ثمر نرسیده و نخواهد رسید. حال این رهبری می‌تواند یک شخص یا یک حزب یا ائتلافی از احزاب و گروه‌های مورد قبول و اعتماد اکثریت مردم باشد. اما با وجود شرایط و فضای آشفته و مسموم سیاسی و مدنی کنونی، چنین امری محتمل نخواهد

## محمدعلی نجفی با وجود محکومیت به قتل عمد با وثیقه یک میلیارد تومانی آزاد شد!

سنگین برای فعالان مدنی و سیاسی با اتهامات واهی مقایسه کرده‌اند. چنانکه بیش از دو سال است که ۸ فعال محیط‌زیستی به صورت کاملاً غیرقانونی در بازداشت موقت بسر می‌برند و جلسات دادگاه آنها به صورت مخفیانه و در غیرعادلانه‌ترین شرایط برگزار شده است. از سوی دیگر، فعالان مدنی و مخالفان حجاب اجباری نیز با اتهامات سنگین روبرو شده و برخی از آنان مجموعاً به بیش از پنجاه سال حبس تعزیری محکوم شده‌اند. در ساختار غیرعادلانه حکومت جمهوری اسلامی و دستگاه قضایی به شدت فاسد، علاوه بر اینکه مختصات جرم نامشخص است، تناسبی بین مجازات و اتهامات وارده وجود ندارد.

چنانکه برداشتن یک روسری در خیابان برای یک زن جوان ۲۴ ساله حبس تعزیری به دنبال داشته است. ولی پرونده جنجالی قتل میترا استاد که دادگاه حکم قصاص محکوم را صادر کرد، بدون در نظر گرفتن ابعاد عمومی جرم، آزادی مجرم را که به محافل حکومتی وابستگی دارد به آسانی فراهم کرده است.

بدان معناست که ارزش برابری ریال در مقابل دلار آمریکا ۱۰ درصد کاهش یافته است.

هرچند رپی تشدید بحران اقتصادی در کشور بانک مرکزی مدتی است آمارهای رسمی بخش پولی و بانکی را کامل منتشر نمی‌کند و فاجعه‌ی روزها در بازار جهانی ۵۴ دلار معامله می‌شود که نشان از افت ۲۱ درصدی دارد.

مطابق اعلام گمرک ایران، مجموع صادرات غیرنفتی کشور در سه ماهه نخست سال ۱۳۹۷ به ۱۱ میلیارد و ۶۳۶ میلیون دلار بود. این رقم با ۱۲ درصد کاهش به ۱۱ میلیارد و ۴۹۹ میلیون دلار در پایان بهار سال جاری خورشیدی رسید.

همچنین در حالی که در جریان معاملات روز پایانی مردادماه سال گذشته هر دلار آمریکا به ۱۰ هزار و ۶۰۰ تومان مبادله می‌شد، این نرخ روز ۳۱ مرداد سال ۱۳۹۸ حدود ۱۱ هزار و ۶۵۰ تومان بوده است. این نیز

از صفحه ۱۰

از رضایت اولیای دم حالا با گذاشتن سند ملکی به یک میلیارد تومان از زندان اوین آزاد شده است. گودرزی وکیل مدافع محمدعلی نجفی درباره جنبه عمومی جرم قتل عمد نفس گفته که «طبق قانون با سقوط حکم قصاص باید قرار موقوفی تعقیب در بحث قتل عمد صادر شود که این کار صورت گرفت و در بحث جنبه عمومی جرم نیز فعلاً قرار بازداشت موقت موکل به قرار وثیقه تبدیل و از زندان آزاد شده است.»

آزادی محمدعلی نجفی وزیر اسبق و شهردار پیشین تهران از زندان، آنهم پس از صدور حکم قتل عمد از سوی دادگاه و داشتن دو سال زندان برای حمل غیرمجاز اسلحه، بازتاب گسترده منفی در فضای مجازی به دنبال داشته است. کاربران فضای مجازی ضمن انتقاد از روند قضایی جمهوری اسلامی مرتب یادآوری می‌کنند که قتل نفس با توجه به نفوذ متهم در دستگاه‌های حکومتی، سرانجام به آزادی مجرمی منجر شده که به قتل عمد محکوم شده است!

برخی کاربران صدور مجوز آزادی از زندان برای نجفی را با صدور احکام

از صفحه ۱۵

### روحانی با «آرامش» دروغ می‌گوید ...

بود. بدین ترتیب تولید نفت ایران طی یک سال گذشته نزدیک به ۴۰ درصد کاهش یافته است. افزون بر این قیمت هر بشکه نفت خام سنگین ایران که سال پیش ۶۹ دلار قیمت داشت این روزها در بازار جهانی ۵۴ دلار معامله می‌شود که نشان از افت ۲۱ درصدی دارد.

مطابق اعلام گمرک ایران، مجموع صادرات غیرنفتی کشور در سه ماهه نخست سال ۱۳۹۷ به ۱۱ میلیارد و ۶۳۶ میلیون دلار بود. این رقم با ۱۲ درصد کاهش به ۱۱ میلیارد و ۴۹۹ میلیون دلار در پایان بهار سال جاری خورشیدی رسید.

از صفحه ۴

### پیشنهاد ۱۵ میلیارد دلاری ماکرون...

فروش نفت ایران مطرح کرده است. ماکرون خواسته در ازای این خط اعتباری جمهوری اسلامی کاملاً به توافق هسته‌ای پایبند باشد و وارد مذاکرات جدیدی شود که برنامه موشکی و فعالیت‌های منطقه‌ای این کشور را شامل می‌شود.

۵ میلیارد دلار از این مبلغ سهم فرانسه و باقی اعضای برجام ۱۰ میلیارد خواهند پرداخت و از طریق

از صفحه ۱۰

### فدراسیون فوتبال جمهوری اسلامی...

فدراسیون فوتبال جمهوری اسلامی ایران، محرومیت ورود زنان به استادیوم‌های ورزشی را لغو کرده، اما به صورت مقطعی و تنها برای گروه‌های دستچین‌شده‌ای از زنان، در وضعیتی که در تاریخ ۲۲ مرداد ۱۳۹۸، شش تن از طرفداران زن فوتبال ایران، به دلیل به چالش کشیدن این محرومیت، و ورود به استادیوم فوتبال با گریم مردانه، بازداشت شده‌اند (۶ فرد بازداشت‌شده).

آنها از مسئولان فیفا خواسته‌اند، «تمام اقدامات قانونی را در جهت رفع محرومیت تبعیض‌آمیز زنان ایرانی به عمل آورید. فدراسیون فوتبال ایران را انقدر با تحمیل جریمه‌های مالی و جلوگیری از شرکت در رقابت‌های دوستانه و بین‌المللی تنبیه کنید تا زمانی که محرومیت زنان از ورود به استادیوم‌های ورزشی بطور کامل و تا همیشه برداشته شود و ۶ زن بازداشت‌شده، بدون هیچ شرط و قرار تنبیه‌ی، آزاد شوند.»

## فساد در خود دستگاه قضایی مجازات قتل عمد را با آزادی متهم تاخت می‌زند. زندان‌های ایران مملو از فعالان مدنی و سیاسی است که با اتهامات واهی به احکام سنگین زندان محکوم شده‌اند.

محمدعلی نجفی شهردار اسبق تهران و مجرم پرونده قتل عمد میتر استاد امروز چهارشنبه ۶ شهریورماه با وثیقه‌ی یک میلیارد تومانی از زندان اوین آزاد شد. میتر استاد هفتم خردادماه ۹۸ توسط نجفی در منزل شخصی خود با شلیک گلوله به قتل رسید و دو ماهه پرونده این قتل با آزادی نجفی بسته شد!

محمدرضای گودرزی وکیل مدافع محمدعلی نجفی صبح امروز چهارشنبه ششم شهریورماه از آزاد شدن موکلش با قرار وثیقه‌ای به مبلغ یک میلیارد تومان خبر داد. نجفی که در پرونده قتل میترا استاد همسر دومش از سوی دادگاه به قصاص قتل عمد نفس محکوم شده، پس

### کاهش درآمدها آرامش‌بخش است؟ افت ارزش پول ملی آرامش‌بخش است؟!

حسن روحانی در حالی مدعی می‌شود وضعیت «تمام شاخص‌های اقتصادی» بهبود پیدا کرده و «آرامش مردم و ثبات بازار اقتصادی» بیش از سال گذشته است که درآمدهای ایران به شدت کاهش پیدا کرده است.

صادرات روزانه نفت ایران از ۲.۵ میلیون بشکه در روز طی سال گذشته به صد هزار بشکه در ماه زوئیه رسید. این بدان معناست که سالانه ۵۳ میلیارد دلار درآمد نفتی ایران کاهش پیدا کرده است.

همچنین بر اساس اعلام دبیرخانه اوپک، منابع ثانویه متوسط تولید روزانه نفت ایران در ماه زوئیه گذشته ۲ میلیون و ۲۱۳ هزار بشکه اعلام کرده‌اند. این رقم در ماه مشابه سال پیش ۳ میلیون و ۲۷۷ هزار بشکه

### ۱۵ میلیارد دلار نسبه در ازای توقف موشک‌پرانی و حمایت از شبه‌نظامیان

روزنامه کیهان گذشت تهران در واکنش به آنچه در پاریس گذشت نوشت «آقای ظریف! بسته فرانسه توهین‌آمیز است.» این روزنامه به نقل از المانیور نوشت، فرانسه پیشنهاد راه‌اندازی یک خط اعتباری ۱۵ میلیارد دلاری به‌عنوان راهی برای جبران کاهش

از صفحه ۱۰



چنین تصور کردند هر که زندانی یا آسیب دیده‌ی سیاسی است قطعاً یک شخصیتی ممتاز، اسطوره‌ای غیرقابل نقد و نخبه‌ای همه‌چیزدان می‌باشد. از دهه دوم، حکومت به تأثیرات عمیق این استراتژی برای ایجاد انشقاق و کنترل مخالفین مؤثر خود پی برد تا آنجا که اکنون باعث آشفتگی شدید در فعالیت سیاسی و مدنی شده است. من خود زندان و شلاق را بارها تجربه کرده و همچنان زیر فشار محدودیت‌های اعمال شده می‌باشم - و به غیر از چند نفری از فعالین - سابقه‌ام از همه فعالین سیاسی و مدنی کنونی بیشتر است. اقدامات و فعالیت‌هایی که در طی ۳۰ سال انجام دادم، حتی مدعیان شجاعت، و مخالفان حکومت در داخل کشور نه تنها جرات انجامش را نداشتند، بلکه حتی از بیان و انعکاس آن خوف دارند؛ با این حال هیچگاه خود را یک فعال سیاسی یا مدنی شناخته و معرفی نکردم و آن دوران را جزو افتخارات و امتیازات خود محسوب نمی‌کنم زیرا بر این باورم که باید این فرهنگ غلط «زندان‌سالاری» را کنار گذاشت. نمی‌گویم از کسانی که به اتهامات سیاسی و امنیتی به زندان افتاده‌اند نباید حمایت و دفاع کرد، بلکه قصدم آن است که در کنار حمایت از حقوق انسانی زندانیان سیاسی و امنیتی باید با فرهنگ زندان‌سالاری که حکومت زندانه جایگزین شایسته‌سالاری نموده است مقابله کرده و از مبالغه‌گری، بزرگ‌نمایی، اسطوره‌سازی و بیت‌تراشی نسبت به افرادی که به اتهامات امنیتی یا سیاسی بازداشت و محکوم شده‌اند یا هیچ اطلاع دقیقی از سوابق، مشی فکری و دانش سیاسی آنها در دست نیست پرهیز کرد. در عوض باید با فشارهای مدنی حکومت را وادار به ارائه‌ی تعریفی دقیق و شفاف از جرائم سیاسی و مدنی در قوانین جزایی خود نمود تا این فضا بیش از این آشفته نگردد. فراموش نکنیم که اکثر سران امروز جمهوری اسلامی زندان کشیده‌ها و تبعید شده‌های رژیم گذشته بودند که شعار دموکراسی و آزادیخواهی را سر می‌دادند.

### موازی کاری، آشفته سازی، بی‌اعتمادی

این واقعیت را باید پذیرفت که جمهوری اسلامی تخصصی خاص در جریان‌سازی و موازی‌کاری‌های مختلف و مدیریت آنها در جهت منافع سیاسی خویش دارد. در این سال‌ها - بخصوص بعد از اتفاقات سال ۱۳۸۸ - به خوبی توانسته با همان استراتژی زندان‌سالاری، مخالفان صوری و فعالین زرد پر سر و صدای بسیاری خلق کند تا با ایجاد هیجان‌ها مقطعی ملت را سردرگم نماید؛ بذریع‌اعتمادی، بدبینی و اختلاف را در جامعه بپراکند؛ مردم را رودرروی یکدیگر قرار دهد و از وفای ملی و تشکیل اپوزیسیونی قوی که بتواند آرتناتیوی قابل قبول برای حکومت باشد جلوگیری نماید. باید اقرار کرد که جمهوری اسلامی در اجرای این طرح بطور چشمگیری موفق بوده تا جایی که اگر کسی به این فعالین زرد شک کند، انتقادی نماید یا مورد پرسش قرار دهد متهم به عاملیت و طرفداری از حکومت شده یا احمق، مغرض و حسود معرفی خواهد شد؛ به همین جهت یا باید با این فعالین زرد همراه شد و تأییدشان کرد یا سکوت نمود تا متهم به طرفداری از حکومت نگردد.

مقایسه‌ای سطحی بین شخصیت‌ها و فعالین سیاسی پیش از انقلاب و فعالین سیاسی سریع‌الولاده کنونی به خوبی بیانگر این حقیقت است که جمهوری اسلامی در پایین آوردن وزن فعالیت سیاسی و مدنی در همه زمینه‌ها تا چه اندازه موفق بوده است. ادامه در صفحه ۱۷

برای مردم بازگشت به ساختار پیش از انقلاب ۱۳۵۷ بیشتر اطمینان‌بخش است. ما می‌توانیم مخالف این گرایش باشیم و حتی وجود چنین نگرشی در جامعه را بطور کل منکر شویم اما «رفتار عملی» اکثریت خاموش جامعه خلاف تحلیل‌هاست



## گذار از جمهوری اسلامی از توهم تا واقعیت؛

«اکثریت خاموش» چه می‌خواهند؟!

کشور داشته باشند، چنان دچار خودشیفتگی و توهم هستند که خویش را در مقام رهبر می‌پندارند و تصور می‌کنند از جایگاه و مقبولیتی خاص در بین مردم برخوردارند که می‌توانند جایگزین حاکمان کنونی باشند. این توهمات، خودشیفتگی‌ها، بی‌اطلاعی‌ها و استبدادرای‌های عده‌ای باعث شده که طی این دو دهه نه تنها هیچ شکل و ائتلافی قوی میان فعالین سیاسی در داخل یا خارج از کشور شکل نگیرد بلکه با روش‌ها و راهکارهای ناکارآمد، شعارها و تحلیل‌های غیرواقعی و پوپولیستی، و خودنمایی‌های کاسیکارانه، فضای سیاسی کشور را به نهایت درجه‌ی آلوده و آشفته نموده تا جایی که اگر در این بین افرادی با پتانسیل بالا برای فعالیت‌های سیاسی و مدنی وجود داشته باشد خودبخود هز رفته و عملاً فاش خواهند شد. اما این معیار و ملاک غلط «زندان‌سالاری» از کجا نشأت گرفت؟ پس از استقرار جمهوری اسلامی افرادی بدون تخصص، دانش، تجربه و صلاحیت در مناصب مختلف قدرت قرار گرفتند. تنها استدلال مشروعیت آنها برای در دست گرفتن مناصب مدیریتی، قانونگذاری و قضاوت، انقلابی‌گری، زندان رفتن، شکنجه شدن و زجر کشیدن در رژیم گذشته بوده است. در واقع انقلابیون عمداً «زندان‌سالاری» را جایگزین «شایسته‌سالاری» نمودند تا خود را صاحب حق ویژه‌ی معرفی کرده و اذهان مطالبه‌گر را از ضعف‌های متعدد خویش منحرف نموده و شخصیت‌های شایسته را از دور خارج کنند. با همین معیار غلط بود که افرادی با تحصیلات ابتدایی و بدون کوچکترین تخصص و تجربه‌ای در مسند و کالت، قضاوت و وزارت قرار گرفتند. این معیار غلط باعث به وجود آمدن فرهنگی ناصحیح در بین مردم گردید و ناخودآگاه

برای آینده سیاسی کشور دارند. هرکسی از افراد جامعه که افکار و ایده‌آل‌هایش با هر یک از آن تشکلهای مطابقت داشت هوادار و طرفدارش می‌شد؛ و چنانچه تمایل به فعالیت در آن تشکیلات داشت بر اساس آیین‌نامه‌های آن سازمان یا حزب به عضویت آن تشکیلات در می‌آمد و به مرور با توجه به فعالیت‌هایی که می‌کرد به رده‌های مختلف وارد می‌شد؛ از این رو همگان قادر بودند افراد سیاسی را بر اساس تعلق معنوی یا عملی آنها به هر یک از احزاب و تشکلهای مورد شناخت و قضاوت قرار دهند. امروزه حکومت عمداً از ارائه‌ی تعریفی صریح از اتهامات سیاسی و امنیتی در قوانین حقوقی خود پرهیز می‌نماید تا دایره متهمین امنیتی و سیاسی را گسترش داده و «شهروندی معترض» که هیچ مشی و مرام و سابقه سیاسی ندارد را به عنوان فعال سیاسی و مدنی مطرح نماید. این امر شدن نه تنها نیازی به دانش، درک، شناخت و مشی سیاسی مشخص و تجربه فعالیت نداشته باشد بلکه صرفاً زندان رفتن یا آسیب دیدن از حکومت تحت اتهام امنیتی و سیاسی برای مطرح شدن در این حوزه کفایت کند. بنده با بسیاری از فعالین سیاسی و مدنی کنونی با واسطه یا بدون واسطه برخورد داشته و شناخت کافی دارم. متأسفانه باید بگویم بجز تعداد اندکی و بجز بخشی از فعالین دانشجویی و صنفی - بسیاری از کسانی که تحت عنوان فعالین سیاسی و مدنی مطرح می‌باشند نه تنها هیچ دانش، اطلاع و شناختی از معادلات سیاسی یا مدنی و مشی مشخصی ندارند بلکه قادر به ارائه تعریفی صحیح از کارکرد یک فعال سیاسی و مدنی نیستند. تاسف‌بارتر اینکه برخی از آنان بدون آنکه هیچ ایده و تحلیلی درست از شرایط سیاسی و اجتماعی

استقرار خود، آن احزاب و تشکلهای را - در نبود نهادهای مدنی توانمند - یک به یک از بین برد و یا ناکارآمد کرد. در عوض به مرور - به خصوص بعد از اتفاقات سال ۱۳۸۸ - شرایطی را به وجود آورد تا زمینه برای ظهور افراد مختلفی تحت عنوان فعالان سیاسی و مدنی مستقل مهیا گردد. فعالاتی که اکثرشان نه تنها هیچ سابقه و درکی از معادلات و فعالیت‌های سیاسی و منسجم و کارآمد برای جنبشی عمومی و اثرگذار دست یابند. انقلاب سال ۱۳۵۷ با توجه به شرایط اجتماعی و فرهنگی ایران، یک استثناء بود و تکرار آن امری بعید به نظر می‌رسد، مگر آنکه تمامی زمینه‌ها و ملزومات آن موجود باشد. جمهوری اسلامی به وسیله‌ی قیامی همه‌گیری برقرار گردیده و مسئولین آن علیرغم تمامی بی‌کفایتی‌ها در اداره امور کشور به خوبی می‌دانند که یک انقلاب و رفم بنیادین چگونه شکل می‌گیرد؛ و از این رو در طول چهل سال گذشته جلوی اکثر ملزومات و زمینه‌های آن را گرفته و از این بابت آرامش خاطر دارند. از جمله ملزومات و زمینه‌های یک رفم و تغییر بنیادین - وجود احزاب، اساسی‌ترین آنها - وجود احزاب، تشکلهای سازمان‌های قوی سیاسی و مدنی مردم‌نهاد با مانیفست و مرام‌نامه و دکترینی مشخص برای ایجاد حرکت‌های مبارزاتی مؤثر و تشکیل حاکمیتی مطابق باورهای تشکیلاتی خود می‌باشد. همیشه در ایران حاکمیت‌ها به دلیل ساختار استبدادیشان از تشکیل احزاب و تشکلهای مردم‌نهاد جلوگیری می‌کردند، با این حال پیش از انقلاب سال ۱۳۵۷ احزاب و تشکلهای قوی با نگرش‌های مختلف سیاسی وجود داشت که اگرچه ساختاری مردم‌نهاد نداشتند و اکثراً فعالیت‌های زیرزمینی می‌کردند، ولی هرکدام در به سرانجام رسیدن انقلاب نقش مؤثری را ایفا کرده بودند. جمهوری اسلامی پس از

مردم‌نهاد است تا بتوانند با درک جامع از سنن و فرهنگ قومی، اولویت‌بندی مطالبات عمومی، تشخیص ظرفیت و توانایی‌های اجتماعی جهت پیگیری آن مطالبات و همچنین شناختی صحیح از معادلات سیاسی، اجتماعی، منطقه‌ای و بین‌المللی و رایزنی‌ها و لابیگری‌ها با نیروهای مختلف در داخل و خارج کشور به راهکارهایی منسجم و کارآمد برای جنبشی عمومی و اثرگذار دست یابند. انقلاب سال ۱۳۵۷ با توجه به شرایط اجتماعی و فرهنگی ایران، یک استثناء بود و تکرار آن امری بعید به نظر می‌رسد، مگر آنکه تمامی زمینه‌ها و ملزومات آن موجود باشد. جمهوری اسلامی به وسیله‌ی قیامی همه‌گیری برقرار گردیده و مسئولین آن علیرغم تمامی بی‌کفایتی‌ها در اداره امور کشور به خوبی می‌دانند که یک انقلاب و رفم بنیادین چگونه شکل می‌گیرد؛ و از این رو در طول چهل سال گذشته جلوی اکثر ملزومات و زمینه‌های آن را گرفته و از این بابت آرامش خاطر دارند. از جمله ملزومات و زمینه‌های یک رفم و تغییر بنیادین - وجود احزاب، اساسی‌ترین آنها - وجود احزاب، تشکلهای سازمان‌های قوی سیاسی و مدنی مردم‌نهاد با مانیفست و مرام‌نامه و دکترینی مشخص برای ایجاد حرکت‌های مبارزاتی مؤثر و تشکیل حاکمیتی مطابق باورهای تشکیلاتی خود می‌باشد. همیشه در ایران حاکمیت‌ها به دلیل ساختار استبدادیشان از تشکیل احزاب و تشکلهای مردم‌نهاد جلوگیری می‌کردند، با این حال پیش از انقلاب سال ۱۳۵۷ احزاب و تشکلهای قوی با نگرش‌های مختلف سیاسی وجود داشت که اگرچه ساختاری مردم‌نهاد نداشتند و اکثراً فعالیت‌های زیرزمینی می‌کردند، ولی هرکدام در به سرانجام رسیدن انقلاب نقش مؤثری را ایفا کرده بودند. جمهوری اسلامی پس از

تغییر بنیادین یک سیستم حکومتی مستقر که از قدرت مالی و نظامی کافی برخوردار است با بیانیه و اطلاعیه و توفان‌های توییتری صرف و حتی فراخوان‌های بی‌بشتوانه قابل اجرا نیست؛ بلکه نیازمند تشکلهای قوی مردم‌نهاد است.

● جمهوری اسلامی در نشانیدن زندان‌سالاری بجای شایسته‌سالاری و همچنین موازی‌کاری و آشفته‌سازی و بی‌اعتمادی موفق بوده است. ● از جمله ملزومات و زمینه‌های ایجاد یک رفم و تغییر بنیادین، وجود یک رهبری مشخص و قابل پذیرش از سوی اکثریت جامعه است تا نوع و چگونگی پیگیری مطالبات سیاسی و مدنی جامعه را هماهنگ و سمت‌دهی نماید ولی مهمترین بخش به حرکت در آوردن خود مردم کشور برای رفم و تغییر است.

● برای این مردم بازگشت به ساختار پیش از انقلاب ۱۳۵۷ بیشتر اطمینان‌بخش است. ما می‌توانیم مخالف این گرایش باشیم و حتی وجود چنین نگرشی در جامعه را بطور کل منکر شویم اما «رفتار عملی» اکثریت خاموش جامعه خلاف تحلیل‌هاست.

الراجی عبدالحمید معصومی  
تهرانی - وضعیت این روزهای ایران بسیار بحرانی است. از یکطرف به دلیل تحریم‌های خارجی و از طرف دیگر به خاطر سوء مدیریت‌های داخلی شرایط اقتصادی کشور هر روز وخیم‌تر می‌گردد. تنش‌های سیاسی غیرمستولانه میان ایران و آمریکا و کشورهای منطقه بر بحرانی‌تر شدن وضعیت کشور دامن زده تا جایی که بروز درگیری‌های نظامی را نیز محتمل نموده است.

در این بین بسیاری از مخالفان جمهوری اسلامی بر این باورند که ادامه شرایط کنونی، تورم افسارگسیخته اقتصادی و فشارهای اجتماعی اعمال شده از سوی حکومت، باعث افزایش ناراضی‌های عمومی و در نهایت قیام همگانی مردم برای تغییر نظام حاکم خواهد شد. این تحلیل بیش از آنکه مبنایی واقعی و جامعه‌شناختی داشته باشد، تحلیلی احساسی و سطحی است که در میان بحران‌های پیش آمده در طی این چهل سال بارها و بارها از سوی چهره‌های مختلف مخالف حکومت عنوان گردیده و هیچگاه نیز اتفاق نیفتاده است. قطعاً وخیم‌تر شدن شرایط اقتصادی کشور ناراضی‌های عمومی را بیش از پیش خواهد کرد و ممکن است اعتراضات گوناگونی را - مشابه آنچه در دی ماه سال ۱۳۹۶ به وقوع پیوست - در شهرهای مختلف مجدداً شاهد باشیم؛ اما به دلایلی که در پی ذکر خواهم کرد این ناراضی‌ها و اعتراضات در صورت وقوع به جنبشی مشابه انقلاب سال ۱۳۵۷ و تغییر حکومت منجر نخواهد شد.

تغییر بنیادین به تشکل نیاز دارد  
تغییر بنیادین یک سیستم حکومتی مستقر که از قدرت مالی و نظامی کافی برخوردار است با بیانیه و اطلاعیه و توفان‌های توییتری صرف و حتی فراخوان‌های بی‌بشتوانه قابل اجرا نیست؛ بلکه نیازمند تشکلهای قوی